

سازمان تجارت جهانی و الحاق ایران

(پیش‌نیازهای اصلاح ساختار اقتصاد کشور)

دکتر بیژن بیدآباد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

«منزهی تو ما را دانشی نیست جز آنچه تو به ما آموختی همانا تویی دانشمند حکیم»

قرآن کریم

آیه 32 سوره بقره

Bidabad, Bijan بیدآباد، بیژن ۱۳۳۸

سازمان تجارت جهانی و الحاق ایران (پیش‌نیازهای اصلاح ساختار اقتصاد کشور) / بیژن بیدآباد -
 ویرایش ۲- تهران:.....، ۱۳۸۷، دوازده، ۴۰۸ ص.

..... ISBN:
 ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا (فهرست نویسی پیش از انتشار)
 کتابنامه

۱- سازمان تجارت جهانی. ۲- اصلاح ساختار ۳- تجارت بین‌الملل. الف نویسنده. ب عنوان.

 ۱۳۸۴

سازمان تجارت جهانی و الحاق ایران
(پیش‌نیازهای اصلاح ساختار اقتصاد کشور)

تألیف: دکتر بیژن بیدآباد
 ناشر:

آدرس:

ایمیل: bidabad@yahoo.com

وب: <http://www.bidabad.com>

تلفن:

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۷

تعداد: جلد

چاپ و صحافی:

بهاء: ریال

شابک:

ISBN:

فهرست مطالب

پیشگفتار.....ط

فصل اول سازمان تجارت جهانی

۳	مقدمه
۴	مبانی نظری
۴	نظریه مرکانتیلیسم (سوداگری)
۵	نظریه مزیت مطلق آدام اسمیت
۶	نظریه مزیت نسبی ریکاردو
۷	نظریه هزینه فرصت
۸	نظریه مزیت نسبی هکشر و اوهلین
۱۰	نظریه مزیت نسبی لیندر
۱۱	آزمون تجربی لئونتیف
۱۲	موافقان و مخالفان جهانی سازی و کشورهای جهان سوم
۲۰	روند تاریخی تشکیل سازمان تجارت جهانی
۲۳	موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)
۳۵	اهداف تشکیل سازمان تجارت جهانی
۴۱	ساختار سازمان تجارت جهانی
۴۵	الحاق به سازمان تجارت جهانی
۴۸	رفتار ویژه با کشورهای در حال توسعه
۴۹	اتحادیه‌های تجاری منطقه‌ای و سازمان تجارت جهانی
۵۰	موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی

فصل دوم

ایران و سازمان تجارت جهانی

۵۵	مقدمه
۵۶	مذاکرات با اتحادیه اروپا
۵۷	الزامات کلی ایران در فرآیند الحاق
۵۸	قانون اساسی
۶۱	مقررات صادرات و واردات
۷۱	مقررات گمرکی
۷۲	مقررات ارزی
۷۳	قوانین مالیاتی
۷۴	کلیات الزامات ایران در فرایند الحاق
۷۶	موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت
۷۶	الزامات الحاق ایران نسبت به گات
۷۷	موافقتنامه تأسیس سازمان جهانی تجارت
۷۸	الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه تأسیس
۷۸	دسترسی به بازار
۷۹	الزامات الحاق ایران در رابطه با دسترسی به بازار
۷۹	موافقتنامه کشاورزی
۸۰	الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه کشاورزی
۸۱	موافقتنامه اقدامات بهداشتی و بهداشت نباتی
۸۳	الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه بهداشتی
۸۴	موافقتنامه منسوجات و پوشاک
۸۵	الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه نساجی
۸۶	موافقتنامه موانع فنی فرا راه تجارت

ز

- الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه موانع فنی فرا راه تجارت ۸۸
- موافقتنامه ضوابط سرمایه گذاری تجاری ۸۹
- الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه سرمایه گذاری ۹۳
- موافقتنامه رویه‌های ضد دامپینگ ۹۳
- الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه ضد دامپینگ ۹۶
- موافقتنامه سوبسیدها و اقدامات جبرانی ۹۶
- الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه سوبسیدها ۱۰۱
- سایر اقدامات حمایتی و اضطراری ۱۰۶
- الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه اقدامات حمایتی ۱۱۲
- موافقتنامه ارزش گذاری گمرکی ۱۱۲
- الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه ارزش گذاری گمرکی ۱۱۴
- موافقتنامه بازرسی پیش از حمل ۱۱۶
- الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه بازرسی پیش از حمل ۱۱۸
- موافقتنامه قواعد مبدأ ۱۲۰
- الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه قواعد مبدأ ۱۲۳
- موافقتنامه رویه‌های صدور مجوز ورود ۱۲۴
- الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه صدور مجوز ورود ۱۲۷
- موافقتنامه عمومی تجارت خدمات ۱۳۱
- الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه تجارت خدمات ۱۳۳
- موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری ۱۳۴
- الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه مالکیت حقوق فکری ۱۳۸
- موافقتنامه‌های میان چند طرف ۱۴۱
- موافقتنامه تجارت هواپیماهای غیر نظامی ۱۴۲
- موافقتنامه خرید دولتی ۱۴۲

- ۱۴۴سرفصل‌های آتی سازمان تجارت جهانی
- ۱۴۵تجارت و محیط زیست
- ۱۴۶موافقتنامه پیشنهادی چندجانبه سرمایه‌گذاری و تجارت
- ۱۴۷تسهیل تجاری
- ۱۴۹شفافیت خریدهای دولتی
- ۱۵۰منابع و مآخذ

پیشگفتار

در این کتاب به بررسی سازمان سازمان تجارت جهانی در ارتباط با ایران می‌پردازیم. موضوع اساسی ما در این کتاب این است که اگر ایران به سازمان تجارت جهانی ملحق شود الزاماً چه تحولاتی در ساختار اقتصادی و حقوقی ایران باید رخ دهد. لذا با مروری بر سازمان تجارت جهانی و ویژگی‌های آن به شرح موافقتنامه‌های اصلی این سازمان می‌پردازیم و در این میان پس از مروری کلی بر الزامات ناشی از الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی تک‌تک موافقتنامه‌های این سازمان را با شرایط فعلی ایران مقایسه می‌کنیم. مقایسات انجام شده کلی هستند و شامل همه جزئیات نمی‌شوند. امید است که مورد استفاده خوانندگان قرار گیرد.

بیژن بیدآباد^۱

^۱ - Email: bidabad@msn.com bijan@bidabad.com Web: <http://www.bidabad.com/>

فصل اول

سازمان تجارت جهانی

مقدمه

سازمان تجارت جهانی (World Trade Organization WTO) در سال ۱۹۹۵ شکل گرفت، این سازمان یکی از جوانترین سازمانهای بین‌المللی و در حقیقت جانشین موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (General Agreement on Tariffs and Trade GATT) می‌باشد که پس از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۷ تأسیس شده بود. بدین ترتیب می‌توان گفت هر چند سازمان تجارت جهانی هنوز جوان است اما نظام تجارت چند جانبه که تحت گات شکل گرفت قدمتی شصت ساله دارد. طی شصت سال گذشته جهان شاهد رشدی چشمگیر در تجارت جهانی بوده است، بطوریکه صادرات کالا هر ساله به طور متوسط رشدی معادل ۶ درصد داشته و کل حجم تجارت در سال ۱۹۹۷، چهارده برابر سال ۱۹۵۰ بود که این روند رشد بی‌سابقه‌ای داشته است.

نظام تجارت جهانی از طریق یک سری ادوار مذاکرات تجاری تحت موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت گات شکل گرفت نخستین دور مذاکرات اساساً در مورد کاهش تعرفه‌ها بود لکن مذاکرات بعدی سایر زمینه‌ها از قبیل معیارها و ضوابط غیرتعرفه‌ای و ضوابط ضد دامپینگ (فروش زیر قیمت) را نیز در بر گرفت، مهمترین دور مذاکرات که بین سالهای ۱۹۹۴-۱۹۸۶ بود و به دور اروگوئه معروف است منجر به تشکیل سازمان تجارت جهانی گردید. البته مذاکرات به این مرحله ختم نگردید و برخی از آنها بعد از پایان دور اروگوئه نیز ادامه یافت چنانچه در سال ۱۹۹۷ توافقاتی در زمینه خدمات ارتباطات راه دور حاصل شد که ۶۹ دولت در مورد برقراری معیارهای گسترده آزادسازی فراتر از موافقتنامه دور اروگوئه در آن به توافق رسیدند.

در همان سال، چهل دولت با موفقیت مذاکرات خود را در زمینه تجارت آزاد تولیدات فن‌آوری اطلاعات پایان بخشیدند و هفتاد عضو یک تعهدنامه انجام خدمات مالی را در زمینه پوشش بیش از ۹۵ درصد معاملات تجاری بانکها، بیمه و اطلاعات مالی و اوراق قرضه امضاء کردند. در سال ۲۰۰۰ مذاکرات جدید در زمینه خدمات و کشاورزی آغاز شد این دور مذاکرات وارد برنامه‌های وسیعتری در اجلاس توسعه دوحه (DDA) که در چهارمین کنفرانس وزیران سازمان تجارت جهانی در دوحه، قطر، در نوامبر ۲۰۰۱ بود گردید، بر اساس بیانیه

دوحه، دور جدید مذاکرات که از آخر ژانویه ۲۰۰۲ آغاز شده است باید تا پایان ژانویه سال ۲۰۰۵ به پایان برسد. در دور دوحه مذاکرات و سایر کارهایی در زمینه محدودیتهای غیرتعرفه‌ای کشاورزی، تجارت و محیط زیست، برخی مقررات سازمان تجارت جهانی از قبیل اعطای یارانه، قوانین ضد دامپینگ، سرمایه‌گذاری، سیاستهای رقابتی، تسهیلات تجاری، شفافیت در مقررات خریدهای دولتی، حقوق معنوی، مالکیت، و یک سری از مسائلی که تحت عنوان مشکلات کشورهای در حال توسعه در بکارگیری موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی است، صحبت می‌گردد.

مبانی نظری

امروزه همه متفق القولند که تجارت در توسعه و رشد اقتصادی دارای اهمیتی انکار ناپذیر است. توجه ما به این موضوع به گونه‌ای است که تجارت منجر به تقسیم بین‌المللی کار و تخصص در بین کشورها شده و زمینه افزایش ارتباطات را در جهان فراهم آورده است. نظریه‌های تجارت بین‌الملل از اهمیت بسزائی در این زمینه برخوردارند لذا در این بخش مروری بر نظریه‌های مهم در تجارت بین‌الملل می‌پردازیم.

اقتصاد بین‌الملل با روابط اقتصادی میان کشورها سروکار دارد و بستگی متقابل حاصل از این روابط از جهت رفاه اقتصادی اکثر کشورها اهمیت زیاد دارد. روابط اقتصادی میان کشورها با روابط اقتصادی میان بخشهای مختلف یک کشور تفاوت دارد و این امر سبب می‌شود تا مسائل متفاوتی بروز کند که نیاز به ابزارهای تحلیلی نسبتاً متفاوتی دارد. بدین ترتیب اقتصاد بین‌الملل به عنوان رشته‌ای متمایز و جدا از اقتصاد کاربردی درآمده است. اقتصاد بین‌الملل با مباحث چندی سروکار دارد که نظریه محض تجارت و نظریه سیاست بازرگانی از آن جمله است. نظریه محض تجارت به اساس تجارت و منافع حاصل از آن می‌پردازد و نظریه سیاست بازرگانی به دلایل مربوط به موانع جریان آزاد تجارت و نتایج حاصل از آن می‌پردازد.

نظریه مرکانتیلیسم (سوداگری)

نظریه سوداگری (Mercantalism) از جمله نظریات تجاری است که پایه تفکرات اقتصادی بین سالهای ۱۵۰۰ تا ۱۷۰۰ میلادی را تشکیل می‌دهد. سوداگران (مرکانتالیست‌ها) که

از قرن شانزدهم تا اواسط قرن هیجدهم در ممالکی نظیر بریتانیا، اسپانیا، فرانسه و هلند نظریاتشان رواج داشت معتقد بودند که مهمترین راه برای آنکه کشوری ثروتمند و قدرتمند شود آن است که صادراتش بیش از وارداتش باشد و در نتیجه مابه‌التفاوت با دریافت یک فلز قیمتی مانند طلا تسویه گردد در این رابطه قدرتمندتر شدن هر کشور را بر مبنای داشتن طلای بیشتر می‌دانستند از آنجائی که مقدار طلای موجود در هر لحظه از زمان ثابت بود لذا یک کشور خاص می‌توانست به زیان سایر ممالک از تجارت بهره‌مند گردد. از اینرو سوداگران از این عقیده حمایت می‌کردند که دولت باید صادرات را تشویق و واردات را محدود کند.

نظریه مزیت مطلق آدام اسمیت

آدام اسمیت (Adam Smith) در سال ۱۷۷۶ در کتاب ثروت ملل فروض مکتب سوداگران را که ثروت یک کشور به میزان دارائی آن کشور (طلا و نقره) بستگی دارد و کشورها فقط به ضرر سایر کشورها می‌توانند از تجارت سود ببرند را زیر سؤال برد. او عقیده داشت که تجارت آزاد بین کشورها باعث تقسیم کار شده و عوامل تولید کشورها بر تولید کالایی متمرکز خواهد شد که آن کالا در مقایسه با کالای سایر کشورها ارزانتر تولید شود در این صورت است که هر دو کشور از تجارت سود می‌برند.^۱ او استدلال نمود که از طریق تجارت آزاد هر کشور می‌تواند در تولید کالایی تخصص پیدا کند که در آنها دارای مزیت مطلق است (یعنی آن کالا را با کارآیی بیشتر نسبت به کشورهای دیگر تولید کند) و کالایی را وارد کند که در آنها مزیت مطلق ندارد (یعنی دارای کارآیی لازم برای تولید آن نیست) بدین ترتیب با تخصص بهینه عوامل تولید در سطح جهان، تولید جهان افزایش می‌یابد و رفاه همه کشورها افزایش می‌یابد. از اینرو دیگر یک کشور به ضرر سایرین منتفع نگردیده و همه کشورها منتفع خواهند شد.

براساس نظر آدام اسمیت تجارت بین دو کشور تنها براساس اصل مزیت مطلق انجام می‌شود. وقتی یک کشور کالائی را با کارآیی بیشتر نسبت به کشور دیگر تولید می‌کند (یا مزیت مطلق دارد) و کالای دوم را نسبت به کشور دیگر با کارآیی کمتر تولید می‌کند (عدم مزیت مطلق دارد) در این صورت هر دو کشور با تخصص در تولید کالائی که در آن مزیت

¹ Suranovic. 1999. Chapter 40.

مطلق دارند و مبادله آن با یکدیگر منتفع می‌شوند.^۱ واضح است که نظریه مزیت مطلق فقط بخش کوچکی از اقتصاد را در بر می‌گیرد که مزیت مطلق در آن وجود دارد.

نظریه مزیت نسبی ریکاردو

ریکاردو حدود ۴۰ سال بعد نظریه مزیت نسبی را ارائه نمود که بخش مهم تجارت جهانی را شامل می‌شود. سئوالی که آدام اسمیت نتوانست به آن جواب بدهد این بود که آیا تجارت بین کشورهایی که در تولید تمامی کالاها دارای مزیت مطلق هستند برقرار می‌باشد یا خیر؟ در سال ۱۸۱۷ دیوید ریکاردو در جواب به این پرسش قانون مزیت نسبی را مطرح کرد. این نظریه بر پایه مفروضات زیر است:

۱. دو کشور دو کالا
۲. نظریه ارزش کار
۳. نیروی کار در یک کشور کاملاً متحرک و در سطح بین‌المللی غیر متحرک
۴. رقابت کامل در بازار عوامل تولید و محصولات
۵. توزیع درآمد در یک کشور تحت تاثیر تجارت نیست
۶. تغییرات فنی صورت نمی‌گیرد
۷. هزینه تولید ثابت است
۸. هزینه حمل و نقل صفر است
۹. تجارت پایاپای وجود دارد.

بر طبق نظریه ریکاردو اگر کشوری در تولید هر کالا دارای مزیت مطلق باشد هنوز هم تجارت برای هر دو کشور سودآور خواهد بود زیرا که هر کشور در تولید کالایی تخصص می‌یابد که هزینه نسبی تولید آن در داخل کشور پایین تر باشد و کالایی را وارد می‌نماید که هزینه نسبی تولید آن در داخل نسبت به کالای دیگر بالاتر باشد. ریکاردو اظهار داشت حتی اگر کشوری در تولید هر دو کالا دارای مزیت مطلق در مقایسه با کشور دیگر نباشد باز داد و ستدی که حاوی منافع متقابل است می‌تواند بین هر دو طرف صورت بگیرد و کشوری که دارای کارایی کمتری است باید در صدور و تولید کالایی تخصص پیدا کند که در آن مزیت

^۱ پورمقیم، ۱۳۷۵ صفحه ۲۲ و سالواتوره، ۱۳۷۶ صفحه ۴۶.

مطلق کمتری ندارد. این همان کالایی است که آن کشور در تولید آن دارای مزیت نسبی^۱ است. از سوی دیگر باید کالایی را که مزیت مطلق بیشتری ندارد را وارد کند. این قانون که به قانون مزیت نسبی معروف است هنوز کماکان یکی از مشهورترین قوانین اقتصادی در تجارت بین‌الملل است.

با مروری گذرا بر فرض نظریه مزیت نسبی ریکاردو می‌توان مشاهده نمود که چرا این فرض مورد نقد قرار گرفته است. زمانی که دیوید ریکاردو نظریه خود را مطرح نمود در اوایل قرن نوزدهم بود و در انگلستان نیروی کار مهمترین عامل تولید قلمداد می‌گردید که در اکثر کالاها نقش اساسی را برعهده داشت. در آن دوران اکثر کارگران مهارتهای تخصصی کمی داشتند بنابراین فرض نیروی کار همگن فرض درستی بود. اما با گذشت زمان این فرض به مرور نقض گردید. سرمایه در کنار نیروی کار از اهمیت قابل توجهی برخوردار گردید و نیروهای کار نیز برحسب مهارتها متمایز شدند. تکنولوژی با سرعت زیاد تغییر یافت، بطوری که واحدهای تولیدی با نوع تکنولوژی متفاوت از هم متمایز گردیدند. بازدهی‌های فزاینده نسبت به مقیاس مشخصه برخی از صنایع شد و سرمایه و نیروی کار هر دو از تحرک جهانی برخوردار شدند.^۲

یکی از فرض این نظریه، ارزش کار است که بیان می‌دارد ارزش یا قیمت یک کالا از طریق مقدار کاری که در تولید آن کالا صرف شده است تعیین می‌گردد که امروزه این بخش از این نظریه مورد توجه اقتصاددانان نیست.

نظریه هزینه فرصت

هابرلر (Haberlar) با ارایه نظریه هزینه فرصت در سال ۱۹۳۶ نظریه ارزش کار ریکاردو را از بن بست خارج نمود. طبق نظریه هزینه فرصت هابرلر، هزینه تولید یک کالا عبارت است از مقدار کالای دیگری که باید از تولید آن صرفنظر کرد تا منابع کافی برای تولید یک واحد اضافی از کالای اول فراهم شود. بر این اساس کشوری که دارای هزینه فرصت کمتری در تولید یک کالا است در تولید آن کالا مزیت نسبی دارد در اینجا این فرض که نیروی کار تنها عامل تولید است یا همگنی نیروی کار وجود ندارد و هزینه یا بهای یک کالا

^۱ - Law of Comparative advantage

^۲ Jones & Kenen, 1996, pp: 10-11. Suranovic, Ch40. p 100, 1999.

برابر با نیروی کاری نیست که در تولید آن به کار رفته است. کشوری که در آن هزینه فرصت از دست رفته یک کالا پائین تر باشد دارای مزیت نسبی در تولید آن نسبت به کالاهای دیگر است. بدین ترتیب نظریه هزینه فرصتهای از دست رفته بصورتی قابل قبول قانون مزیت نسبی را بیان می کند زیرا می پذیرد که یک سری از عوامل تولید غیر همگن معمولاً به نسبتهای مختلف با هم ترکیب می شوند تا محصولات متنوعی تولید کنند. همچنین امکان افزایش هزینه فرصتهای از دست رفته را در تولید بیشتر هر کالا قبول دارد. باین ترتیب قانون مزیت نسبی را می توان بر حسب هزینه فرصتهای از دست رفته مختلف یا بر حسب اختلاف قیمت نسبی کالاها در کشورهای مختلف بیان کرد که اساس تجارت بین کشورها می باشد.

هابرلر از جمله نخستین افرادی است که بین تجارت خارجی و توسعه اقتصادی پیوند برقرار می کند. منابع پویای تجارت بین الملل از نظریه وی به شرح زیر است:

- ۱- منابع بین الملل ابزار مادی لازم را برای توسعه اقتصادی فراهم می آورد.
- ۲- تجارت آزاد مهمترین سیاست ضد انحصاری است.
- ۳- تجارت بین الملل وسیله انتشار اطلاعات و تکنولوژی است.

تجارت ماشین تحرک و جابجایی بین المللی سرمایه از کشورهای توسعه یافته به کشورهای عقب مانده است.^۱

نظریه مزیت نسبی هکشر و اوهلین

نظریه هزینه نسبی ریکاردو تا حدودی علت تحقق تجارت را توضیح می دهد اما بیانی از اینکه چرا نسبتهای هزینه نسبی برای کشورهای مختلف متفاوت است ندارد. این سؤال را هکشر و اوهلین^۲ جواب دادند و نظریه خود را بر اساس مفروضات زیر بنا کردند:

- ۱- دو کشور و دو کالا و دو عامل تولید وجود دارد.
- ۲- هر دو کشور از تکنولوژی یکسانی برخوردارند.
- ۳- بازده ثابت نسبت به مقیاس وجود دارد.^۳

^۱ پورمقیم، ۱۳۷۵ صفحه ۲۲ و سالواتوره، ۱۳۷۶ صفحه ۴۶.

^۲Hecksher –Ohlin

^۳Constant return to scale

- ۴- وجود سلیقه‌های یکسان در هر دو کشور.
- ۵- وجود بازار رقابت کامل در بازار عوامل تولید و بازار کالاها.
- ۶- هزینه حمل و نقل وجود ندارد.
- ۷- تحرک کامل عوامل تولید در داخل و عدم تحرک در سطح بین‌المللی.
- ۸- قیمت کالاها برابر با هزینه نهایی آنهاست.

نظریه هکشر و اوهلین بر پایه مفروضات نظریه ریکاردو است ولی دارای یک فرض متعارف است. فرض اساسی در الگوی ریکاردو این بود که توابع تولید دو کشور برای کالاها مشابه یکسان است ولی هکشر و اوهلین توابع تولید را در تمام کشورها مشابه می‌داند. این نظریه بر تفاوت بین کشورها در برخورداری از عوامل تولید و تفاوت بین کالاها در میزان استفاده از این عوامل تولید تأکید دارد و با توجه به فروض بالا بیان می‌نماید که هر کشوری کالایی را صادر می‌کند که در تولید آن نیاز به عوامل نسبتاً ارزان و فراوان دارد و متقابلاً کالایی را وارد می‌کند که در تولید آن نیاز به استفاده از عامل نسبتاً کمیاب و گران است لذا فراوانی نسبی عوامل بصورت قیمتهای عوامل داخلی نشان داده می‌شود و در تعیین مزیت نسبی یک کشور در تولید یک کالا و فور نسبی عوامل تولید نقش دارند^۱. این نظریه در تعیین قیمت عوامل بخش عرضه را بر تقاضا ترجیح می‌دهد، در صورتیکه اگر بخش تقاضا در تعیین قیمت عوامل در نظر گرفته شود این امکان وجود دارد که کشوری دارای نیروی کار بیشتر به صادرات کالاها سرمایه‌بر پردازد. این نظریه همچنین مطرح می‌کند که تجارت باعث حذف یا کاهش اختلاف در قیمت عوامل تولید میان کشورها می‌شود، البته این نظریه تا زمانی که ما با برگشت‌پذیری بازدهی عوامل تولید روبرو هستیم صادق می‌باشد و همچنین می‌توان نشان داد که تجارت ممکن است بر هزینه‌های کاهنده نیز استوار باشد.

عوامل تولیدی که در بالا به آنها اشاره شد عبارتند از نیروی کار سرمایه و زمین. هر گروه به بسیاری گروههای فرعی نیز تقسیم می‌گردد مثل نیروی کار ساده، نیمه‌ماهر و ماهر و کارفرمایان همینطور سرمایه نقدی و غیرنقدی زمین هم از انواع مختلف زمینهای کشاورزی، صنعتی و معدنی و غیره که باز هم آنها را می‌توان به اجزاء کوچکتر نیز تقسیم کرد. نظریه

¹ Jones & Kenen, 1996, pp: 20-11. Suranovic, Ch40. p 100, 1999.

هکشر - اوهلین خود بر فروض خاصی استوار است که از آنجمله کشورها دارای سلیقه یکسانند، تکنولوژی مشابهی بکار می‌برند و بازده به مقیاس تولید ثابتی دارند ولی از نظر استعداد عوامل تولید به میزان زیادی با یکدیگر تفاوت دارند. در صورتی که سلیقه‌ها یا شرایط تقاضا مشابه باشند اختلاف در استعداد عوامل تولید منجر به تفاوت در قیمت نسبی عوامل تولید میان کشورهای می‌شود که به نوبه خود منجر به تفاوت در قیمت نسبی کالاها و تفاوت در تجارت می‌گردد. لذا در نظریه هکشر - اوهلین تفاوت بین‌المللی در شرایط عرضه به تنهایی الگوی تجارت را تعیین می‌کند و طبق این نظریه هر کشور به صدور کالایی دست خواهد زد که عوامل تولید نسبتاً ارزان و فراوانی برای تولید آن در اختیار داشته باشد و کالایی را وارد می‌کند که در تولید آن مجبور است عوامل تولید نسبتاً گران و کمیاب را بکار ببرد. این نظریه به عنوان یک نتیجه‌گیری مهم اضافه می‌کند تحت شرایط شدیداً محدود کننده، تجارت موجب خواهد شد که اختلاف مطلق در قیمت عوامل تولید همه کشورهای که قبل از تجارت مشاهده می‌شود از بین برود. با این حال تحت محدودیتهای کمتر و شرایط عادیتر، تجارت تفاوت قیمت مطلق عوامل تولید را که قبل از مبادله بوده کاهش می‌دهد ولی بطور کلی از بین نمی‌برد. به هر صورت نظریه هکشر - اوهلین در مورد اینکه چگونه تجارت روی قیمت عوامل تولید و توزیع درآمد هر کشور اثر می‌گذارد مطالب سودمندی ارائه می‌دهد که اقتصاددانان کلاسیک راجع به آن صحبت نکرده بودند.

نظریه مزیت نسبی لیندر

لیندر^۱ در سال ۱۹۶۱ نظریه فراوانی عوامل تولید را ارائه نمود. بر اساس این نظریه فراوانی عوامل تولید فقط در مورد کالاهای اولیه مصداق دارد و در مورد کالاهای صنعتی کاربردی ندارد. وی معتقد بود که یک کشور در ابتدا کالاهای خود را برای بازارهای وسیع داخلی تولید می‌کند، و این تولیدات شامل کالاهایی است که از طرف اکثر مردم تقاضا می‌شود و بعد از آن است که آن کشور تجربه لازم را برای صادرات آن کالاها به سایر کشورها حتی با وجود درآمد سرانه یکسان و نسبت یکسان سرمایه و نیروی کار بدست می‌آورد و شروع به تجارت با آن کشورها می‌کند. این نظریه بر خلاف نظریه هکشر و اوهلین است زیرا که آنها

^۱Staffan Linder

معتقد بودند که دو کشور با مشخصات فوق دارای هزینه‌های نسبی یکسانی هستند لذا حجم تجارت بر خلاف نظریه لیندر پایین است. نظریه لیندر فقط در کشور سوئد مورد تأیید واقع شد و از نظر کاربردی ضعیف است.^۱

آزمون تجربی لئونتیف

پیشنهاد اصلی در تئوری هکشر و اوهلین این بود که کشوری کالایی را صادر کند که عامل تولید نسبتاً فراوانش را در تولید آن کالا بکار برد و محصولی را وارد کند که عامل تولید نسبتاً کمیابش را در تولید آن محصول بکار گیرد.

لئونتیف^۲ به کمک جدول داده - ستانده این نظریه را در کشور آمریکا به آزمون گذاشت و به این نتیجه رسید که کشور آمریکا که می‌بایست صادر کننده کالاهای سرمایه‌بر باشد صادر کننده کالاهای کاربر است. این نتیجه معمای لئونتیف^۳ شهرت یافت.^۴ لئونتیف علت این نتیجه‌گیری را سطح بالای آموزش نیروی کار و کارفرمایی برتر آمریکائیان می‌دانست. او اقتصاد آمریکا را نه با وفور سرمایه بلکه با وفور کار پر کیفیت (سرمایه انسانی) تعریف و مشخص نمود. البته بعدها اقتصاددانان گوناگونی از جمله پیتزکنن در صدد رفع این معما بر آمدند. علت این تناقض را بیشتر در مورد سرمایه انسانی یا نیروی کار متخصص در آمریکا می‌دانند.

تاکنون راجع به عوامل پویا در تجارت بین‌الملل صحبت نکردیم ولی می‌دانیم که هرگاه تکنولوژی تغییر کند پیشرفتهای تکنولوژیک بهره‌وری عوامل تولید کشور را افزایش می‌دهد و با تاثیری که بر منحنی امکانات تولیدی می‌گذارد موجب افزایش عرضه عوامل تولید می‌گردد. ابداعات تکنولوژیک ممکن است به سه نوع اتفاق بیافتد در جهت صرفه‌جویی نیروی کار در کل اقتصاد، در جهت صرفه‌جویی سرمایه و یا کار و سرمایه با یکدیگر. حتی اگر سلیقه مردم هم بدون تغییر باقی بماند این امر موجب می‌شود رابطه مبادله، حجم تجارت و توزیع منافع

^۱ نوربخش، ۱۳۷۵. ص ۲۴ و دولت‌شاهی، ۱۳۷۱، صفحه ۲۰.

^۲ Leontief

^۳ Leontief Paradox

^۴ رحیمی بروجردی ۱۳۷۴ صص ۲۰-۲۵ و پورمقیم ۱۳۷۵ صص ۱۰۲.

حاصل از تجارت میان دو کشور تغییر پیدا کند. به طور مشخص تر اگر سلیقه مردم یک کشور از کالای وارداتی به سوی کالای صادراتی تغییر جهت دهد حجم تجارت تنزل یافته و رابطه مبادله کشور بهبود می‌یابد. عکس این وضعیت نیز ممکن است اتفاق بیفتد ولی با این وجود چون نقشه منحنی بی تفاوتی کشور در نتیجه سلیقه مردم تغییر می‌کند نمی‌توانیم در مورد رفاه مردم آن کشور بررسی دقیقی نمائیم.

موافقان و مخالفان جهانی سازی و کشورهای جهان سوم

از زمان آدام اسمیت اقتصاددانان بر آثار مثبت تجارت آزاد بر نرخ رشد اقتصادی آگاه بودند. طبق نظریات اقتصادی تجارت آزاد به توزیع بهینه عوامل تولید و در نتیجه حداکثر رشد منجر می‌شود. در یک اقتصاد باز از آنجائیکه بنگاهها به بازارهای بزرگتری دسترسی دارند لذا انگیزه و امکان بیشتری در بکارگیری ابتکارات و اختراعات و بهره بردن از منافع تولید انبوه دارند. این امر منجر به افزایش سرمایه گذاری و در نتیجه افزایش رشد درآمد ناخالصی داخلی و نتیجتاً رفاه جامعه می‌شود. همچنین بازبودن تجارتی را سبب دست یافتن بنگاههای یک کشور به دانش و فن آوری کشورهای دیگر و بهره برداری از آنها به منظور افزایش بهره‌وری تولید تعریف می‌کنند و از جمله مجراهای عمده چنین امری سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی است. درجه باز بودن اقتصاد با نسبت کالاهای قابل تجارت به تولیدات واقعی هر کشور اندازه گیری می‌نمایند. یک معیار درجه باز بودن اقتصاد نسبت مجموع واردات و صادرات به تولید ناخالص ملی اندازه گیری می‌شود. بالاخره درجه باز بودن اقتصاد براساس معیارهای حساب سرمایه عبارت از نسبت خروج سرمایه به تولید ناخالص ملی می‌باشد. هرچه اقتصاد بازتر باشد امکان استفاده از مزایای تجارت و تخصیص بهتر منابع وجود خواهد داشت.

مزیت دیگر تجارت آزاد را در قالب بهبود وضعیت مدیریت کشورها نیز برشمرده‌اند زیرا مسئولین مجبور می‌شوند سیاست‌های سنجیده‌تری در اقتصاد کلان ایجاد کنند تا موجب تقویت بنگاههای داخلی در جهت رقابت در بازارهای جهانی و نیز جذب سرمایه گذاریهای خارجی شوند. تحقیقات زیادی نیز آثار مثبت سرمایه گذاری خارجی بر روی رشد اقتصادی را بررسی نموده و نشان می‌دهند که هر یک درصد افزایش در نسبت سرمایه گذاری خارجی به تولید

ناخالص داخلی (FDI/GDP) رشد سالانه GDP را در حدود ۰/۳٪ افزایش می‌دهد لذا چنین نتیجه‌گیری می‌نمایند که آزادی تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی به تشدید رشد می‌انجامد.

بر این اساس برخی از اقتصاددانان جهانی سازی را به عنوان یک نیروی محرک قوی می‌دانند که کلید توسعه اقتصادی دنیای آینده را در دست خواهد گرفت. ولی گروه دیگر عقیده دارند که با این کار نابرابری بین ملت‌ها افزایش می‌یابد، مشاغل کمتر می‌شوند و موانعی برای استانداردهای زندگی و پیشرفت اجتماعی پدید می‌آید.

دیوید هلد در کتاب جهانی شدن و مخالفان آن به گروه‌بندی جالبی در این مورد می‌پردازد. او از یک سو به تعلقات منفی محافظه کاران و عناصر بومی و ملی اشاره دارد و به قول او نگرانیهای ملی گرایانه آنها را مانع از نگرش مثبت به جهانی شدن می‌داند. اما به هر حال جدیدترین مخالفان فرآیند جهانی شدن، نه محافظه کاران بلکه مارکسیست‌ها هستند. مارکسیست‌ها پدیده جهانی شدن را پدیده‌ای امپریالیستی می‌دانند که با یک ایده‌نولوژی توجیه‌گر به دنبال مشروعیت بخشیدن به پروژه «نئولیبرالی جهانی شدن» می‌باشند. طبق نظر آنها روابط اقتصادی یا سیاسی مشروط به سیاست‌ها و اولویت‌های اتخاذ شده توسط قدرت‌های بزرگ امروز است، زیرا فقط آنها از توانایی نظامی و اقتصادی کافی جهت ایجاد و حفظ شرایط لازم برای نوعی نظم باز نئولیبرالی بین‌المللی برخوردارند. مطابق استدلال آنها بدون اعمال سلطه آمریکا، نظم جهانی لیبرالی موجود که پایه و اساس افزایش وابستگی متقابل بین‌المللی را تشکیل می‌دهد قادر به ادامه حیات نیست از این لحاظ جهانی شدن چیزی بیش از آمریکایی شدن به حساب نمی‌آید.

گروهی از نظریه پردازان مشهور روابط بین‌الملل و جامعه‌شناسی نیز همچون ایمانوئل والرشتاین و طرفداران آنها معتقدند که جهانی شدن با ظهور و رشد نظام جهانی سرمایه‌داری از قرن شانزدهم شروع شد و گروهی نیز با تاکید بر قدیمی بودن این پدیده کلاً پنج مرحله اصلی برای آن از قرن پانزدهم تا پایان قرن بیستم در نظر می‌گیرند و آنان را مراحل جنینی، نخستین، خیزش (۱۹۲۰-۱۸۷۰)، مبارزه برای برقراری هژمونی (از دهه ۱۹۲۰) و مرحله ناطمینانی (از دهه ۱۹۶۰ به بعد) می‌خوانند.

اغلب نظریه‌های جهانی شدن بر تضعیف نقش دولتها و از میان رفتن مرزها و در نتیجه

گسترش پدیده جهانی شدن تأکید دارند و برخی از نظریه پردازان حتی از نابودی دولت و از میان رفتن آن سخن می گویند. برای نمونه برخی همانند اوهم احتمال محو دولت‌ها از حیات و صحنه سیاسی را مطرح کرده‌اند. برخی پژوهشگران نیز از تأثیر جهانی شدن بر تضعیف هویت قومی و ملی سخن می گویند.

برخی از اینان بر این باورند که نیروهای جهانی به ویژه شرکت‌های فراملی و سایر نهادهای اقتصادی جهانی با تشییع و تقویت فرهنگ جهانی با اعتقادات و ایدئولوژی‌های گوناگون جهان‌گرا آنقدر قدرتمند می‌شوند که وجود مداوم دولت‌های ملی را مزاحم فعالیت خود می‌بینند.

برخی جهانی شدن اقتصاد را روند افزایش ادغام بازارهای جهانی کالاها، خدمات و عوامل تولید می‌دانند. براساس این تعریف جهانی شدن سبب ادغام بیشتر اقتصادها در یکدیگر می‌شود و بازارهای جهانی کالاها، خدمات و عوامل تولید کار و سرمایه به سمت همگون شدن پیش می‌روند. ادغام بازار کالاها از طریق کاهش موانع تجاری تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای صورت می‌گیرد و خدمات متفاوت و بازارهای عوامل تولید براساس ترتیبات تجاری بین‌المللی در بازارهای یکسان مبادله می‌شوند.

مدافعان بازار آزاد بر این باورند که تبادل نامحدود و فرامرزی کالاها به سود همه شرکت کنندگان در بازار است و به رفاه هرچه بیشتر ملل می‌انجامد. مخالفان این نظر ابراز می‌دارند که وقتی یک شرکت فراملیتی در جایی که نیروی کار ارزان و هزینه بیمه خدمات اجتماعی و زیست محیطی صفر است تولید می‌کند مخارج مطلق خود را کاهش می‌دهد و رهاورد چنین پدیده‌ای کاهش همزمان بهای کالای تولیدی و نیز ارزش نیروی انسانی در کشورهای مرفه است. سودی که از این راه بدست می‌آید ناچیز نیست و مکانیسم‌های سنتی اقتصاد جهانی را دگرگون می‌نماید. بکار گرفتن بهتر سرمایه‌ها در تولیدهای فرامرزی به شکل گیری سازمان‌های غول آسایی به نام کمپانی‌های فراملیتی انجامیده است، سازمانهایی که قدرتی فزاینده و کنترل ناپذیر دارند و با سلب اختیار از شهروندان آن‌ها را مرعوب ساخته‌اند. به این ترتیب مشاهده می‌شود به جای آنکه کشورها و شرکت‌های ملی در فروش محصولات رقابت کنند کارگران جهان برای بدست آوردن فرصت‌های شغلی، با یکدیگر به رقابت

می‌پردازند تا در مراکز تولید سازمان یافته جهانی اجازه کار پیدا کنند. لذا بر این باورند که این پروسه به چارچوب اقتصاد ملی آسیب وارد می‌نماید زیرا اولاً نوآوری فنی و عقلایی کردن تولید، آنچنان فعالیت‌های اقتصادی را به شتاب انداخته که هدف آن را با پرسش روبرو ساخته است. برای مثال نرخ بهره وری سریع‌تر از بازدهی تولید رشد داشته است. رهاورد این فرآیند پدید نیامدن فرصت شغلی جدید به رغم رشد اقتصادی است. این وضعیت به Great Jobless شهرت یافته است یعنی نوعی رشد اقتصادی که هیچ فرصت اشتغال جدیدی پدید نمی‌آورد. ثانیاً به تغییر اساسی رابطه سرمایه و کار انجامیده است. همبستگی جهانی که روزگاری حربه تبلیغاتی جنبش‌های کارگری علیه دولت‌ها و سرمایه‌داران جنگ طلب بود، اینک ابزار طرف مقابل گشته است. کارگرانی که فقط در تشکیلات ملی سازمان یافته‌اند، در مقابل کمپانی‌های بین‌المللی قرار گرفته‌اند که هر درخواستی را با تهدید انتقال مکان تولید پاسخ می‌دهند. به نظر این گروه از مخالفان جهانی شدن شعار «رفاه از طریق تجارت آزاد» برای سرمایه‌گذاران و رؤسای شرکت‌ها اعتبار دارد ولی بر این عقیده‌اند شعار «رفاه از طریق تجارت آزاد» برای کارگران و کارمندان شرکت‌ها به ویژه بیکاران کشورهای توسعه نیافته که همچنان بر تعدادشان افزوده می‌شود جذابیت ندارد. این موضوع علیرغم رقابت کشورها در جذب سرمایه و ایجاد اشتغال است.

بسیاری از مخالفان جهانی سازی از دیدگاه‌های مختلف و حتی از زمینه‌های رشد و توسعه پایدار بر این باورند که واقعیت اینست که نرخ رشدی که از آزادسازی اقتصادی پیش‌بینی می‌شود بدست نمی‌آید و در عوض نتیجه این کار فساد تدریجی فرهنگ و محیط زیست و گستره رو به تزاید فسادهای اجتماعی خواهد بود. در این ارتباط این گروه معتقدند که برخلاف گزارش بانک جهانی که مسئله اصلی در مقوله جهانی شدن و اقتصادهای نئولیبرال در حوزه تجارت آزاد را حداقل کردن نقش دولت و حذف محدودیتها در جریان سرمایه‌گذاریهای مستقیم دانسته است و برتری اینگونه سیاستها را با اشاره به موفقیت‌های کشورهای شمال (ثروتمند) در مقابل جنوب (فقیر) اظهار کرده است، اینگونه ادعاها از سوی کشورهای جنوب مورد سوال قرار گرفته است. مطالعات انجام شده از سوی کشورهای جنوب بر این موضوع اصرار دارند که تحقیقات انجام شده در گزارشات بانک جهانی بر اساس تفاسیر

غلط از حقایق می‌باشد. گزارشات به موارد زیر اشاره می‌کنند:

۱. آزادسازی و جهانی سازی هر دو در کشورهای صنعتی و در حال توسعه به طور جمعی و طی سالیان متمادی بصورت روندی ناپیوسته مطرح بوده است. به هر حال در یک سطح عملی می‌توان این دو را کم و بیش روند تجارت آزاد در رابطه با تولیدات کارخانه‌ای و آزادی تحرک سرمایه بین کشورهای صنعتی پیشرو طی دهه‌های اخیر دانست. این موضوع بویژه نه فقط در مقایسه با کشورهای در حال توسعه بلکه بطور موثری در مقایسه با وضعیت اقتصادی آنها طی دهه‌های پنجاه و شصت مشهود است. در دهه‌های فوق اکثر کشورها تحت نظام برتون وودز نه تنها سیستم کنترل سرمایه را اعمال می‌نمودند بلکه تولید داخلی، بازارهای سرمایه و نیروی کار آنها نیز در راستای اهداف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنها تحت پوشش مقررات و قوانین گسترده‌ای بود.
۲. انتظار می‌رفت که نظام آزاد در کشورهای پیشرفته صنعتی طی دهه‌های اخیر در رابطه با تحرکات تجارت و سرمایه موجب بهبود وضعیت اقتصادی آنها گردد. در حالیکه این انتظار به حقیقت نپیوست و اقتصاد آزاد نتوانست بسیاری از انتظارات را برآورده سازد.
۳. ده‌های اخیر در کشورهای صنعتی با مشخصه نوسان و کندی رشد اقتصادی و بیکاری انبوه و مشکلات اجتماعی مشخص می‌گردد. بدین ترتیب می‌توان گفت دوره پویاتر در کشورهای صنعتی پیش از دوران مقررات زدایی در بازارهای داخلی و خارجی بوده است.
۴. بیکاری انبوه کشورهای اروپایی در دهه‌های اخیر شکست مهم ناشی از اقتصاد آزاد بوده است. سطوح بالای بیکاری همراه با فقر و تداوم روند آزادسازی، نیاز به سیاستهای حمایتی را تأیید می‌نماید.
۵. شکستهای اقتصادی کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) را نمی‌توان به دلیل عوامل خارجی از قبیل فن آوری دانست. نتیجه اصلی اینست که آزادسازی از طریق عملکرد سرمایه و بازارهای مالی به دورنمای اقتصاد و رشد کشورهای پیشرفته صنعتی از دو طریق مشخص اما به هم مربوط، زیان وارد ساخته است. نخست آنکه بدلیل موج بودن بازارها هزینه سرمایه بالا رفته و به سرمایه گذار بطور مستقیم و یا غیرمستقیم (از طریق بالا رفتن نرخ بهره واقعی) صدماتی وارد ساخته است. در ثانی، بازارهای مالی به طور

- کلی دولتها را وادار ساخته است که سیاستهای تورم زدایی یا کاهش رشد را دنبال نمایند.
۶. تحت یک رژیم اقتصاد آزاد احتمال کمی دارد که کشورها بتوانند روند نرخ رشد خود را با استفاده از سیاستهای جاری مبنی بر انعطاف پذیری بازارهای نیروی کار بالا ببرند. جهانی سازی نه فقط نمی تواند به رشد اقتصاد و اشتغال کمک نماید حتی احتمال می رود که در داخل کشورهای صنعتی نیز موضوع تقسیم نیروی کار را پدید آورد. به علاوه موجب بدتر شدن کشمکش های بین کارگران کشورهای صنعتی و در حال توسعه شود.
۷. در رابطه با کشورهای در حال توسعه، آزادسازی و جهانی سازی در این کشورها در مقایسه با کشورهای پیشرفته در روندی کندتر اتفاق افتاده است. علیرغم بکارگیری اصلاحات گسترده سیاستهای تجاری در کشورهای در حال توسعه هنوز گستره سیاست آزاد سازی توسط این کشورها کاملاً محدود است. آزادسازی جریان سرمایه در کشورهای در حال توسعه بیش از اصلاحات تجاری و عمدتاً بخاطر جذب سرمایه مستقیم خارجی بوده است.
۸. سیاستهای آزادسازی و جهانی سازی و کاهش نقش دولت از سوی موسسات مالی چندجانبه برای کشورهای در حال توسعه توصیه شده است و ادعا گردیده است که پیاده نمودن چنین سیاستهایی برای اقتصاد کشورهای آسیایی شرقی (شامل ژاپن پس از سال ۱۹۴۵) و چین پس از مائو، موفقیت آمیز بوده است. در صورتی که تجربه ژاپن و کره جنوبی نشان می دهد که این کشورها طی دوران صنعتی شدن و رشد سریع اقتصادی خود آن دسته سیاستهایی را پذیرفته اند که کاملاً مخالف با سیاستهای پیشنهاد شده از سوی سازمانهای مالی چند جانبه بوده است. برای مثال در دوره مناسبی این دو کشور بطور گسترده ای به کنترل واردات خود پرداخته و موانعی بر سر راه سرمایه گذاری خارجی بوجود آوردند و سیاستهای شدید هدایت صنعتی دولتی را پیش گرفتند و به این طریق توانستند به تغییرات ساختاری گسترده ای دست بزنند و سطح زندگی مردم خود را بالا ببرند.
۹. وضعیت درخشان اقتصادی چین در دوران پس از مائو نشان می دهد که این کشور از الگوی توسعه بانک جهانی که مبنی بر خصوصی سازی، آزادسازی و بازار رقابتی انعطاف پذیر که برای دستیابی به رشد اقتصادی سریع ضروری است تبعیت ننموده است. گرچه سیاست بازار نیز تا حد زیادی در چین بکار گرفته شد ولی بازارها در چین چندان منعطف و رقابتی

نبودند. از سوی دیگر در بسیاری از بازارهای مهم همانند سرمایه، کار و زمین کمتر می‌توان این سیاست را مشاهده کرد.

۱۰. گفته می‌شود که سیاستهای نئولیبرالی پذیرفته شده توسط دولتهای آمریکای لاتین تحت قیمومت مؤسسات برتون وودز در دهه گذشته لزوماً بهترین نوع آن نبوده است و علت عدم موفقیت این کشورها در حصول رشد اقتصادی بدین سبب بوده است. مخالفین نظر فوق در پاسخ ابراز می‌دارند که اتخاذ چنین سیاستهایی شامل آزادسازی مالی بیشتر و غالباً رقابت بین‌المللی می‌باشد که در زمانی که بخشهای بزرگی از اقتصاد ملی در وضعیت ضعیفی قرار دارند که خود ناشی از تداوم عدم سرمایه‌گذاری کافی بدلیل بحران بدهی می‌باشد اوضاع را وخیم‌تر می‌نماید.

۱۱. در رابطه با اقتصاد کشورهای آفریقائی، بطور ضمنی می‌توان اینگونه بیان کرد که وضعیت موجود بدلیل اوضاع ضعیف اقتصادی آنهاست که ناشی از ادغام بیشتر آنها در اقتصاد جهان می‌باشد. این کشورها در معرض شوکهای شدید خارجی ناشی از نرخهای بهره و قیمت‌ها قرار گرفتند که وخامت اوضاع آنها را در تعامل بیشتر با کشورهای جهان رفع نمود.

۱۲. بررسی‌ها نشان می‌دهد که بدون توجه به سطوح توسعه و درجه ادغام آنها در اقتصاد جهان تقریباً کلیه کشورهای در حال توسعه در کلیه مناطق علائق و وابستگی‌های مشترک در رابطه با موضوعات جهانی شدن و همچنین مقوله‌های آزادسازی و جهانی سازی دارند. این کشورها با یکدیگر می‌توانند سکوی مذاکراتی قوی از کشورهای در حال توسعه تشکیل دهند و محور مذاکرات خود را بر موضوعات زیر متمرکز سازند:

فشارهای مداومی از سوی بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و آمریکا به انکتاد که از نمایندگیهای سازمان ملل می‌باشد وارد آورده می‌شود. بنابراین ضروری است که انکتاد (کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد تجارت و توسعه) مورد حمایت کشورهای در حال توسعه قرار گیرد. از طرف دیگر انکتاد می‌تواند پایگاه سیاسی برای گسترش همکاری بین شمال و جنوب باشد. باید توجه نمود که مشکلات توسعه اقتصادی کشورها در آینده نزدیک قابل حل نیست و مذاکرات در این زمینه می‌تواند به طول بیانجامد. برای کشورهای جنوب ضروری خواهد بود که انکتاد را به عنوان ارگانی که می‌تواند رویه‌ها و استراتژیهای برای

کشورهای در حال توسعه در چارچوب جهانی سازی را ارائه دهد بشمار آورند. بهر حال انتخاب اولین بهترین سیاست در رابطه با آزادسازی و جهانی سازی به معنای سعی در ادغام سریعتر و نزدیکتر نیست بلکه در عوض تعریف سیاستهای دقیق از ادغام اختیاری یا به زبان دیگر یک نوع ادغام استراتژیک است. اگر طبق دور مذاکرات اروگوئه اجرای برخی سیاستها قابل پذیرش نباشد آنکتاد می تواند سیاستهای دیگری ارائه دهد. باید این سیاستها به نحوی باشند که مناسب قالبهای فرهنگی هر جامعه ای نیز باشد. این کار بویژه در مورد کشورهای کمتر توسعه یافته ای که واحدهای تولیدیشان هنوز قدرت رقابت بین المللی ندارند بسیاری ضروریست.

مذاکرات دور اروگوئه بهتر است مورد ارزیابی قرار گرفته و آنکتاد فرضیه های لازم را برای این مذاکرات فراهم سازد. برای مثال همه سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی سودآور نیستند. شواهد تاریخی و تجربی نشان می دهد که مقدار سرمایه گذاری خارجی چندان مهم نیست بلکه ماهیت سرمایه گذاری و انواع ارتباطاتی که با اقتصاد داخلی برقرار می نماید مهم است. بهر حال آنکتادی با بنیادهای جدیدتر و قوی تر نیاز است تا به بحث در مورد سرمایه گذاری خارجی و انتقال فناوری پردازد. تا اینکه تحت پوشش موافقتنامه های بین المللی سرمایه گذاریها بتواند منافع کشورهای در حال توسعه را نیز در برگیرد.

نقش مهم دیگر آنکتاد در تحولات اقتصادی جهانی در رابطه با سیاست رقابت می باشد. زمانی که شرکتهای چند ملیتی در عوض رقابت با یکدیگر به رقابت با بازارهای داخلی کشورهای در حال توسعه پرداخته و آنها را بین خود تقسیم می کنند، نقش آنکتاد در کسب تجربه برای مقابله با آنها مهمتر می شود.

تعداد رو به تزاید گروههای منطقه ای که در میان خود تجارت خاصی را انجام می دهند و ترتیبات سرمایه گذاری خاصی دارند بین کشورهای عضو مسائلی به وجود می آورد که مستلزم بررسیها و نظارت آنکتاد می باشد. ضمناً فراهم نمودن کمکهای فنی نیز از مقولات دیگر مورد نظر در آنکتاد می تواند باشد.

مقوله جهانی سازی اگر موجب ایجاد همکاری بیشتر بین کشورهای در حال توسعه با خودشان نگردد مفهوم اصلی خود را نمی تواند حفظ نماید. از جمله دیگر وظایف آنکتاد باید

در جهت ایجاد همکاری بین جنوب با جنوب در زمینه جریانهای تجاری، فنآوری و اطلاعات باشد.

روند تاریخی تشکیل سازمان تجارت جهانی

کشورهای در حال توسعه کمتر از یک چهارم تجارت جهان را به خود اختصاص داده‌اند و بیشتر کشورهای جهان نیز در زمره کشورهای کمتر توسعه یافته به حساب می‌آیند. تجارت آنها بیشتر شامل صادرات مواد اولیه، سوخت، مواد معدنی و محصولات غذایی به کشورهای صنعتی، غنی و توسعه یافته است و در مقابل عمدتاً کالاهای ساخته شده وارد می‌کنند. به دلیل الگوی تجارت و شرایط خاص داخلی و نیز نحوه عملکرد نظام پولی بیشتر منافع حاصل از رشد این کشورها از طریق بهبود مستمر رابطه مبادله به جیب کشورهای توسعه یافته می‌رود. کشورهای در حال توسعه سعی می‌کنند از طریق بالا بردن قیمت کالاهای صادراتی خود، طرحهای تثبیت عواید صادراتی و صنعتی شدن از طریق جانشینی واردات یا ایجاد محدودیتهای تجاری که به محدودیتهای تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای تقسیم می‌شود و اصلاح نظام پولی منافع را تا حدی متوجه خود نمایند. تعرفه‌های گمرکی که بر حسب ارزش واردات تعیین شده‌اند بیش از سایر محدودیتهای مورد توجه قرار می‌گیرند و معمولاً برای محدود کردن مقدار واردات وضع می‌شوند سهمیه وارداتی یک محدودیت کمی مستقیم است که بر واردات کالا وضع می‌شود و بسیاری از اثرات تعرفه وارداتی را دارد.

وضع تعرفه معمولاً رابطه مبادله کشور را بهبود می‌بخشد حجم تجارت را کاهش می‌دهد و ممکن است رفاه کشور را بهبود بخشد ولی ممکن است کشورهای دیگر نیز اقدام متقابل بکنند که در این صورت هر دو کشور معمولاً زیان می‌کنند. استدلالاتی در حمایت از تعرفه شده است که مهمترین آنها می‌گویند تعرفه برای حمایت از تولید کنندگان داخلی در مقابل سیاست ارزان فروشی کالاهای وارداتی دیگران است، تعرفه موجب رشد صنایع داخلی می‌شود تا آنکه به کارآیی برسند و اینکه تعرفه در جهت حمایت از صنایعی است که از نظر دفاع ملی اهمیت دارد. به هر حال همه این استدلالات باید در هر مورد خاص دقیقاً ارزیابی شوند. دلایل مختلف دیگری از قبیل ایجاد اشتغال و برقراری توازن در موازنه تجاری و حتی اهداف غیر اقتصادی نیز گاه عنوان می‌شوند که اهمیت خاص خود را دارند.

تجربه سالهای بین دو جنگ ۱۹۲۱-۱۹۳۹ نشان می‌دهد که در طی این دوره تجارت بین‌المللی بواسطه تعرفه‌ها، سهمیه‌ها و سایر موانع تجاری شدیداً محدود شده بود که دلایل اصلی آن رکود و بیکاری حاکم بر کشورهای توسعه یافته بود. در حقیقت جنگ جهانی اول مشکلات زیادی برای کشورهای اروپایی از قبیل کسری موازنه پرداختها، کاهش ارزش پول و بیکاری گسترده بوجود آورد که دولتهای اروپایی و آمریکا را وادار نمود تا با اجرای سیاستهای حمایتی و اقدامات تلافی جویانه از صنایع خود حمایت نمایند. پس از گذشت حدود ده سال از جنگ جهانی اول کشورهای اروپایی اقتصاد را بازسازی کردند و تولیدات صنعتی خود را تا حد قابل ملاحظه‌ای توسعه داده و باین ترتیب وجود محدودیتها مانع از شکوفایی تجارت بین‌الملل می‌شد. به همین دلیل کنفرانسی زیر نظر جامعه ملل در سال ۱۹۲۷ در شهر ژنو تشکیل شد تا موانع تجاری را برطرف نموده و راه را برای ایجاد یک لیبرالیسم اقتصادی فراهم نمایند و کشورها را برای رعایت شرط دول کامله الوداد^۱ (رفتار برابر با یکدیگر) آماده نماید. اما اعلامیه پایانی این کنفرانس به صورت توصیه و سفارشات ارشادی باقی ماند و جامه عمل نپوشید.

رکود اقتصادی دهه ۱۹۳۰ باعث شد تا کشورها با وضع برخی سیاستهای اقتصادی همانند افزایش تعرفه‌های وارداتی با تبعیض بین کشورها، اصول مربوط به آزادی تجارت را خدشه‌دار سازند. در این راستا هر چند آمریکا و انگلیس توانستند بطور کوتاه مدت بر برخی مشکلات اقتصادی خود فائق آیند ولیکن مواجه با اقدامات تلافی جویانه از سوی سایر کشورها گردیدند، که نتیجتاً حجم تجارت بین‌الملل شدیداً کاهش یافت و بر وخامت اوضاع اقتصادی افزوده شد.^۲ این امر منجر به آن شد که کشورها در جهت رفع موانع تجاری خود برآیند و قراردادهای چندجانبه‌ای در این راه تنظیم کنند. از سوی دیگر بروز جنگ جهانی دوم و بروز خشونت‌ها و لزوم ترمیم خرابیهای جنگ نظریه تنظیم روابط تجاری بر اساس رقابت سالم را بیشتر تقویت کرد. کشورهای عمده تجاری موافقت کردند تا سازمان تجارت بین‌المللی (ITO) همراه با بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه و صندوق بین‌المللی پول بوجود آیند. ولی از آنجائیکه آمریکا آنرا تهدیدی برای حق حاکمیت آمریکا دانست سازمان یاد شده بوجود نیامد.

^۱- Most Favoured Nations

^۲- Anderson, Strengthening the global trading system from GATT to WTO. Center of Economic Studies, University of Adelaide (1996) P.3-

در سال ۱۹۳۴ رئیس جمهور امریکا طبق قانون مجاز شد تا با کشورهای دیگر در جهت کاهش تعرفه‌های متقابل مذاکره کند. در سال ۱۹۴۵ این قانون بار دیگر بوسیله کنگره آمریکا مطرح و تمدید گردید و طبق آن تعدادی از کشورها برای انجام مذاکرات چند جانبه در مورد کاهش تعرفه‌های تجاری با یکدیگر به مذاکره نشستند در همین زمان اولین قطعنامه کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد کشورها را برای تهیه پیش‌نویس یک سازمان تجاری دعوت کرد. در کنفرانس ژنو، سه موضوع مطرح گردید کاهش تعرفه‌های گمرکی، تهیه موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) و پیش‌نویس سازمان تجارت بین‌الملل. ناگفته نماند که در سال ۱۹۴۴ (قبل از پایان جنگ) به دعوت رئیس جمهور وقت آمریکا روزولت کنفرانسی نیز با شرکت نمایندگان ۴۴ کشور در برتن وودز تشکیل شد و طی آن موافقتنامه تاسیس صندوق بین‌المللی پول و همچنین بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه (بانک جهانی) نیز امضاء شد که این کارها را می‌توان به عنوان تلاشی برای جلوگیری از بازگشت به هرج و مرج در بازرگانی و تامین مالی بین‌المللی که بعد از جنگ جهانی اول حاکم شده بود قلمداد کرد.

در کنفرانس برتون وودز مشکلات تجارت بین‌الملل نیز مطرح شد و پیشنهاد گردید به منظور منع محدودیتهای تجاری و کاهش حقوق گمرکی، سازمانی تحت عنوان سازمان تجارت بین‌المللی تاسیس شود. برای تاسیس این سازمان در سال ۱۹۴۵ آمریکا برگزار کرد کنفرانسی را پیشنهاد کرد که سرانجام در سال ۱۹۴۶ در لندن تشکیل شد. ولی این کنفرانس بدون نتیجه پایان یافت. متعاقب این کنفرانس، شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل کمیته‌ای مرکب از نمایندگان چند کشور از جمله آمریکا را مسئول پی‌گیری تاسیس سازمان تجارت بین‌المللی کرد. این کمیته مقدمات تهیه منشور تجارت جهانی را تدارک دید. متعاقب آن در سال ۱۹۴۸ کنفرانسی در هاوانا با شرکت ۵۶ کشور جهان برگزار گردید. در این کنفرانس منشور تهیه شده مورد اعتراض بسیاری از کشورها بویژه کشورهای در حال توسعه قرار گرفت. بنابراین پیشنهادهای دیگری هم به آن اضافه شد. کنفرانس هاوانا جدای از مساله تجارت به موضوعات دیگر نیز نظیر اشتغال، توسعه و فعالیت کارتل‌ها هم پرداخت. چون کشورهای در حال توسعه منشور هاوانا را به نفع کشورهای پیشرفته می‌دانستند و کشورهای پیشرفته نیز آن را به سود کشورهای در حال توسعه می‌دیدند عملاً فقط کشورهای استرالیا و

لیبریا موفق به تصویب آن در پارلمان خود شدند و سایر کشورها حتی آمریکا که خود از طراحان آن بود نتوانستند آن را به تائید کنگره خود برسانند.

هدف اولیه این بود که نهاد ثالثی ایجاد شود تا همکاری اقتصادی بین‌المللی را هدایت کند و به مؤسسات برتن وودز (بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول) ملحق شود. طرح کامل آن ابتدا با استقبال ۵۰ کشور مواجه شد این بود که سازمان تجارت بین‌المللی (ITO) به عنوان یک کارگزاری تخصصی سازمان ملل متحد تاسیس شود. منشور (ITO) بسیار بلند پروازانه بود که فراتر از نظامات تجارت جهانی قرار داشت و شامل مقررات اشتغال، موافقتنامه‌های کالایی رویه‌های کسب و کار محدودکننده، سرمایه‌گذاری بین‌المللی و خدمات می‌شد.

بنابراین سازمان تجارت بین‌المللی (ITO) عملاً تحقق نیافت ولی یکی از موضوعات منشور این سازمان پیشنهادی، قراردادی مشتمل بر چند ماده بود که میان ۲۳ کشور (۱۶ کشور در حال توسعه و ۷ کشور پیشرفته) منعقد گردید. این قرارداد به موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت یا گات معروف گردید که از سال ۱۹۴۸ به اجرا درآمد. پیمان گات به خاطر تحقق اهدافی منعقد گردید که از آن جمله می‌توان به افزایش اشتغال، تولید، درآمد واقعی و ارتقاء سطح زندگی در کشورهای عضو اشاره کرد. از دیدگاه گات این اهداف جز با توسعه تجارت جهانی محقق نمی‌شود و تجارت جهانی نیز توسعه نمی‌یابد مگر با رفع موانع موجود بر سر راه مبادلات بین‌المللی که البته استثنائات متعددی نیز داشت که مبتنی بر ضرورت‌های سیاسی و اقتصادی بود.

عدم ایجاد سازمان تجارت بین‌المللی از یک طرف و ادامه حیات گات باعث شد تا گات رفته رفته وظایف سازمانی و تشکیلاتی بیابد و عملاً به عنوان یک سازمان بین‌المللی تجاری ادامه فعالیت نماید.^۱

موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)

از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۹۴، موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) قواعدی را برای بخش زیادی از تجارت جهانی وضع کرد و در طول این دوره رشد بازرگانی بین‌المللی از نرخ

^۱ Thomas Dillon, The world Trade Organization: A New legal order for world trade. Michigan journal of international law (No. 16 1995) P. 32.

بالایی برخوردار بود. این سازمان بسیار خوب استقرار یافت اما در طول ۴۷ سال یک سازمان و موافقتنامه موقتی بود.

نحوه فعالیت گات تاکنون انجام مذاکرات تجاری به منظور کاهش و الزام آور نمودن محدودیت تعرفه‌های گمرکی و دیگر موانع تجاری موجود بر سر راه مبادلات بین‌المللی بوده است بطوریکه از سال ۱۹۴۷ تا به امروز نه دور مذاکرات علاوه بر نشست‌های سالانه بین کشورهای عضو بعمل آمده است که در زیر ذکر شده‌اند.

نتیجه اولین دور مذاکرات توافق راجع به ۴۵۰۰۰ مورد امتیازات تعرفه‌ای بود که بر ۱۰ میلیارد دلار تجارت که حدود یک پنجم کل تجارت جهان را در بر می‌گرفت اثر داشت. ۲۳ کشور شرکت کننده همچنین توافق کردند که باید برخی از قواعد تجاری مندرج در منشور (ITO) را نیز بپذیرند. آنها معتقد بودند که این کار باید به سرعت و در عین حال به صورت موقتی انجام شود تا از ارزش امتیازات مورد مذاکره حمایت شود. این در حالی است که منشور (ITO) همچنان در دستور مذاکره بود.

علیرغم تلاش زیاد در مذاکرات چهار دوره آنسی، تورکوئی، ژنو و دور دیلون، کاهش اندک نرخ‌های تعرفه‌ای حاصل گردید. عمده دلایل این امر را می‌توان تشکیل جامعه اقتصادی اروپا (EC) و عدم تمایل اعضای آن به اعطای امتیازات تعرفه‌ای به کشورهای غیر عضو و نیز عدم تمایل کشور انگلستان و کشورهای مشترک‌المنافع به کاهش ترجیحات تجاری خود ذکر نمود. به علاوه در این ادوار شیوه مذاکره کالا به کالا نیز تقریباً به حالت اشباع رسیده بود.

در دور کندی بر خلاف چهار دور مذاکرات قبلی پیشرفتهای چشمگیری حاصل گردید و مجدداً گروه وسیعی از محصولات به ویژه محصولات صنعتی مورد مذاکره قرار گرفتند که به کاهش متوسط تعرفه‌های صنعتی از ۳۶ تا ۳۹ درصد منجر گردید. عمده دلایل این امر کاهش قدرت انگلستان در ارتباط با کشورهای جامعه مشترک‌المنافع و استفاده از پذیرش اصل کاهش عمومی به جای شیوه مذاکره کالا به کالا بود. بر اساس این اصل به جای مذاکره در مورد تک تک کالاها هر یک گروه از کالاها مثل کالاهای صنعتی یا گروهی از کالاهای صنعتی انتخاب می‌گردیدند و مذاکره در مورد این گروه صورت می‌پذیرد و نتایج

حاصل شده به تمامی کالاهای گروه گسترش می‌یافت. به علاوه در این دور مذاکرات به منظور کمک به کشورهای در حال توسعه آنها از رعایت در اصل دول کامله الوداد و اصل معامله متقابل معاف گردیدند. همچنین مذاکراتی در زمینه موانع غیر تعرفه‌ای صورت پذیرفت.

دوره‌های تجاری گات

کشورها	موفقیت	محل	سال
۲۳	گات قدرت اجرایی یافت	ژنو	۱۹۴۷
۱۳	کاهش تعرفه‌ها	آنسی فرانسه	۱۹۴۹
۳۸	کاهش تعرفه‌ها	تور کوئی (انگلستان)	۱۹۵۱
۲۶	کاهش تعرفه‌ها	ژنو	۱۹۵۶
۲۶	کاهش تعرفه‌ها	ژنو (دور دیلون)	۱۹۶۰ - ۱۹۶۱
۶۲	قوانین ضد دامپینگ	ژنو (دور کندی)	۱۹۶۴ - ۱۹۶۷
۱۰۲	کاهش محدودیتهای تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای	دور توکیو	۱۹۷۳ - ۱۹۷۹
۱۲۳	تشکیل سازمان جهانی	دور اروگوئه	۱۹۸۶ - ۱۹۹۴
۱۵۲	رفع موانع غیر تعرفه‌ای کشاورزی و محیط زیست و اعطای یارانه و قوانین ضد دامپینگ	دور دوحه	۲۰۰۰ - ۲۰۰۸

مذاکرات دور توکیو به مذاکرات چند جانبه تجاری معروف شده است. دور توکیو با حضور ۱۰۲ کشور از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۹ به طول انجامید. این دور از مذاکرات به تلاش‌های گات برای کاهش فزاینده تعرفه‌ها ادامه داد. موضوعات مورد بحث در این دور علاوه بر کاهش بیشتر تعرفه‌های گمرکی به موانع غیر تعرفه‌ای و سایر اقداماتی که باعث تحریف تجارت بین‌الملل می‌گردند (از قبیل دامپینگ) نیز تسری یافت. به علاوه در این دور توجه خاصی به مسائل تجاری کشورهای در حال توسعه معطوف گردید و بر این اساس سیستم ترجیحات عمومی که در کل برای کشورها شرایط آسانتری را در نظر می‌گرفت بوجود آمد. در نتیجه این دور از مذاکرات، به طور میانگین یک سوم حقوق و عوارض گمرکی

در نه بازار بزرگ صنعتی پائین آمد و میانگین تعرفه محصولات صنعتی نیز ۴/۷ درصد کاهش یافت. کاهش تعرفه‌ها در یک دور هشت ساله مرحله‌بندی شدند.

در موضوع‌های دیگر، دور توکیو نتایج متفاوتی داشت این دور نتوانست با مشکلات اساسی که بر تجارت محصولات کشاورزی اثر می‌گذاشت مقابله کند و تهیه موافقتنامه جدید در خصوص حفاظت‌ها (تدابیر اضطراری در مورد واردات) متوقف شد. با وجود این در زمینه موانع غیرتعرفه‌ای موافقت‌هایی شکل گرفتند که در برخی موارد مقررات گات را تفسیر می‌کردند و در موارد دیگر از پیدایش زمینه‌هایی کاملاً جدید خبر می‌دادند. در اکثر موارد تعداد کمی از اعضای گات (عمدتاً صنعتی‌ها) این ترتیبات و موافقتنامه‌ها را امضاء کردند از آنجا که تمام اعضای گات آنها را نپذیرفتند به صورت غیررسمی مجموعه مقررات نامیده می‌شوند. این موافقتنامه‌ها چند جنبه نبودند اما نقطه شروع به حساب می‌آمدند. تعدادی از این مجموعه مقررات در دور اروگوئه اصلاح شدند و به تعهدات چند جنبه تبدیل گشتند که توسط تمام اعضای سازمان تجارت جهانی پذیرفته شد. تنها چهار موافقتنامه میان چند طرف باقی ماند که در زمینه خریدهای دولتی، گوشت گاو، هواپیمای غیرنظامی و محصولات لبنی هستند. در سال ۱۹۹۷ اعضا سازمان تجارت جهانی توافق کردند که موافقتنامه‌هایی مربوط به گوشت گاو و محصولات لبنی را از پایان همان سال لغو کنند.

مجموعه مقررات دور توکیو را می‌توان به موارد زیر خلاصه نمود:

- رویه‌های صدور و مجوز واردات
- یارانه‌ها و تدابیر جبرانی
- خریدهای دولتی
- ضد دامپینگ
- موانع فنی تجارت
- ارزش‌گذاری گمرکی
- ترتیبات محصولات لبنی
- ترتیبات گوشت گاو
- تجارت هواپیماهای غیرنظامی

هرچند گات حوزه پوشش محدود و ماهیتی موقتی داشت اما بی تردید در بهبود اطمینان بخشی به آزادسازی بیشتر تجارت جهانی موفقیت‌هایی را به همراه داشت. و حتی برخی بر این باورند که کاهش دائمی تعرفه‌ها به تنهایی به نرخ بالای رشد تجارت جهانی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ (به طور میانگین ۸ درصد در سال) کمک فراوانی کرد. نیروی محرکه آزادسازی تجاری اطمینانی بود تا رشد با ثبات تجارت، رشد تولید در عصر گات را سرعت بخشد. هجوم اعضای جدید طی دور اروگوئه دلالت بر این موضوع داشت که سیستم تجارت چندجانبه یک نقطه حرکت خوب برای توسعه و ابزاری برای اصلاحات اقتصادی و تجاری است.

موفقیت گات در کاهش تعرفه‌ها به چنین سطح پائینی با رکود اقتصادی در دهه ۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ همراه بود. این باعث شد تا دولتها تدابیر دیگری را برای حمایت از بخشهایی که با افزایش رقابت خارجی مواجه بودند بیاندیشند. نرخ بالای بیکاری و بسته شدن مداوم کارخانه‌ها، دولتهای اروپای غربی و آمریکای شمالی را بر آن داشت تا ترتیبات مشارکت در بازار را با رقبا در پیش گیرند و برای حفظ تجارت خود سیاست استفاده از یارانه‌ها را دنبال کنند.

در ابتدای دهه ۱۹۸۰ تجارت جهانی مهمتر و پیچیده‌تر از ۴۰ سال قبل شده بود. جهانی سازی اقتصاد در راه بود، تجارت خدمات که در مقررات گات وجود نداشت، مورد علاقه بسیاری از کشورها قرار گرفته بود و سرمایه‌گذاری بین‌المللی افزایش یافته بود. توسعه خدمات به مسائلی همچون افزایش تجارت جهانی کالاها وابسته شده بود. در سایر موارد نیز گات کمبودهایی داشت، به عنوان مثال در کشاورزی از مفرهای موجود در سیستم چندجانبه شدیداً بهره‌برداری می‌شد و تلاش برای آزاد سازی تجارت کشاورزی با موفقیت کمی روبه رو بود. در بخش منسوجات و پوشاک استثنائاتی در نظام عادی گات در دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ مورد توافق قرار گرفت و به ترتیبات الیاف چندگانه منجر گردید. علی‌رغم اینکه ساختار نهادی گات و سیستم حل اختلاف خود مایه نگرانی بودند. این مشکلات و سایر عوامل اعضای گات را به تلاشی جدید برای تقویت و توسعه سیستم چندجانبه فراخواند. این تلاش در دور اروگوئه با اعلامیه مراکش و تشکیل سازمان تجارت جهانی نتیجه داد.

مذاکرات دور اروگوئه طولانی‌ترین و جامع‌ترین دور مذاکرات تا به امروز بوده است که هفت سال به طول انجامید و موافقتنامه مقدماتی آن در ۱۵ آوریل ۱۹۹۴ توسط اعضاء امضاء گردید. در انتهای دور اروگوئه ۱۲۳ کشور شرکت داشتند و تقریباً همه مسائل تجاری را در برمی‌گرفت. این دور بزرگترین مذاکره تجاری تا آن زمان بود و شاید بتوان گفت بزرگترین مذاکره در نوع خود در تاریخ است. دور اروگوئه در مواقعی به نظر می‌رسید که به شکست منجر می‌شود، اما در پایان این دور بزرگترین اصلاح سیستم تجارت جهانی بعد از جنگ جهانی دوم را به ارمغان آورد علیرغم پیشرفتهای سخت دور اروگوئه مشاهده برخی نتایج دور از انتظار بود. تنها طی دو سال، شرکت کنندگان روی مجموعه‌ای از کاهشها در مورد حقوق و عوارض واردات بر محصولات گرمسیری که بیشتر توسط کشورهای در حال توسعه صادر می‌شد موافقت کردند. آنان همچنین در مقررات حل و فصل اختلاف تجدید نظر کردند که برخی از این ضوابط بی‌درنگ اجرا شدند. آنان خواستار ارائه گزارشات منظم در مورد سیاستهای تجاری اعضا برای شفاف ساختن رژیمهای تجاری در سطح دنیا شدند که بسیار مهم بود.

تعرفه‌ها، موانع غیرتعرفه‌ای، محصولات منابع طبیعی، منسوجات و پوشاک، کشاورزی محصولات گرمسیری، مواد گات، مجموعه مقررات دور توکیو، ضد دامپینگ، یارانه‌ها، دارائیهای فکری، اقدامات سرمایه‌گذاری، حل و فصل اختلاف، سیستم گات، خدمات در دستور کار دور اروگوئه بود.

بذر اولیه دور اروگوئه در نوامبر ۱۹۸۲ در اجلاس وزرای اعضای گات در ژنو پاشیده شد. گرچه وزراء قصد داشتند که یک مذاکره جدید و مهم راه اندازند. اما اجلاس بر سر موضوع کشاورزی متوقف گردید و این یک شکست برای گات ارزیابی شد. در حقیقت برنامه کاری که وزراء در مورد آن توقف کردند، مبنای دستور جلسه مذاکرات دور اروگوئه قرار گرفت.

با وجود این، اجماع برای قبول آغاز دور جدید توسط وزراء چهار سال به طول انجامید و در سپتامبر ۱۹۸۶ در پونتادل استه (Puntadel Este) اروگوئه گرد هم آمدند. دستور جلسه مذاکرات در واقع همه موضوعات مهم در سیاستهای تجاری بود. گفتگوها در پی این بود که سیستم تجاری را به حوزه‌های جدید خصوصاً تجارت خدمات و مالکیت معنوی توسعه

دهد و تجارت در بخشهای حساس کشاورزی و منسوجات را اصلاح کند. تمام ماده‌های اولیه گات برای بازرگاری در دستور کار قرار گرفت این بزرگترین دستور مذاکرات تجاری بود که تا آن زمان مورد قبول قرار گرفته بود و وزراء برای تکمیل آن چهار سال مهلت در نظر گرفتند. دو سال بعد، در دسامبر ۱۹۸۸، وزراء برای ارزیابی نیمی از دور اروگوئه و بررسی پیشرفت کار دوباره در مونترال کانادا گرد هم آمدند. هدف این بود که دستور جلسه را برای دو سال باقیمانده روشن کنند اما گفتگوها به بن بست انجامید و به صورت لاینحل درآمد تا اینکه مسئولین رسمی در ماه آوریل سال بعد به آرامی و بدون سر و صدا در ژنو دیدار کردند. وزراء طی اجلاس مونترال در زمینه مجموعه نتایج اولیه توافق کردند که شامل برخی امتیازات در مورد دسترسی به بازار محصولات گرمسیری به منظور کمک به کشورهای در حال توسعه و ایجاد سیستم حل و فصل اختلافات کارا و نیز مکانیسم بررسی سیاست تجاری بود که برای اولین بار سیاستها و رویه‌های تجاری اعضای گات به صورت جامع و سیستماتیک بازرگاری می‌شد. قرار بود این دور از مذاکره موقعی که در دسامبر ۱۹۹۰ وزراء بار دیگر در بروکسل با یکدیگر دیدار کردند خاتمه یابد. اما آنان در مورد چگونگی اصلاح تجارت محصولات کشاورزی به توافق نرسیدند و تصمیم گرفتند که به گفتگوها ادامه دهند. بدین ترتیب دور اروگوئه وارد سردترین دوران خود شد.

علی‌رغم چشم انداز ضعیف سیاسی، کار فنی به طور قابل توجهی ادامه یافت که به تنظیم اولین پیش‌نویس موافقتنامه نهایی منجر شد. این پیش‌نویس در دسامبر ۱۹۹۱ در ژنو در دستور کار قرار گرفت. این پیش‌نویس همانند دستورالعمل پونتادل استه بود. فقط استثناء در مورد کاهش حقوق و عوارض واردات و باز کردن بازارهای خدمات به آن اضافه شده بود. این پیش‌نویس مبنایی برای موافقتنامه نهایی قرار گرفت. در طول دو سال بعد، مذاکرات با انتظارات شکست و موفقیت ادامه یافت. نکات اختلاف برانگیز جدیدی به بخش کشاورزی، خدمات، دسترسی به بازار، قواعد ضد دامپینگ و ایجاد یک نهاد جدید اضافه شد. اختلاف بیشتر بین ایالات متحده و اروپا بود.

در نوامبر ۱۹۹۲، ایالات متحده و اتحادیه اروپا اکثر اختلافاتشان در زمینه کشاورزی را با روشی حل کردند که به طور غیر رسمی توافق Blair House نامیده می‌شود. در ژوئیه

۱۹۹۳ گروه چهار Quad ایالات متحده، اتحادیه اروپا، ژاپن و کانادا اعلام کردند که در مذاکرات تعرفه‌ها و سایر موضوعات مرتبط (دسترسی به بازار) به پیشرفت مهمی دست یافته‌اند. حل نهایی موضوعات و مذاکرات برای دسترسی به بازار کالاها و خدمات تا ۱۵ دسامبر ۱۹۹۳ طول کشید. در ۱۵ آوریل ۱۹۹۴ تمام وزرای ۱۲۳ کشور شرکت کننده در اجلاس مراکش موافقتنامه را امضاء کردند.

این تأخیر فوایدی در برداشت از جمله باعث مذاکراتی شد که پیشرفت بیشتری را نسبت به آنچه در ۱۹۹۰ ممکن بود حاصل کرد به ارمغان آورد. برای مثال برخی از جنبه‌های مربوط به خدمات و مالکیت معنوی (دارایی فکری) و همچنین تشکیل سازمان تجارت جهانی از آن جمله است. اما وظیفه بسیار بود و خستگی مذاکرات فرسایشی در بوروکراسی‌های تجاری دنیا احساس می‌شد. مشکل دستیابی به موافقتنامه کاملی که تقریباً همه موضوعات تجاری را در برگیرد باعث این نتیجه‌گیری شد که مذاکره‌ای در این مقیاس دوباره امکان‌پذیر نیست. با وجود این موافقتنامه‌های دور اروگوئه جدول زمانی برای مذاکرات جدید در مورد برخی موضوعها داشت. در سال ۱۹۹۶ بعضی کشورها علناً خواستار دور جدیدی از مذاکرات در ابتدای قرن بعدی شدند. باید توجه داشت که موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت ابتدا دو چیز بود. یکی موافقتنامه‌ای بین‌المللی که در آن مقرراتی برای هدایت تجارت بین‌الملل وجود داشت و دیگر سازمانی بین‌المللی که بعدها ایجاد شد تا از موافقتنامه حمایت کند.

گات هم اکنون جای خود را به سازمان تجارت جهانی داده است. امروز موافقتنامه گات وجود دارد، اما مجموعه مقررات آن همان مقررات اصلی اولیه برای تجارت بین‌المللی نیست و به روز شده است. موقعی که گات بعد از جنگ جهانی دوم ایجاد شد بازرگانی بین‌المللی عمدتاً شامل تجارت کالا بود. از آن زمان بتدریج تجارت در خدمات (حمل و نقل، مسافرت، بانکداری، بیمه، ارتباطات راه دور، مشاوره و غیر آن) اهمیت بیشتری می‌یافت و همین طور تجارت در ایده‌ها (اختراعات و طراحی و کالاها و خدمات موضوع آنها که مجموعاً دارایی فکری نامیده می‌شود. موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت اصلاح شده در موافقتنامه‌های جدید سازمان تجارت جهانی وارد گشته است. سازمان تجارت جهانی سه موافقتنامه گات به روز شده و موافقتنامه عمومی تجارت خدمات (GATS) و موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق

مالکیت معنوی (TRIPS) را در یک سازمان گرد هم می‌آورد. و یک مجموعه مقررات و یک سیستم واحد برای حل اختلافات در این سازمان وجود دارد. به طور خلاصه سازمان تجارت جهانی امتداد ساده‌ای از گات نیست بلکه بسیار بیشتر از آن است. گات به عنوان یک سازمان بین‌المللی دیگر وجود ندارد، ولی موافقتنامه گات هنوز زنده است. متن قدیمی گات، گات ۱۹۴۷ نامیده می‌شود و متن به روز شده آن گات ۱۹۹۴ نامگذاری شده است. اصول کلیدی گات شامل اصل عدم تبعیض، اصل شفافیت و اصل قابلیت پیش‌بینی است. در حقیقت سازمان تجارت جهانی به شکل کامل‌تری از درون گات بیرون آمد.

گات موقت بود، موافقتنامه عمومی هرگز در پارلمانهای اعضاء به تصویب نرسید و هیچ شرطی برای تاسیس یک سازمان را در بر نداشت. سازمان تجارت جهانی و موافقتنامه‌های آن دائمی هستند. سازمان تجارت جهانی به عنوان سازمان بین‌المللی مبنای قانونی مستحکم دارد. زیرا اعضاء موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی را به تصویب پارلمانهای خود رسانده و خود موافقتنامه‌ها بر نحوه عمل سازمان تجارت جهانی ناظر و حاکم هستند. سازمان تجارت جهانی دارای اعضاء است در حالی که گات دارای طرفهای متعاقد بود و این ویژگی گات را به عنوان یک متن قانونی زیرسؤال می‌برد. گات با تجارت کالا در ارتباط بود در حالی که سازمان تجارت جهانی خدمات و دارائیهای فکری را هم پوشش می‌دهد. سیستم حل اختلاف سازمان تجارت جهانی سریع‌تر و خودکارتر از سیستم قدیمی گات است و اجرای احکام آن نمی‌تواند متوقف شود.

مفاد موافقتنامه ۳۸ ماده‌ای گات و مواد الحاقی به آن جهت عضویت کشورها در سازمان تجارت جهانی ملحوظ گردید لذا کشورهایی که داوطلب عضویت در سازمان تجارت جهانی هستند به دنبال درخواست خود باید با تشکیل سه گروه کاری در سه زمینه مشخص و مرتبط زیر به مذاکره پردازند.

۱- مذاکرات سیستماتیک یا چند جانبه

۲- مذاکرات مربوط به دسترسی به بازار

۳- مذاکرات مربوط به تعهدات خاص در بخش خدمات

جلب رضایت دو سوم کشورهای عضو جهت عضویت کشور متقاضی در سازمان

تجارت جهانی ضروری است. به طور کلی الزامات عضویت در سازمان تجارت جهانی برای کلیه کشورها به دو دسته الزامات عمومی و خصوصی تقسیم می‌شود اهم الزامات عمومی عضویت عبارتند از:

- ۱- عدم تبعیض و رفتارهای مبتنی بر آن
 - ۲- مخالفت با رویه‌های دامپینگ
 - ۳- رویه‌های اعطای تخفیف و تعرفه بندی
 - ۴- ارزش گذاری گمرکی
 - ۵- حقوق و تشریفات وابسته به صادرات و واردات
 - ۶- تدوین مقررات تجاری
 - ۷- پذیرش شرط حذف کلی محدودیت‌های مقداری
 - ۸- پذیرش موافقتنامه راجع به یارانه
 - ۹- پذیرش چهارچوب مربوط به بنگاههای تجاری دولتی که این مؤسسات را به رفتاری غیرتبعیض آمیز و رعایت اصل شفافیت در تبادل اطلاعات مکلف می‌کند
 - ۱۰- توافقی‌هایی که اتحادیه گمرکی در مرز کشورهای هم مرز و مناطق آزاد تجاری را شامل می‌شود
 - ۱۱- پذیرش موارد استثناء از مقررات عمومی گات
- الزامات خصوصی جهت عضویت در سازمان تجارت جهانی نیز برای هر کشور متفاوت است و در مورد الزامات خصوصی و قانونی عضویت ایران در این سازمان در قسمتهای بعدی اشاره خواهیم نمود.

چارچوب نظام تجارت جهانی بر این اساس طرح گردیده که به کشورها در ارتقاء توسعه اقتصادی‌شان از طریق بسط تجارت کمک کند. حذف تعرفه‌ها و دیگر موانع تجارت در خلال مذاکرات میان اعضاء به عنوان راهکار بسط تجارت مورد پذیرش واقع شده است. دسترسی به بازار به مفهومی که سازمان تجارت جهانی مد نظر دارد، در مورد کالاها از طریق اقدامات مرزی همچون کاهش تعرفه‌ها، رفع محدودیت‌های مقداری و دیگر اقدامات

غیرتعرفه‌ای مطرح می‌گردد. هدف مذاکرات تجاری چند جانبه آزادتر کردن دسترسی به بازارها است. در مورد کالاها، شرط لازم گات آن بوده است که تعرفه باید به عنوان تنها وسیله حمایت از صنعت داخلی مورد استفاده قرار گیرد. به علاوه، تعرفه‌ها باید دو ویژگی پیش‌بینی پذیری و ثبات (در نرخ) را داشته باشند تا دسترسی به بازار به عنوان یکی از مفاهیم و اهداف اساسی موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) و در حال حاضر سازمان تجارت جهانی تحقق یابد.

دور جدید مذاکرات تجاری جهان از ابتدای فوریه سال ۲۰۰۲ میلادی آغاز شد. که اولین دور مذاکرات آزادسازی تجاری جهان پس از تشکیل سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۵ و نهمین دور مذاکرات از زمان تأسیس موافقتنامه گات ۱۹۴۷ محسوب می‌شود. این دور ابتدا قرار بود همزمان با سومین نشست کنفرانس وزیران سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۹ در شهر سیاتل آمریکا آغاز شود اما به دلیل اختلاف نظر کشورهای عضو در دستور کار، نشست سیاتل در این خصوص موفق نبود و آغاز این دور که دور دوحه نامیده می‌شود تا زمان چهارمین نشست کنفرانس وزیران در سال ۲۰۰۱ در شهر دوحه قطر به تعویق افتاد. بر اساس بیانیه دوحه، این دور از مذاکرات از آخر ژانویه ۲۰۰۲ آغاز و تا اول سال ۲۰۰۵ پایان خواهد پذیرفت که هنوز (در سال ۲۰۰۸) ادامه دارد.^۱

موضوعاتی که در دور دوحه در دستور کار مذاکرات قرار دارند شامل دسترسی به بازار محصولات کشاورزی، جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری، سرمایه‌گذاری و تجارت ارتباط میان تجارت و سیاست‌های رقابتی، شفافیت در خریدهای دولتی، تسهیل تجاری، مقررات سازمان تجارت جهانی، تجارت و محیط زیست، ظرفیت‌سازی و همکاری فنی، تجارت الکترونیکی، تجارت و انتقال فن آوری، برخورد ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه، کم توسعه‌یافته‌ترین کشورها و اقتصادهای کوچک و مسائل و موضوعات مربوط به اجرای موافقتنامه‌های قبلی سازمان تجارت جهانی می‌باشد.

در حال حاضر ۱۵۲ کشور تا ۱۶ می ۲۰۰۸ عضو سازمان تجارت جهانی هستند^۲ که تقریباً ۹۰ درصد تجارت جهانی را به خود اختصاص داده‌اند. با توجه به مقررات خاص این

^۱ The Doha agenda, http://www.wto.org/English/thewto_e/whatis_e/tif_e/doha1_e.htm

^۲ http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/tif_e/org6_e.htm

سازمان، در برخی موارد استثناء کشورهای عضو می‌تواند تا ۶۰ درصد^۱ بر کالاهایی که از کشورهای غیر عضو وارد کشورشان می‌شود تعرفه ببندند. به عبارت دیگر عضو نبودن در این سازمان به معنای انزوای بین‌المللی و ناتوانی از صادر کردن کالا به سایر کشورهاست. از آنجائیکه قوانین و مقررات سازمان جهانی بازرگانی از پشتیبانی ۱۵۲ کشور جهان برخوردار و نتیجه سالهای سال مذاکرات سخت، مداوم و جدی میان کشورهاست نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

اینکه این مقررات عادلانه است یا نه جای بحث دارد. در سالهای اخیر، همزمان با نشست‌های متعدد این سازمان در نقاط مختلف جهان مانند سیاتل، آمریکا، ایتالیا و یونان، اعتراض‌های توأم با خشونت نسبت به جهانی شدن اقتصاد مشاهده می‌گردد. پایه و اساس این سازمان بر تفکر اقتصاددانان غرب پی‌ریزی شده است. کشورهای که در آنها ابزارهای نظام سرمایه‌داری در بخشهای مختلف تولیدی، خدماتی، پولی و مالی، اجتماعی و فرهنگی به گونه‌ای هماهنگ و تنگاتنگ تدریجاً طی پنج قرن نضج گرفته و تکامل یافته است. در حقیقت این سازمان شکل توسعه یافته چنین نظامی است که در سطح بین‌المللی مجال فعالیت و گسترش یافته است. مشکلات متعدد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشورهای در حال توسعه و تعامل آنها به نحوی که هریک زائیده و در عین حال متأثر از دیگری است پیچیده‌تر از آن می‌نماید که سهم قابل توجهی از بازار جهانی نصیب آنها شود. هر چند کشورهای تازه صنعتی شده در چند دهه اخیر راههایی برای صنعتی شدن و توسعه اقتصادی یافته‌اند و اکثریت کشورهای در حال توسعه در این مسابقه در ابتدای راهند و باید به انجام اصلاحات گوناگونی در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خود پردازند تا با علم و آگاهی و اتخاذ سیاستهای مدیریتی صحیح و بلندمدت در سطح کلان، اقدام به ریشه کن کردن مشکلات نمایند. سیاستگذارای اقتصادی، سیاسی و بازرگانی و وقوف بر مسائل و تحولات بین‌المللی، به روز بودن اطلاعات و درک اهمیت زمان و لحظه‌ها در تصمیم‌گیری از ویژگیهای مورد نیاز بقا در دهکده جهانی عصر حاضر است.

در سازمان تجارت جهانی از بدو تاسیس با توجه به شکاف رفاهی بین کشورهای در

^۱ سازمان تجارت جهانی و ایران. ادیب، ۱۳۷۹. اصفهان.

حال توسعه و صنعتی امتیازاتی برای کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته شده است. برای نمونه در دور اروگوئه مقرر گردید از سال ۱۹۹۵، کشورهای صنعتی پنج سال برای هماهنگ سازی مقررات خود با قوانین سازمان تجارت جهانی فرصت داشته باشند در حالی که این مهلت برای کشورهای در حال توسعه ده سال تعیین گردید. ولی آیا شکاف توسعه کشورهای صنعتی و در حال توسعه از نظر زمانی ۵ سال است. برای برخی از کشورهای در حال توسعه این شکاف از یک قرن هم تجاوز می کند. از سوی دیگر باید اذعان کرد که نفوذ بین المللی کشورهای در حال توسعه در سازمانهای بین المللی قابل مقایسه با نیمه اول قرن بیستم نیست. کشورهای در حال توسعه با توجه به اکثریتی که در سازمان تجارت جهانی دارند و با هماهنگی و همکاری و افزایش توان علمی، فنی و اطلاعاتی خود می توانند امتیازهای قابل توجهی در صحنه تجارت جهانی کسب کنند. همانطوریکه اشاره شد گات در طول ۴۸ سال حیات خود چندین بار اصلاح و موافقتنامه هایی به آن اضافه شد.

اهداف تشکیل سازمان تجارت جهانی

مذاکرات مربوط به دسترسی به بازار در دور اروگوئه در مقایسه با ادوار پیشین تا حدود زیادی وضعیت را بهبود بخشید. ویژگیهای اصلی نتایج این دور را می توان به شرح ذیل خلاصه نمود:

- § کاهش تعرفه هایی که کشورها متعهد به اعمال آن بر محصولات صنعتی هستند، بسیار بالاتر از مقادیری است که در دور توکیو صورت گرفت.
- § با تصویب موافقتنامه راجع به منسوجات و پوشاک، کشورها توافق نموده اند محدودیتهایی را که طبق ترتیبات الیاف چندگانه وجود دارد، ظرف یک دوره ۱۰ ساله یعنی تا اول ژانویه ۲۰۰۵ تدریجاً حذف کنند.
- § موافقتنامه راجع به کشاورزی چارچوبی را برای قرارداد تدریجی تجارت محصولات کشاورزی تحت نظامات گات و برای آزادسازی تجارت در این بخش ایجاد کرده است.
- § کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذار، که فعالانه در مذاکرات شرکت

نمودند، تعرفه‌های محصولات صنعتی و کشاورزی خود را کاهش داده‌اند.

§ تقریباً تمامی تعرفه‌های کشورهای توسعه یافته، در برابر افزایشهای بیشتر تثبیت شده است. در کشورهای در حال توسعه و دارای اقتصاد در حال گذار، سهم تعرفه‌هایی که تثبیت گردیده بطور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است.

در مقدمه موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) و همچنین در موافقتنامه تاسیس سازمان تجارت جهانی اهداف گات و سازمان تجارت جهانی اعلام شده‌اند. اهداف گات از قرار زیر می‌باشد:

- ۱- ارتقای سطح زندگی
- ۲- تضمین اشتغال کامل
- ۳- حجم زیاد و افزایش دائمی درآمد واقعی و تقاضای مؤثر
- ۴- استفاده کامل از منابع موجود جهان
- ۵- توسعه و گسترش تولید و تجارت کالاها
- در موافقتنامه تاسیس تجارت جهانی اهداف بصورت زیر کامل گردیدند.
- ۶- توسعه و گسترش تولید تجارت کالا و خدمات
- ۷- استفاده بهینه از منابع موجود در جهان
- ۸- حفظ و حراست محیط زیست
- ۹- کوشش برای افزایش سهم کشورهای در حال توسعه، مخصوصاً کشورهای که بهره بسیار اندکی از توسعه داشته‌اند و شناسائی حق مشروع آنها در دستیابی به توسعه اقتصادی.

موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات ۱۹۴۷) فقط ناظر بر تجارت کالا بود، سازمان تجارت جهانی در دو حوزه اصلی دیگر شامل خدمات و حقوق مالکیت فکری نیز وارد شد. در حوزه خدمات، موافقتنامه عمومی خدمات و در حوزه مالکیت فکری، موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری از دستاوردهای مذاکرات دور اروگوئه محسوب می‌شوند. ضمناً کالاهایی که قبلاً از نظام تجارت آزاد بین‌المللی دور مانده بودند (نظیر محصولات کشاورزی، منسوجات و پوشاک) نیز تحت شمول موافقتنامه‌های کالایی این

سازمان درآمد. هر یک از موافقتنامه‌های عمومی از این قابلیت برخوردارند که ذیل آنها موافقتنامه‌های خاص تنظیم شود. سازمان تجارت جهانی با طیف وسیعی از فعالیتها، نظیر کشاورزی، منسوجات و پوشاک، بانکداری، ارتباطات راه دور، خریدهای دولتی، استانداردهای صنعتی، مقررات بهداشت مواد غذایی، دارائیهای فکری و غیره ارتباط دارد، موافقتنامه‌های آن طولانی و پیچیده است لکن اصول بنیادین آن به صورت زیر می‌باشد:

(۱) اصل عدم تبعیض که خود به دو قسمت دول کامله الوداد (MFN) و رفتار ملی تقسیم می‌شود.

شرط دولت کامله الوداد (MFN) اعطای بهترین وضعیت تجاری اعطا شده به هر عضو به دیگر اعضاست و شرط رفتار ملی بدین معنی است که پس از عبور از مرز و پرداخت حقوق و عوارض مربوطه تبعیضی بین کالا و عرضه‌کننده کالای خارجی با کالا و عرضه‌کننده کالای داخلی صورت نگیرد. ماده ۱ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت ۱۹۹۴ و ماده ۲ موافقتنامه عمومی راجع به تجارت خدمات، هر دو به صراحت رفتارهای تبعیض‌آمیز را منع کرده‌اند. طبق این مواد کالا و خدمات وارداتی به کشورهای عضو باید مشمول مقرراتی مشابه و یکسان با همه اعضا که همان شرط دول کامله الوداد می‌باشد است.

طبق ماده ۳ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت رفتار تبعیض‌آمیز نسبت به کالاهای وارداتی در مقابل کالاهای داخلی ممنوع است. طبق این ماده کشورهای عضو از اتخاذ آن دسته از سیاستهای داخلی که به اعطای امتیازات و مساعدت‌ها نسبت به کالاهای مشابه وارداتی منجر شود منع شده‌اند. مثلاً نمی‌توانند بر تولیدات داخلی مشابه کالاهای وارداتی مالیات کمتری وضع نمایند.

(۲) اصل آزادسازی تجارت

طبق ماده ۱۱ گات ۱۹۹۴ هیچ یک از اعضا حق ندارند جز تعرفه‌های گمرکی و مالیات‌ها، محدودیت‌های دیگری را در واردات و یا صادرات کالاها به وجود آورند. این محدودیت‌ها شامل کلیه محدودیتها از قبیل سهمیه بندی واردات و صادرات و الزام به اخذ مجوز و سیاستهای نرخ ارز و غیره می‌گردد. اصل آزاد سازی تجاری از طریق رفع تدریجی موانع غیر تعرفه‌ای و تبدیل آن به تعرفه‌ها، تثبیت سقف تعرفه‌ها و تعهد به کاهش تدریجی سطح

تعرفه‌ها صورت می‌گیرد.

(۳) اصل کاهش تعرفه‌های گمرکی

هر کشور عضو سازمان تجارت جهانی می‌شود علاوه بر الحاق به موافقت‌نامه‌های چند جانبه سازمان وارد مذاکرات دو یا چند جانبه با دیگر اعضا می‌گردد و تعرفه‌های خود را کاهش می‌دهد. حداکثر میزان تعرفه در جدول تعرفه‌های کشور وارد می‌شود و حق ندارد بیش از آن تعرفه‌ای اخذ نماید. کشورها متعهد می‌گردند بتدریج تعرفه‌ها را کاهش دهند. این اصل در طول پنجاه سال عمر گات و سازمان تجارت جهانی به نتایج مطلوبی رسیده و سطح تعرفه‌های گمرکی بتدریج کاهش یافته‌اند.^۱

(۴) اصل شفافیت بخشیدن به مقررات تجاری

طبق ماده ۱۰ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت ۱۹۹۴ کلیه قوانین و مقررات و تصمیمات قضایی و دستورالعمل‌های اداری که به وسیله هر یک از کشورها برقرار شده است و به نحوی در فروش، توزیع و حمل و نقل و بیمه و انبارداری و مونتاژ کالاها تاثیر داشته باشد باید شفاف شود. در مقررات ماده ۳ موافقتنامه عمومی این امر راجع به تجارت خدمات نیز الزامی شده است.

(۵) اصل تجارت عادلانه یا منصفانه

این اصل برای ایجاد زمینه‌ای برای رقابت کارآ با حذف موانع مختل‌کننده تجارت همچون یارانه‌های غیر مجاز، فروش زیر قیمت کالا و موارد آسیب‌زننده به تولید و تجارت کشورهاست. ارائه راه‌حلها در مقابل تجارت غیر عادلانه نیز از طریق ابزارهای دفاعی همچون وضع عوارض جبرانی یا اقدام ضد قیمت شکنی (ضددامپینگ) یا اعمال حفاظت‌ها صورت می‌گیرد.

(۶) اصل حفظ رفتار ویژه با کشورهایی که کمترین درجه توسعه یافتگی را دارند.

این اصل برای همیاری با کشورهای در حال توسعه در تحمیل تغییرات کمتر و انجام اصلاحات در مدتی طولانی‌تر، و بصورتی یک طرفه مطرح شده است.

(۷) اعمال برخی استثنائات در تعهدات قبول شده برای حفظ نظم عمومی، اخلاق و

^۱ - Trebilock & Howse The Regulation of international trade (London, Routledge, 1995) P73-90

بهداشت انسان و حیوان و غیره.

مزایای عضویت در سازمان تجارت جهانی را می‌توان در موارد عمومی زیر دانست:

§ هر عضو سازمان تجارت جهانی به راحتی می‌تواند وارد بازار کشوری شود که رسماً عضو این سازمان است.

§ هر نوع محدودیتی که مثلاً برای واردات کالاهایی در یک کشور در نظر گرفته شود، همان محدودیت برای کشور صادرکننده دیگر نیز خود به خود منظور می‌گردد.

§ دسترسی مداوم به بازارهای عضو سازمان تجارت جهانی با عوارض گمرکی مطمئن و تثبیت شده.

§ تسهیلات تجاری با کشورهای عضو بدون اینکه با تک‌تک آنها قرارداد دوجانبه منعقد شود، فراهم می‌گردد.

یکی از وظایف سازمان تجارت جهانی بررسی متناوب سیاست تجاری کشورهای عضو می‌باشد و در این ارتباط گزارش‌های منظمی از این بررسیها منتشر می‌کند. از این جهت شفاف بودن سیاستها و مقررات از اهمیت بسیاری برخوردار است. در چارچوب سازمان تجارت جهانی این کار از دو طریق صورت می‌پذیرد:

§ با الزام دولتها به مطلع ساختن سازمان و کشورهای عضو از سیاستها و قوانین خود.

§ انجام بررسی‌های منظم درباره تک‌تک کشورهای عضو و سیاست‌های تجاری آنها.

اگرچه بررسی سیاست تجاری کشورهای عضو بخشی از الزامات توافقیهای دور اروگوئه است، اما انجام این بررسیها عملاً پیش از اتمام مذاکرات این دور آغاز گردیده بود. کشورهای حاضر در دور اروگوئه در جلسه وزیران در دسامبر سال ۱۹۸۸ با آغاز این بررسیها موافقت کردند و متعاقب آن، در سال بعد اولین بررسی از این نوع انجام گردید، اما به دلیل آنکه در آن هنگام این بررسی تحت قواعد گات صورت می‌پذیرفت از اینرو صرفاً تجارت کالاها را پوشش می‌داد ولی سپس حوزه بررسی نیز گسترش یافت و تجارت خدمات و حقوق مالکیت فکری را نیز در بر گرفت.

اهداف زیر در پس بررسی سیاست تجاری مد نظر سازمان تجارت جهانی است:

- افزایش شفافیت و شناخت سیاست تجاری و رویه‌های کشورها از طریق نظارت پیوسته.

- بالا بردن کیفیت مباحثات و بررسی‌های عمومی و بین دولتی درباره موضوعات مربوطه.
 - امکان پذیر ساختن بررسی‌ها و ارزیابی تأثیرات سیاست‌ها بر نظام تجاری جهان.
- سیاست تجاری همه کشورهای عضو باید طی یک دوره زمانی خاص مورد ملاحظه و بررسی قرار گرفته باشند. تناوب بررسی‌ها بستگی به اندازه اقتصاد کشورهای عضو دارد که تقریباً به صورت زیر است:
- چهار اعضایی که بیشترین حجم تجارت را به خود اختصاص می‌دهند، یعنی اتحادیه اروپا، ایالات متحده، ژاپن و کانادا، تقریباً هر دو سال یک بار مورد بررسی قرار می‌گیرند. شانزده کشور دیگر (برحسب سهم شان در تجارت جهانی)، هر چهار سال یک بار بررسی می‌گردند.
- مابقی کشورها نیز هر شش سال یک بار، البته با این احتمال که برای کم توسعه یافته‌ترین کشورها تناوب بررسی‌ها شاید از مرز شش سال نیز بگذرد.
- در هر بررسی، دو سند تهیه می‌گردد: یک گزارش توسط کشور تحت بررسی و به جهت اعلام سیاستها و گزارش دیگر بطور مستقل توسط دبیرخانه سازمان تجارت جهانی.
- سازمان تجارت جهانی با ایجاد نظام چند جانبه حل و فصل اختلافات که برخی ضعفهای قبلی گات را برطرف می‌کند، یکی از دستاوردهای مذاکرات دور اروگوئه بشمار می‌آید. تفاهمنامه حل و فصل اختلافات نظامی مبتنی بر قواعد شفاف و ضرب‌الاجل‌های مشخص می‌باشد. حوزه شمول این تفاهمنامه بسیار گسترده و متنوع است و تقریباً کلیه موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی را شامل می‌شود. متولی اجرای قواعد و مقررات تفاهمنامه، رکن حل اختلاف است که اعضای آن همان اعضای شورای عمومی سازمان می‌باشند.
- معمولاً اختلاف زمانی بروز می‌کند که عضوی معتقد باشد عضو دیگر قواعد یکی از موافقتنامه‌ها یا تعهداتش را نقض کرده است. با توجه به اینکه هدف مکانیسم حل اختلاف تضمین راه حلی مثبت برای اختلافات است، در تفاهمنامه مقرر شده طرفین قبل از مطرح کردن قضیه نزد رکن حل اختلاف باید در این خصوص با یکدیگر مشورت کنند. بعلاوه طرفین می‌توانند به منظور دستیابی به راه حل مرضی‌الطرفین، از دبیرکل درخواست مساعی جمیله

نمایند. در صورت شکست تلاشها برای حل اختلاف از طریق مشورت، شاکمی می‌تواند از رکن حل اختلاف درخواست تشکیل هیأت رسیدگی نماید. هیأت رسیدگی ظرف مهلت مقرر به قضیه رسیدگی و به به رکن اعلام می‌نماید. رکن گزارش را تصویب خواهد کرد مگر اینکه اجماع برخلاف آن باشد یا تقاضای استیناف شود. استیناف محدود به موضوعات حقوقی مطرح شده در گزارش هیأت رسیدگی می‌باشد. رکن دائمی استیناف نیز ظرف مهلت خاصی گزارش خود را به رکن حل اختلاف تقدیم می‌کند. برای حل و فصل مؤثر اختلافات، فاصله زمانی تشکیل هیأت رسیدگی تا صدور رأی نهایی در صورت عدم استیناف نباید از ۹ ماه و با استیناف از ۱۲ ماه تجاوز کند.

هنگامی که مشخص شد اقدامات یک عضو با مقررات موافقتنامه‌ها مغایرت دارد، ابتدا رکن حل اختلاف از عضو مذکور می‌خواهد که از اقدامات مزبور دست بردارد و در صورتی که عملی نباشد، جبران به عنوان اقدامی موقتی تا زمان توقف اقدامات خاطی اعمال می‌شود. آخرین تدبیری که تفاهمنامه در اختیار عضوی که به رویه‌های حل اختلاف متوسل شده قرار می‌دهد، امکان تعلیق اجرای امتیازات یا سایر تعهدات مندرج در موافقتنامه‌های تحت پوشش بر مبنای تبعیضی در مقابل عضو دیگر است به شرط اینکه رکن حل اختلاف اجازه چنین اقداماتی را بدهد. بعلاوه رکن حل اختلاف بر اجرای توصیه‌ها و احکام مصوب، نظارت خواهد داشت.

ساختار سازمان تجارت جهانی

هر چند گات ۱۹۴۷ صرفاً یک معاهده چند جانبه بود و بنا بود که تحت کنترل و نظارت سازمان بین‌المللی تجارت (ITO) اجرا شود، ولی به علت عدم تشکیل این سازمان، گات از تشکیلات ضعیفی منحصر به دبیرخانه برخوردار بود. یکی از توفیقات مهم مذاکرات دور اروگوئه، ایجاد یک سازمان تجاری جهانی منسجم و دائمی به جای دبیرخانه گات است. سازمان تجارت جهانی از سه نظر دارای تشکیلات منسجم‌تر و مناسب‌تر است:

الف - ایجاد یک رکن دائمی برای بررسی خط مشی‌های تجاری

رکن بررسی خط مشی‌های تجاری وظیفه دارد تا به طور مستمر سیاست‌ها و تدابیر

اتخاذ شده به وسیله اعضا در مورد تجارت کالا و خدمات را بررسی نماید. این رکن موظف است تا هر چهار سال یک بار (نسبت به کشورهای عمده تجاری هر دو سال یک بار) سیاست‌ها و تدابیر تجاری اعضا را مورد بررسی قرار داده، گزارشی در این رابطه تهیه کند. این گزارش همراه با توضیحات دولت متبوع آن کشور منتشر شده و در معرض دیگر کشورها قرار می‌گیرد. هرگونه عکس‌العمل کشورها عمدتاً بر اساس چنین گزارش‌هایی استوار است. هدف از مقررات مربوط به مکانیسم بررسی خط‌مشی‌های تجاری تضمین وفاداری اعضا به مقررات سازمان و نظارت بر انجام تعهدات تقبل شده آنها می‌باشد. این بررسی‌ها موجب خواهد شد تا مقررات و سیاست‌های تجاری کشورها شفاف شده و درک صحیح و بی‌طرفانه‌ای از سیاست‌ها و تدابیر اتخاذ شده اعضا به دست آید.

ب - ایجاد یک رکن دائمی برای حل و فصل دعاوی

بر اساس مقررات سازمان تجارت جهانی اعضا نباید به اتخاذ تصمیمات یکطرفه علیه یکدیگر اقدام کنند. آنها موظفند تا دعاوی خود را از طریق رکن حل و فصل دعاوی سازمان تجارت جهانی و طبق مقررات سازمان، حل و فصل کنند. چنانچه طرفین یا طرفهای دعوا توافق کنند، موضوع مورد اختلاف بر اساس میانجی‌گری، سازش و یا از طریق مساعی جمیله حل و فصل خواهد شد. در صورت عدم توافق و یا شکست میانجی‌گری یا سازش، کشور شاکی ممکن است حل و فصل دعوا را طبق مقررات حقوقی درخواست کند. حل و فصل اختلافات بر اساس تفاهمنامه حل و فصل دعاوی انجام خواهد گرفت و رکن حل و فصل دعاوی وظیفه اداری آن را به عهده خواهد داشت.

ج - ایجاد یک رویه منظم برای نشست وزیران کشورهای عضو

طبق مقررات سازمان تجارت جهانی، رویه منظمی برای نشست وزیران کشورهای عضو پیش‌بینی شده است. طبق ماده ۴ موافقتنامه تاسیس سازمان تجارت جهانی، کنفرانس وزیران حداقل هر دو سال یکبار تشکیل خواهد شد که اولین آنها در اواخر سال ۱۹۹۶ در سنگاپور بود. مقصود از این مقررات، ایجاد نشست‌هایی منظم و در سطح عالی برای بحث پیرامون مشکلات موجود، توسعه و بهبود سیستم تجاری بین‌المللی و تهیه پیش‌نویس‌های لازم برای مذاکرات چند جانبه آتی می‌باشد. امید می‌رود با برقراری این رویه منظم، مشکلات قبلی

گات در جمع کردن نمایندگان عالی کشورها برای انجام مذاکرات تکرار نشود. در تشکیلات و مراجع تصمیم‌گیری سازمان تجارت جهانی، کنفرانس وزیران عالی‌ترین رکن سازمان است که متشکل از نمایندگان همه کشورهای عضو بوده و باید حداقل هر دو سال یکبار تشکیل جلسه دهد. کنفرانس وزیران صلاحیت دارد تا طبق موافقتنامه‌های چند جانبه سازمان هر تصمیمی را اتخاذ کند.

امور روزانه سازمان تجارت جهانی به عهده شورای عمومی است که تحت کنترل و نظارت کنفرانس وزیران بوده و متشکل از کلیه اعضا می‌باشد. شورای عمومی تقریباً هر ۲ ماه یکبار تشکیل شده و وظیفه دارد تا وظایف کنفرانس وزیران را در غیاب آن انجام داده و به کنفرانس وزیران گزارش دهد. شورای عمومی دارای سه شورای فرعی به نام شورای تجارت کالا، شورای تجارت خدمات و شورای مرتبط به جنبه‌های تجاری مالکیت معنوی است. شورای عمومی قابلیت دارد تا در موارد مقتضی به رکن حل و فصل دعاوی و یا رکن بررسی خط مشی‌های تجاری تبدیل شود. به عبارت دیگر، شورای عمومی در موارد لازم در رکن حل و فصل دعاوی و یا رکن بررسی سیاست‌ها و تدابیر تجاری تشکیل می‌شود. دبیرخانه سازمان تجارت جهانی در ژنو واقع است. در راس دبیرخانه دبیر کل قرار دارد که توسط کنفرانس وزیران انتخاب می‌گردد.

هر عضوی در کشور خود اداره‌ای دارد که از تعدادی مشاور، نمایندگان بخش خصوصی، سازمان‌های تجاری، اتحادیه‌های کشاورزان و دیگر گروه‌های صنعتی و تولیدی تشکیل می‌شود. اکثر کشورها در ژنو دارای یک مرکز دائمی هستند که تحت ریاست سفیر یا وزیر ویژه آن کشور نزد سازمان تجارت جهانی فعالیت می‌کنند. البته در موارد خاص، یک کشور ممکن است نمایندگان ویژه‌ای برای مقاصد خاصی اعزام کند. کشورهایی که عضو یک اتحادیه تجاری - اقتصادی هستند سعی می‌کنند فعالیت‌های خود را نزد سازمان تجارت جهانی هماهنگ کرده و نقطه نظرهای واحدی را اتخاذ نمایند. این هماهنگی تا اندازه زیادی به همبستگی کشورهای عضو آن اتحادیه و وحدت اقتصادی آن‌ها وابسته است. به عنوان نمونه، کشورهای اروپایی عضو اتحادیه اروپا در مقایسه با کشورهای عضو آسآن دارای نقطه نظرهای به مراتب هماهنگ‌تر و یکسان‌تری هستند.



در شیوه تصمیم‌گیری، سازمان تجارت جهانی در واقع ادامه دهنده رویه گات است که تصمیمات باید بر اساس توافق جمعی و نه بر اساس رای‌گیری به عمل آید. این رویه باعث خواهد شد تا منافع تک تک کشورها مورد توجه قرار گیرد و اکثریت نتوانند نظریات خود را به دیگران تحمیل کنند. زمانی که اعضا به یک توافق جمعی دست پیدا نمی‌کنند، موافقتنامه تأسیس سازمان تجارت جهانی در چهار مورد اجازه می‌دهد تا رای‌گیری شود. این رای‌گیری بر اساس یک کشور، یک رای استوار است. اکثریت‌های متفاوتی برای تصمیم‌گیری‌های گوناگون پیش‌بینی شده است. تفسیر هر کدام از موافقتنامه‌های چند جانبه سازمان تجارت جهانی نیاز به اکثریت سه چهارم آرا دارد. همین اکثریت لازم است تا کنفرانس وزیران بتواند تعهداتی را که یکی از موافقتنامه‌های چند جانبه بر عهده یک عضو قرار داده، از عهده او بردارد. در مورد تعدیل موافقتنامه‌های چند جانبه بر حسب مورد ممکن است همه اعضا و یا اکثریت دو سوم نیاز باشد. در هر حال، تغییرات به عمل آمده فقط نسبت به کسانی که آن را پذیرفته‌اند لازم‌الاجرا خواهد بود.

الحاق به سازمان تجارت جهانی

اعضای سازمان تجارت جهانی به دو دسته اعضای اولیه و اعضای ملحق شده تقسیم می‌شوند. اعضای اولیه همان طرفهای متعاهد گات تا پایان سال ۱۹۹۴ و نیز اعضای اتحادیه اروپا هستند که در مهلت دوساله پس از تاسیس سازمان تجارت جهانی به عضویت این سازمان درآمده‌اند. دیگر کشورها و یا قلمروهای مجزا و خود مختار گمرکی نیز برای عضویت باید فرآیند الحاق را مطابق با ماده ۱۲ موافقتنامه تاسیس سازمان تجارت جهانی طی کنند. فرآیند الحاق به سازمان تجارت جهانی با دیگر سازمانهای بین‌المللی که غالباً از روند خود کار الحاق بهره‌مند هستند متفاوت است. براساس ماده مزبور، الحاق به این سازمان با شرایط مورد توافق سازمان و دولت متقاضی صورت خواهد گرفت و به عبارت دیگر فرآیند الحاق به سازمان تجارت جهانی یک فرآیند مذاکره‌ای است و نتیجتاً امر الحاق به این سازمان را به روندی پیچیده، زمان‌بر و دشوار تبدیل می‌نماید. لذا طی مذاکرات کشورهای متقاضی باید بپذیرند که اقداماتی را جهت مطابقت قوانین ملی خود با مقررات موافقتنامه‌های چندجانبه سازمان به عمل آورند. علاوه بر این لازمست تعهداتی را برای کاهش تعرفه‌ها و اصلاح مقررات خود قبول نمایند تا دسترسی بیشتری را برای واردات کالاها و خدمات خارجی فراهم نمایند.

فرآیند الحاق به سازمان تجارت جهانی شامل درخواست عضویت و تشکیل گروه کاری، بررسی رژیم تجارت خارجی کشور متقاضی الحاق (مرحله حقیقت‌یابی)، مذاکرات دوجانبه (مرحله مذاکرات دسترسی به بازار) جهت تهیه جدول امتیازات و تعهدات مربوط به گات ۱۹۹۴ همچنین جدول تعهدات ویژه مربوط به موافقتنامه عمومی تجارت خدمات برای آن کشور و نهایتاً توافق در مورد گزارش گروه کاری، سند تصمیم در مورد الحاق و پروتکلی (مقاولة نامه‌ای) که شرایط الحاق را معین می‌سازد می‌باشد. پروتکل الحاق ۳۰ روز پس از پذیرش کشور متقاضی الحاق (پس از تصویب پارلمان آن کشور) لازم‌الاجرا می‌گردد.

بطور کلی کشوری که می‌خواهد به عضویت WTO مراحل زیر را سپری می‌نماید:

- (۱) پرکردن فرم تقاضانامه و ارسال آن به دبیرخانه: دولت متقاضی طی نامه‌ای به دبیرکل سازمان رسماً تمایل کشور خود را برای عضویت در سازمان اعلام می‌دارد. این نامه می‌تواند دربردارنده علت تمایل به عضویت و همچنین قبول توافقاتی باشد که در این

زمینه صورت گرفته است.

- (۲) تشکیل گروه بررسی: دبیرکل پس از دریافت تقاضا آن را به اطلاع شورای عمومی می‌رساند و در صورت قبول شورا، گروه بررسی اقدام بکار می‌نماید. این گروه متشکل از یک رئیس و نمایندگان کشورهای عمده تجاری و نمایندگان کشورهای است که در رابطه با عضویت کشور عضو منافی دارند می‌باشد. وظیفه این گروه رسیدگی به تقاضای عضویت و مدیریت و سازماندهی مذاکرات می‌باشد و در ضمن کلیه سیاستها و تدابیر کشور متقاضی را بررسی و گزارش می‌نماید.
- (۳) تهیه یادداشت تدابیر و سیاستهای تجاری خارجی: در این مرحله کشور عضو یادداشتی در مورد جزئیات تعرفه‌های گمرکی، موانع تجاری غیر تعرفه‌ای، مقررات صادرات و واردات و محدودیتها و سیاستهای ارزی، تدابیر اتخاذ شده و مقررات سرمایه‌گذاری خارجی و مقررات مربوط به تجارت خدمات و حق مالکیت معنوی به دبیرکل تقدیم می‌کند.
- (۴) مرحله پاسخگویی به سئوالات مطرح شده توسط اعضاء: کلیه اعضاء سئوالاتی درباره این گزارش مطرح می‌نمایند و کشور متقاضی کتبا اقدام به پاسخگویی خواهد نمود.
- (۵) تشکیل جلسه بررسی: رئیس گروه بررسی در جلسات مختلف بررسی گزارشات را آغاز می‌نماید.
- (۶) مذاکرات چند جانبه و دو جانبه با کشورهای دیگر: در زمان بررسی گزارشات اعضاء ممکن است مذاکراتی با کشورهای دیگر بطور دو جانبه یا چند جانبه در مورد کاهش تعرفه گمرکی انجام دهند. کشورهای عضو معمولاً در قبال گرفتن برخی امتیازات اجازه می‌دهند تا دیگر اعضاء از کاهش تعرفه یا تسهیلات مقرر منتفع گردند.
- (۷) رأی گیری: قبول یا رد عضویت کشور متقاضی مستلزم طبق بند ۲ ماده ۱۲ پذیرش عضویت مستلزم جلب نظر دو سوم کل اعضاء سازمان است ولی رویه متعارف که از گات بجا مانده است رسیدن به توافق جمعی یا اجماع است. بنابراین کشوری که تمایل به عضویت دارد باید رضایت طرفهای عمده تجاری مانند آمریکا، اتحادیه اروپا، ژاپن و کانادا را به خصوص جلب نماید و با وجود جلب نظر اکثریت دو سوم نباید از رویه

عملی سازمان غافل بماند.

۸) تنظیم پروتکل الحاق: با پذیرفته شدن عضویت کشور متقاضی پروتکل الحاقی که در بردارنده تعهدات و شرایط الحاق کشور است مورد مذاکره قرار می‌گیرد. جدول امتیازات و توافقاتی مربوط به کاهش تعرفه‌ها که به پیوست پروتکل تهیه شده به امضاء کشور متقاضی و سایر اعضا می‌رسد و زمانی که کشور متقاضی رسماً به دبیر کل سازمان تجارت جهانی اعلام نماید که پروتکل و ضمیمه آن مورد قبول است آن کشور عضو سازمان تجارت جهانی خواهد شد.

همانطور که مشاهده می‌شود در این جریان:

اول: عضویت در سازمان به معنای موافقت با کلیه موافقتنامه‌های چند جانبه سازمان تجارت جهانی است که قاعدتاً شروطی را بر کشور متقاضی تحمیل می‌نماید.

دوم: کشور متقاضی باید بویژه با کشورهای عمده تجاری وارد مذاکره گردد و برای جلب رضایت آنها امتیازاتی از قبیل کاهش تعرفه‌های گمرکی بدهد و روابط سیاسی - تجاری خود را با اعضا و بویژه کشورهای عمده تجاری بهبود بخشد.

برای کشوری که به عضویت سازمان تجارت جهانی پذیرفته شود، اقدامات زیر از

سیاستهای اجرائی مهمی است که باید مد نظر داشته باشد:

۱. آزادسازی تجارت خارجی: شامل برداشتن موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای یا کاهش آنهاست. همچنین وضع موانع تجاری غیرتعرفه‌ای، غیرقانونی می‌باشد. البته برای کشورهای در حال توسعه در این زمینه استثنائاتی قائل شده‌اند.
۲. آزادسازی قیمت کالاها و خدمات: حذف سوبسیدها و کمک‌های دولتی که به تولید کالا و خدمات داده می‌شود برای تحقق این مورد می‌باشد. البته تعدادی از سوبسیدها مثل سوبسیدهای تحقیق و توسعه، سوبسیدهای خصوصی‌سازی و سوبسید کالاها مصرفی، سوبسید سبز محسوب شده و کشورهای عضو ملزم به حذف آنها نمی‌باشند.
۳. آزادسازی نرخ ارز: شامل حذف ارایه هرگونه ارز سوبسیددار می‌باشد.
۴. آزادسازی نرخ بهره
۵. لغو انحصارات دولتی و خصوصی در تولید و قیمت‌گذاری کالاها و خدمات

۶. جریان آزاد اطلاعات: شامل در اختیار گذاشتن اطلاعات و مقررات و قوانین تصویبی توسط کشور عضو به سایر اعضا می‌باشد.
۷. تخصیص بهینه منابع به وسیله بازار
۸. جداسازی دو مفهوم اقتصاد و تأمین اجتماعی.

رفتار ویژه با کشورهای در حال توسعه

بیش از دو سوم اعضای سازمان تجارت جهانی را کشورهای در حال توسعه تشکیل می‌دهند. مقررات مربوط به توسعه کشورهای در حال توسعه، که در طول چند دهه قبل از تاسیس سازمان تجارت جهانی شکل یافته بودند، از طریق موافقتنامه گات ۹۴ به سازمان تجارت جهانی منتقل گردیدند. موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی نیز هر یک رفتار ویژه‌ای را با کشورهای در حال توسعه به اشکال مختلف پیش‌بینی نموده‌اند. بطور کلی این مقررات را به سه دسته عمده تقسیم می‌شوند:

الف: مقررات ناظر بر تسهیل تجارت کشورهای در حال توسعه

شامل اقدامات یکجانبه کشورهای توسعه یافته در اعطای امتیازات ترجیحی به

کشورهای در حال توسعه در موارد زیر می‌باشند:

§ «نظام عمومیت یافته ترجیحات (GSP)»

§ «شرط توانمندسازی»، تصمیم در مورد رفتار متفاوت و مطلوب‌تر، رفتار متقابل و

مشارکت کامل کشورهای در حال توسعه، نوامبر ۱۹۷۹

§ ترجیحات تجاری به کشورهای حوزه‌های جغرافیایی خاص به استناد معافیت‌های

موقت از ماده یک گات ۹۴ (اصل دول کامله الوداد)

§ حذف عوارض گمرکی کالاهای صادراتی کشورهای در حال توسعه توسط

کشورهای توسعه یافته

§ امکان ایجاد ترتیبات تجاری جنوب- جنوب با تعدیل شرایط ماده ۲۴ گات

§ توجه بیشتر به آزادسازی تجاری کالاهای مورد علاقه صادراتی کشورهای در حال

توسعه، به استناد فصل چهار گات

ب: انعطاف بیشتر برای کشورهای در حال توسعه در پذیرش تعهدات

شامل موارد زیر:

- § انعطاف در برقراری حمایت برای تاسیس صنایع جدید
- § اتخاذ اقدامات محدود کننده در زمان بروز مشکلات تراز پرداختها
- § معافیت از برخی مقررات خاص در چارچوب گات ۹۴ و دیگر موافقتنامه‌های متشکله سازمان تجارت جهانی
- § دوره های انتقالی طولانی تر برای اجرای تعهدات و انعطافها و معافیت‌های گسترده تر برای کشورهای در حال توسعه

ج: ارائه کمکهای فنی به کشورهای در حال توسعه

این کمک‌ها جهت یاری کشورهای توسعه نیافته نسبت به حجم وسیع تعهدات آنها می‌باشد که بتوانند از عهده تعهدات خود در موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی برآیند و شامل ترتیبات مختلفی با هدف ارائه کمکهای فنی به منظور ایجاد ظرفیتهای تخصصی، سازمانی و حقوقی لازم جهت همگرایی بیشتر کشورهای در حال توسعه در نظام تجاری چند جانبه در موافقتنامه‌های مختلف سازمان تجارت جهانی است.

برگزاری اجلاس وزرای دوحه در سال ۲۰۰۱ و شروع مذاکرات دور جدید، تحرک جدیدی را برای پیگیری ملاحظات توسعه‌ای کشورهای در حال توسعه فراهم ساخت. اجلاس وزرای دوحه تصمیماتی را مبنی بر گسترش دامنه همکاریهای فنی و ظرفیت سازی اتخاذ نموده و همچنین خواستار تقویت مقررات ناظر بر رفتار ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه و بررسی تبعات لازم الاجراء ساختن مفاد غیرالزامی این مقررات شده است.

اتحادیه‌های تجاری منطقه‌ای و سازمان تجارت جهانی

معاهدات بین‌المللی بین کشورها در روابط تجاری آنها با یکدیگر ترتیبات خاص تجارت منطقه‌ای را تشکیل می‌دهد و مطابق آن اعضا شرایط ویژه‌ای را در روابط خود اعمال می‌نمایند. این شرایط شامل سایر اعضا سازمان تجارت جهانی که عضو این ترتیبات نیستند نمی‌شود. هر عضو از اعضای سازمان تجارت جهانی می‌تواند وارد یک ترتیب تجاری منطقه‌ای

شود و با شرکای جدید خود رفتار تجاری مطلوب تری نسبت به اعضای خارج از آن برقرار نماید. مطابق ماده ۲۴ گات ۱۹۹۴، اعضای سازمان تجارت جهانی می‌توانند اتحادیه گمرکی، مناطق تجارت آزاد و موافقتنامه‌های موقت ایجاد نمایند با این شرط که ترتیبات مزبور، تجارت بین طرفهای متعاقد را بدون افزایش موانع تجاری فراروی کشور ثالث تسهیل نماید. کشورهای در حال توسعه مطابق شرط توانمندسازی قادرند بدون در نظر گرفتن شرایط مندرج در ماده ۲۴ گات، اتحادیه گمرکی یا منطقه تجارت آزاد و یا ترتیبات منطقه‌ای دیگری تشکیل دهند.

ماده ۵ موافقتنامه عمومی تجارت خدمات تحت عنوان یکپارچگی اقتصادی همانند ماده ۲۴ گات ۱۹۹۴ ترتیبات تجاری منطقه‌ای را مجاز می‌داند. تا سال ۲۰۰۵ در حدود ۳۰۰ موافقتنامه تجارت منطقه‌ای به سازمان تجارت جهانی اعلام شد.

موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی

همانطور که گفته شد موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات ۱۹۴۷) مهمترین موافقتنامه چندجانبه کالایی در نظام تجارت به شمار می‌رفت و تا پیش از آغاز به کار سازمان تجارت جهانی، اصلاحاتی بر آن صورت پذیرفت و به علاوه پروتکل‌ها و تأییدیه‌های مربوط به امتیازات تعرفه‌ای، پروتکل‌های الحاق و تصمیمات طرفهای متعاقد گات از جمله در موارد معافیت از تعهدات، بدان ضمیمه شد. در دور اروگوئه، ۶ تفاهمنامه در تفسیر مواد گات و پروتکل الحاقی مراکش نیز به گات ۱۹۴۷ افزوده گردید که مجموعه این اسناد گات ۱۹۹۴ خوانده می‌شود. در دور اروگوئه، ۱۲ موافقتنامه چند جانبه جدید کالایی نیز به تصویب رسید که وابسته به گات ۱۹۹۴ تلقی می‌گردند و در ارتباط با موافقتنامه‌های خاص در موضوعاتی چون استانداردها، ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری، قواعد گمرکی، دامپینگ یا قیمت‌شکنی، یارانه‌ها و حفاظت‌ها، و بخش‌های کشاورزی و منسوجات در زمینه تجارت کالا هستند که به همراه گات ۱۹۹۴، ضمیمه موافقتنامه تأسیس سازمان تجارت جهانی را، با عنوان موافقتنامه‌های چند جانبه کالایی، تشکیل می‌دهند. در صورت تعارض میان مواد گات ۱۹۹۴ و موافقتنامه‌های خاص، مورد اخیر مقدم خواهد بود.

در مذاکرات دور اروگوئه، موافقتنامه‌ها، تفاهمنامه‌ها، اعلامیه‌ها و تصمیمات متعددی

منعقد و اتخاذ گردید که جزء لاینفک موافقتنامه تأسیس سازمان تجارت جهانی می‌باشند و کشورهای عضو الزاماً باید آنها را بپذیرند. این موارد ذیلاً آورده شده‌اند.

- ۱- مواد موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت مصوب ۳۰ اکتبر ۱۹۴۷. اگر چه گات ۱۹۹۴ شامل گات ۱۹۴۷ نیز می‌شود، لکن از نظر حقوقی این دو موافقتنامه مجزا می‌باشند.
- ۲- پروتکل‌ها و گواهیهای مربوط به امتیازات تعرفه‌ای.
- ۳- پروتکل‌های الحاق کشورها به گات ۱۹۴۷.
- ۴- معافیت‌های اعطایی طرفهای متعاقد به برخی کشورها جهت عدم انجام تهمیدات خاص (Waivers) بر اساس ماده ۲۵ گات ۱۹۴۷.
- ۵- سایر تصمیمات طرفهای متعاقد گات ۱۹۴۷.
- ۶- تفاهمنامه‌های مربوط به تفسیر برخی از مواد موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت ۱۹۴۷:
 - تفاهمنامه تفسیر ماده (b) موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت مربوط به جداول امتیازات.
 - تفاهمنامه تغییر ماده ۱۷ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت مربوط به شرکتهای تجاری دولتی.
 - تفاهمنامه مواد تراز پرداختها در موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت.
 - تفاهمنامه تفسیر ماده ۲۴ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت مربوط به اتحادیه‌های گمرکی و مناطق آزاد و تجاری.
 - تفاهمنامه معافیت از تعهدات خاص در چارچوب موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت.
- ۷- تفاهمنامه تفسیر ماده ۲۸ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت درباره تغییر جداول تعرفه‌ای.
- ۸- پروتکل دور اروگوئه در مورد موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت ۱۹۹۴. این پروتکل، پروتکل الحاقیه کشورها به سازمان تجارت جهانی می‌باشد.
- ۹- موافقتنامه کشاورزی.
- ۱۰- موافقتنامه تدابیر بهداشتی دام و نبات.
- ۱۱- موافقتنامه منسوجات و پوشاک..
- ۱۲- موافقتنامه موانع فنی تجارت.

- ۱۳- موافقتنامه جنبه‌هایی از اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت^۱.
- ۱۴- موافقتنامه مربوط به اجرای ماده ۶ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت در خصوص عوارض ضد دامپینگ و جبرانی.
- ۱۵- موافقتنامه مربوط به اجرای ماده ۲ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت در خصوص ارزش‌گذاری گمرکی.
- ۱۶- موافقتنامه بازرسی قبل از حمل.
- ۱۷- موافقتنامه مقررات مبداء.
- ۱۸- موافقتنامه رویه‌های صدور مجوز ورود.
- ۱۹- موافقتنامه مربوط به حراستها (Safeguards).
- ۲۰- موافقتنامه یارانه‌ها و تدابیر جبرانی.
- ۲۱- موافقتنامه عمومی تجارت خدمات.
- ۲۲- موافقتنامه جنبه‌هایی از حقوق مالکیت معنوی مرتبط با تجارت، شامل تجارت کالای تقلبی^۲.
- ۲۳- تفاهمنامه مربوط به قواعد و رویه‌های ناظر بر حل و فصل اختلافات تجاری.
- ۲۴- مکانیسم بررسی سیاست تجاری.
- ۲۵- ۴ موافقتنامه کالایی زیر که الزام‌آور نیستند:
- موافقتنامه مربوط به تجارت هواپیماهای کشوری.
 - موافقتنامه مربوط به تدارک دولتی.
- علاوه بر این، اعلامیه‌ها و تصمیمات وزراء نیز که غالباً تفسیر موادی از موافقتنامه‌های فوق می‌باشند به مجموعه اسناد گات ۱۹۹۴ منضم گردیده است و تمامی موارد بعنوان مجموعه موافقتنامه‌ها و اسناد حقوقی، جزء لاینفک موافقتنامه تاسیس سازمان جهانی تجارت است^۳.

¹ - TRIMs -Trade Related Investment Measures

² - TRIPs-Trade – Related Aspects of Intellectual Property Rights

³ - http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis/tif_e/agrm9_e.htm

Understanding WTO agreement non-tariff barriers: red tape etc.

فصل دوم

ایران و سازمان تجارت جهانی

مقدمه

ایران نیز عضویت در سازمان تجارت جهانی را در برنامه‌های راهبردی خود منظور کرده و از سال ۱۳۷۵ درخواست عضویت خود را به دبیرخانه این سازمان ارائه نموده است. طی سال‌های گذشته قبول عضویت ایران با مخالفت حداقل یکی از اعضاء که آمریکا است، مواجه بوده است. نظر منفی آمریکا باعث می‌شد که اجماع لازم به دست نیامده و پذیرش ایران مورد موافقت قرار نگیرد. البته حتی اگر یک عضو ضعیف هم با پذیرش ایران مخالفت کند، باز هم عضویت ایران در دستور کار سازمان تجارت جهانی قرار نمی‌گرفت. به هر حال نشست شورای عمومی در روز ۲۶ مه ۲۰۰۵ (۵ خرداد ۱۳۸۴) برای بیست و دومین بار درخواست الحاق ایران را که ۹ سال پیش در ۱۹ ژوئیه ۱۹۹۶ (۲۸ تیر ۱۳۷۵) تسلیم این سازمان شده بود را مورد بررسی قرار داد و بر خلاف نشست‌های پیشین طی ۴ سال گذشته بدون ابراز مخالفت آمریکا، درخواست اجماعاً مورد پذیرش اعضا قرار گرفت و بدین ترتیب ایران با کسب عضویت ناظر این سازمان، روند عضویت کامل (الحاق) این سازمان را آغاز کرد.^۱

به هر حال در صورت پذیرش ایران، مذاکرات ایران و سازمان تجارت جهانی از زمان موافقت حدود یک دهه پیش‌بینی می‌شود که طول بکشد. مدت مذاکرات برخی کشورها بسیار کوتاه و برخی بسیار طولانی بوده است. مثلاً مذاکرات سازمان تجارت جهانی با ارمنستان برای قبول عضویت این کشور تنها ۲ ماه طول کشید. در حالی که مدت مذاکرات با چین حدود ۱۵ سال است و رقم زمان مذاکره سازمان تجارت جهانی با ایران فقط یک برآورد می‌تواند باشد. براساس موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی، کشورها باید تعرفه‌ها را به تدریج حذف کنند. در حال حاضر با تعرفه صفر، عملاً نفت از موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی خارج است و موافقتنامه‌های آن مشمول فرآورده‌های نفتی نمی‌شود. بر این اساس ورود کالاهای صادراتی کشورهای صنعتی به کشورهای نفتی منجمله ایران مشمول حذف تعرفه شده اما واردات نفتی کشورهای صنعتی از کشورهای نفتی و ایران مشمول حذف یا کاهش تعرفه نمی‌شود و نفت بخش بزرگی از صادرات این کشورها را تشکیل می‌دهد. البته ناگفته نماند که در عوض تعرفه کشورهای توسعه یافته مالیات زیادی بر مصرف نفت و فرآورده‌های آن

^۱ - <http://www.irtr.gov.ir/News/NewsView.asp?id=1>

می‌بندند که همان اثر تعرفه‌های سنگین بر نفت را بجا می‌گذارد. این موضوع بسیار تعیین‌کننده است و به همین دلیل آمریکا و دیگر کشورهای صنعتی از مطرح شدن بحث نفت و فرآورده‌های نفتی هراس دارند زیرا برای مثال از یک یورو پرداختی برای بنزین در اروپا حدود ۱۶ سنت آن پول نفت خام است که به کشورهای صادرکننده پرداخت می‌شود و ۱۶ سنت هم هزینه پالایش، حمل و توزیع است و ۶۸ سنت باقی‌مانده مالیاتی است که کشورهای اروپایی از مصرف بنزین دریافت می‌کنند. اما اگر نفت مشمول مقررات کالائی سازمان تجارت جهانی شود و کشورهای نفت‌خیز عضو سازمان تجارت جهانی با هم هماهنگ باشند، می‌توانند خواستار این شوند که یا ۶۸ درصد مالیات محصولات نفتی دریافت نشود در غیر این صورت کشورهای نفت‌خیز باید بر کالاهای وارداتی از کشورهای صنعتی ۶۸ درصد تعرفه تعیین کنند. این موضوع بسیار تعیین‌کننده و جنجال‌برانگیز خواهد بود. برخی علت مخالفت آمریکا با ورود ایران در سازمان تجارت جهانی را هراس از طرح این موضوع می‌دانند.^۱

دفتر نمایندگی تام‌الاختیار تجاری ایران وابسته به وزارت بازرگانی در سال ۱۳۷۵ با هدف پیگیری الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی تشکیل گردید. وزیر بازرگانی نماینده تام‌الاختیار تجاری ایران می‌باشد که با حکم رئیس جمهور به این سمت منصوب گردیده است. دفتر نمایندگی تام‌الاختیار تجاری ایران در حال حاضر فعالیتهای خود را در حوزه‌های پژوهشی و مشاوره‌ای، آموزشی و اطلاع‌رسانی، هماهنگی‌های اجرایی و ارتباطات بین‌المللی ادامه می‌دهد.

مذاکرات با اتحادیه اروپا

قبل از انقلاب، ایران و اتحادیه اروپا براساس قراردادی از روابط تجاری کامله‌الوداد برخوردار بودند و قراردادی میان طرفین امضاء شده بود که در سال ۱۹۷۷ عملاً به تعلیق درآمد. پس از انقلاب در سال ۱۹۹۵ برای اولین بار گفتگوی سیاسی این اتحادیه با ایران آغاز شد. و در سال ۱۹۹۷ گسترده‌تر گردید و در سال ۱۹۹۸ فراگیرتر شد. این گفتگوها در سه حوزه موضوعات جهانی (ترورسیم، حقوق بشر و منع تکثیر سلاحهای هسته‌ای) موضوعات منطقه‌ای (عراق، خلیج فارس، آسیای مرکزی و فرآیند صلح خاورمیانه) و حوزه‌های همکاری (مواد

^۱ <http://www.payam.co.ir/journal/farsi/Majaleh/34/4-34.htm>

مخدر، پناهندگان، انرژی، تجارت و سرمایه‌گذاری) انجام گرفت. حوزه مسایل و موضوعات مورد گفتگو محدود و فاقد چارچوب منسجم قرارداد بود. در هفتم فوریه سال ۲۰۰۱ کمیسیون اروپایی با صدور اعلامیه‌ای که در ماه مه همان سال به تصویب شورای اتحادیه اروپا رسید چشم‌انداز و شرایط برقراری روابط نزدیکتر اقتصادی و سیاسی با ایران در قالب یک موافقتنامه تحت عنوان موافقتنامه همکاری و تجارت را ترسیم کرد. این نوع موافقتنامه در چارچوب توافقات غیرترجیحی قرار می‌گیرد و اتحادیه اروپا تاکنون با کشورهای زیادی مشابه آنرا منعقد کرده است. در این نوع موافقتنامه هدف فراهم آوردن چارچوب مناسب گفتگوی سیاسی به منظور توسعه روابط سیاسی، توسعه تجارت و سرمایه‌گذاری و برقراری روابط هماهنگ اقتصادی و فراهم آوردن مبنایی برای همکاری‌های فرهنگی، فن‌آوری، مالی، اجتماعی و اقتصادی بین دو طرف می‌باشد.

تاکنون چهار دور مذاکرات در ارتباط با موافقتنامه همکاری و تجارت بین دو طرف انجام شده است. طی دوره‌های مذاکرات فوق ساختار موافقتنامه شامل مقدمه، بخش تجارت و سرمایه‌گذاری، بخش همکاری، بخش مقررات و بخش مقررات نهادی و نهایی و هم در خصوص موضوعات محتوایی مورد علاقه طرفین بحث و تبادل نظر شده است.^۱

لازم به ذکر است که کالاهای صادراتی ایران برای فروش در اروپا با تعرفه ۲۰ تا ۲۵ درصدی مواجه است. درحالیکه کالاهای ترکیه‌ای به دلیل اینکه این کشور عضو سازمان تجارت جهانی است، از این تعرفه‌ها معاف است. ۲۰٪ تا ۲۵٪ اختلاف قیمت به دلیل تعرفه‌های بازرگانی در دنیایی که حتی یک درصد اختلاف قیمت هم در رقابت کالاها تأثیرگذار است، باعث می‌شود که کالاهای ما توان رقابت با کالاهای دیگر کشورها را نداشته باشد.

الزامات کلی ایران در فرآیند الحاق

در صورتی که ایران به عضویت سازمان تجارت جهانی درآید بایستی معاهدات بین‌المللی زیادی را بپذیرد و تعدیلات زیادی را نیز در قوانین داخلی انجام دهد. در این بخش به شرح این معاهدات و موارد تعدیلاتی که باید کشور متقاضی به عضویت در این سازمان انجام

^۱ دفتر نمایندگی تام‌الاختیار تجاری ایران. وزارت بازرگانی. <http://www.irttr.ir>

دهد می‌پردازیم. مسلماً این معاهدات با توجه به نقاط اشتراک و افتراق مفاد آنان با قوانین، مقررات، رویه‌ها و سیاست‌های صنعتی در ایران، در صورت عضویت احتمالی در سازمان تجارت جهانی، تعدیلات زیادی باید در بخش‌های مختلف مرتبط با صنعت کشور صورت گیرد. در این بخش از بررسی مروری بر این موضوعات خواهیم داشت.

قانون اساسی

اصل ۷۷ قانون اساسی ایران الزام می‌نماید که کلیه مقاوله نامه‌ها، قراردادهای و موافقتنامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس برسد که این موضوع شامل موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی نیز خواهد شد.

از طرف دیگر طبق اصل ۱۳۹ قانون اساسی، صلح و دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به هر داوری در هر مورد موکول به تصویب هیات وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد - موارد مهم را قانون تعیین می‌کند. در مورد موافقتنامه‌های تجارت جهانی مسئله به این صورت مطرح است که در مرحله اول اختلاف میان اعضاء از طریق مشورت با یکدیگر حل می‌شود و در صورتی که حل نشد به تقاضای شاکی به مرجع بین‌المللی حل اختلاف که به منظور رسیدگی به دعاوی میان کشورهای عضو تشکیل شده است ارجاع خواهد شد و مرجع حل اختلاف حق دارد هیئت‌های رسیدگی تشکیل دهد و برای اجرای احکام و توصیه‌ها نظارت کند. بدین ترتیب در مورد حل اینگونه اختلافات نیازی به دخالت مجالس قانونگذاری در هیچ یک از کشورهای عضو وجود ندارد.

یکی از مغایرت‌های اولیه مفاد موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی با نظام اقتصادی ایران در اصل ۴۴ نهفته است. بر اساس این اصل بازرگانی خارجی دولتی است. هدف گات و سازمان تجارت جهانی کم رنگ نمودن نقش دولت در تجارت کالاهای اساسی و هدایت اقتصاد کشورها به سمت اقتصاد غیردولتی است. اصل ۴۴ قانون اساسی صنایع بزرگ و مادر، بازرگانی خارجی، بانکداری، بیمه، راه آهن، کشتیرانی، هواپیمایی، معادن بزرگ، سدها و ارتباطات را در اختیار دولت قرار می‌دهد. گرچه در عمل کاملاً این اصل رعایت نمی‌شود و

بخشهای خصوصی و شبه خصوصی در گیر فعالیتهای بازرگانی خارجی می‌باشند. در حالیکه طبق اصل ۱۶ اصول و قوانین گات در مورد دسترسی به بازار، اصل آزاد سازی تجاری از جمله اصول حاکم بر گات است که در مورد پیوستن کشورها به سازمان تجارت جهانی مورد توجه قرار می‌گیرد. این مشکل با توجه به مصوبه^۱ رهبری تحت عنوان سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی تا حدودی رفع شده است.^۲ در این مصوبه زمینه‌های لازم برای ایجاد بسترهای فعالیت آزاد بخش خصوصی مطرح شده است.

یکی از موارد مهم در راه الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی اصل ۸۱ قانون اساسی است. به موجب این اصل دادن امتیاز تشکیل شرکتها و موسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است. بر اساس موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی اعضا می‌توانند نسبت به ارائه خدمات مرتبط با موارد فوق در سایر کشورهای عضو اقدام نمایند و این موضوع طبعاً با مفاد اصل فوق تعارض دارد. اگرچه بر اساس تفسیر شورای نگهبان قانون اساسی شرکتها خارجی که با دستگاههای دولتی ایران قرارداد قانونی منعقد نموده اند می‌توانند جهت انجام امور قانونی و فعالیتهای خود در حدود قراردادهای منعقد طبق ماده ۳ قانون ثبت شرکتها به ثبت شعب خود در ایران مبادرت نمایند و این امر با اصل ۸۱ قانون اساسی مغایرتی ندارد. شایان ذکر است که طبق رویه‌ای که اعضاء گات برای مذاکره در این بخش در نظر گرفته‌اند، کشورهای مذاکره کننده می‌توانند رشته‌های خدماتی خاصی را که احساس می‌کنند نیاز به حمایت داخلی دارد مشمول مذاکره نمایند. اما مجاز نیستند که تمامی رشته‌های خدماتی مورد نظر را از مذاکرات خارج کنند. طبعاً با توجه به این موضوع می‌توان رشته‌های خدماتی خاصی را که از حساسیت بالایی برخوردارند مشمول مذاکرات قرار نداد.

البته از لحاظ قانونی برای تاسیس شرکت سهامی سرمایه‌گذاری خارجی تا حد ۴۹ درصد از سهام منع قانونی وجود ندارد ولی تفسیر آن از وظایف شورای نگهبان است. از سوی دیگر، در مقررات سازمان تجارت جهانی آمده است که هر کشور عضو در سازمان تجارت جهانی می‌تواند در دیگر کشورهای عضو سازمان به شرط اینکه کشور مربوطه اجازه دهد امتیاز

^۱ <http://www.iransos.com/gozaresh/05.05/asle44.htm>

^۲ <http://www.asle44.ir/>

تاسیس شرکت را داشته باشد و این هم مغایر با قانون اساسی ایران است و در صورت الحاق باید مد نظر قرار گیرد.

بند ۲ ماده ۱۶ موافقتنامه عمومی خدمات گات در زمینه دسترسی بازار در مورد تجارت خدمات، ضمن درج شروطی در خصوص دسترسی به بازار بیان می‌کند از جمله اقداماتی که یک عضو نباید انجام دهد برقراری محدودیت در مورد مشارکت سرمایه‌گذاری خارجی از لحاظ حداکثر درصد سهام خارجی یا بر حسب کل ارزش یکایک یا مجموع سرمایه‌گذاری خارجی است.

لازم به ذکر است که ماده ۴۵ قانون جلب و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی بیان می‌دارد صاحب سرمایه مجاز است که هر سال سود ویژه حاصل از به کار انداختن سرمایه خود را در ایران تا میزانی که در آئیننامه مقرر می‌گردد به همان ارزی که سرمایه خود را وارد یا محسوب کرده است از ایران خارج کند. ماده ۳-۱ آئیننامه اجرائی قانون جلب و حمایت سرمایه خارجی نیز اعلام می‌دارد که بانک‌های خارجی یا شعب آنها که طبق قوانین و مقررات مربوطه در ایران تاسیس می‌شوند از مزایای قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی و این آئین‌نامه تا حدودی که با مقررات و موازین قانون بانکداری و آئیننامه‌های آن تباین نداشته باشند برخوردارند - گرچه اصول، ۴۴ و ۸۱ قانون اساسی فعالیت بانک‌های خارجی را ممنوع می‌دارد و علی‌القاعده در این مورد اصول ۴۴ و ۸۱ به نحوی تخصیص خورده‌اند. همینطور بند ۳۱ ماده ۳۱ قانون پولی و بانکی کشور تاسیس بانک‌های خارجی و مؤسسات اعتباری غیر بانکی خارجی را با تصویب مجلس امکان پذیر دانسته است. بند ۳ همین ماده هر بانکی را که بیش از ۴۰٪ سرمایه آن متعلق به اشخاص حقیقی اتباع خارج یا اشخاص حقوقی خارجی باشد بانک خارجی محسوب می‌دارد که باید تحت عنوان بانک خارجی به ثبت رسد. همچنین ماده ۳۵ قانون بیمه کشور واگذاری مؤسسات بیمه ایرانی غیر دولتی به اشخاص حقیقی یا حقوقی تبعه خارج تا ۲۰٪ با موافقت بیمه مرکزی ایران را مجاز دانسته و بیش از آن را موکول به پیشنهاد بیمه مرکزی و تأیید شورای عالی بیمه و تصویب هیئت وزیران نموده است. ماده ۴۵ قانون بیمه نیز اعلام می‌دارد که شروع فعالیت بیمه خارجی در ایران موکول به پیشنهاد بیمه مرکزی ایران و تأیید شورای عالی بیمه و تصویب هیات وزیران است. ماده ۴۷ بیمه نیز انتقال درآمد مؤسسات بیمه

خارجی را پس از تکمیل ودیعه موضوع ماده ۴۶ بیمه، بلامانع می‌داند البته مشروط بر آنکه در هر سال از ۱۰٪ مبلغی که به عنوان ودیعه در نزد بیمه مرکزی است تجاوز ننماید.

اصل ۴ قانون اساسی الزام می‌نماید که کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر آن باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر سایر اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص آن به عهده شورای نگهبان است گذارده شده است. بند ۴ از ماده ۱۶ موافقتنامه تاسیس سازمان تجارت جهانی هر عضو ملزم به تطبیق قوانین و آئین‌نامه‌های اداری کشور خود با تعهداتش در گات می‌نماید و ماده ۲۳ موافقتنامه جنبه‌های مرتبط با حقوق مالکیت معنوی در برگیرنده حمایت‌های تجاری برای علائم جغرافیایی مشروبات الکلی است. ماده ۲۰ گات ۱۹۴۷ موارد استثناء را بیان می‌کند که امکان تعدیل در اتخاذ سیاست‌های تجاری، تطبیق آن را با شرایط فرهنگی و ارزشی و دینی خاص کشور میسر می‌نماید. در بند الف ماده ۲۰ به اقدامات تجاری در جهت حراست اخلاقی اشاره می‌کند. با توجه به اینکه می‌توان ورود مشروبات الکلی را قانوناً ممنوع نمود تخلفی با حمایت‌های در نظر گرفته شده فوق بوجود نمی‌آید.

مقررات صادرات و واردات

رژیم تجاری ایران طی دهه گذشته شاهد تحولات عمده‌ای بود. قانون مقررات صادرات و واردات کاملاً تغییر کرد، مالیات‌های وارداتی یک کاسه شد و گرایش سیاست‌های تجاری به سمت آزادسازی بود. بعلاوه نرخهای متنوع ارز که از جمله موانع عمده صادرات بشمار می‌آید یکسان گردید. یارانه‌های بسیاری تغییر کردند ولی هنوز نیاز به اصلاحات بسیاری در این بخش است. برای بررسی تطبیقی قوانین تجاری ایران با توافقنامه‌های سازمان تجارت جهانی ملاحظه اصول کلی اصل عدم تبعیض و اصل دولت کامله الوداد (MFN) و کاهش تعرفه‌های گمرکی و تبدیل موانع غیرتعرفه‌ای به تعرفه و ممنوعیت استفاده از محدودیت‌های کمی از اهمیت خاصی برخوردارند.^۱

^۱ موارد زیر مطرح در قانون برنامه چهارم در این ارتباط می‌باشند:

به منظور نوسازی و روان‌سازی تجارت، افزایش سهم کشور در تجارت بین‌الملل، توسعه صادرات کالاهای غیرنفتی و خدمات، تقویت توان رقابتی محصولات صادراتی کشور در بازارهای بین‌المللی و به‌منظور گسترش کاربرد فناوری ارتباطات و اطلاعات در اقتصاد، بازرگانی و تجارت در قالب سند ملی بازرگانی کشور، دولت مکلف است:

الف: با تجهیز مبادی و مجاری ورودی کشور، نسبت به توسعه ترانزیت و عبور مطمئن، آزاد و سریع کلیه کالاها و خدمات با نرخ رقابتی اقدام نماید.

ب: نسبت به هدفمندسازی و ساماندهی یارانه‌ها و جوایز صادراتی در قالب حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم اقدام نماید.

ج: نسبت به افزایش سرمایه صندوق ضمانت صادرات ایران و نیز تأمین مابه‌التفاوت نرخهای اعتباری و گسترش پوشش بیمه‌ای در کشورهای هدف برای صادرات کالا و خدمات به ویژه خدمات فنی و مهندسی اقدام نماید.

د: برقراری هرگونه مالیات و عوارض برای صادرات کالاهای غیرنفتی و خدمات درطول برنامه ممنوع می‌باشد. دولت مجاز است به منظور صیانت از منابع و استفاده بهینه از آنها، عوارض ویژه‌ای را برای صادرات مواد اولیه فرآوری نشده وضع و دریافت نماید. تشخیص این قبیل مواد بر عهده شورای عالی صادرات خواهد بود. میزان عوارض به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های بازرگانی، امور اقتصادی و دارایی، صنایع و معادن و جهاد کشاورزی و تصویب هیئت وزیران تعیین و تصویب خواهد شد.

تبصره- صادرات کالا و خدمات از اخذ هرگونه مجوز به استثنای استانداردهای اجباری و گواهی‌های مرسوم در تجارت بین‌الملل (مورد درخواست خریداران) معاف می‌باشند.

ه: توازن تجاری با کشورهای طرف همکاری و بلوکهای اقتصادی ایجاد نماید، طوری که سهم صادرات غیر نفتی از کل صادرات کشور از بیست و سه و یک دهم درصد (۲۳/۱٪) در سال ۱۳۸۲ به سی و سه و شش دهم درصد (۳۳/۶٪) در سال ۱۳۸۸ افزایش یابد.

و: بازارچه‌ها و مبادلات مرزی را از طریق اصلاح نظام اجرایی، معیارهای تشکیل و رویه‌های اداری ساماندهی نماید.

ز: نسبت به حذف کلیه موانع غیرتعرفه‌ای و غیر فنی با رعایت موازین شرعی و وضع نرخهای معادل تعرفه‌ای با زمانبندی معین و در قالب پیش‌آگهی حداکثر تا پایان سال اول برنامه اقدام نماید.

ح: تدابیر و اقدامات مؤثر حفاظتی، جبرانی و ضد دامپینگ در مواردی که کالایی با شرایط غیر متعارف و با امتیاز قابل توجه به کشور وارد می‌شود را اتخاذ و اعمال نماید.

ط: با تجهیز دستگاه‌ها و واحدهای مربوطه و با رعایت استانداردها و چارچوب نظام بازرگانی و تجارت الکترونیکی، اقدامات لازم را توسط دستگاه‌های یاد شده به شرح زیر انجام دهد:

۱- به روز نمودن پایگاه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی و ارائه خدمات دستگاه مربوطه در محیط رایانه‌ای و شبکه‌ای

۲- انجام مناقصه‌ها، مزایده‌ها و مسابقه‌های خرید و فروش کالا و خدمات و عملیات مالی - اعتباری در محیط رایانه‌ای و شبکه‌های اطلاع‌رسانی

۳- ایجاد بازارهای مجازی

۴- انجام فعالیتهای تدارکاتی و معاملاتی در قالب تجارت الکترونیکی از سال دوم برنامه

تبصره- قوه قضائیه موظف است شعبه یا شعبی از دادگاه‌ها را برای بررسی جرایم الکترونیکی و نیز جرائم مربوط به تجارت الکترونیکی و تجارت سیار، اختصاص دهد.

ی: از طریق وزارت بازرگانی نسبت به راه‌اندازی دفاتر، شعب و یا نمایندگی‌های سازمان توسعه تجارت در کشورهای هدف با اخذ مصوبه از هیئت وزیران اقدام نماید.

تبصره- کلیه بنگاه‌های تجاری و شبکه‌های توزیع موظف‌اند استانداردهای ابلاغی از سوی وزارت بازرگانی را در جهت نوین‌سازی شبکه‌های توزیع کشور و پیوستن به سازمان تجارت جهانی رعایت نمایند.

ک: برقراری هماهنگی میان سیاستهای مالی و پولی با سیاستهای استراتژیک تجاری

ل: دولت مکلف است به منظور هم‌پیوندی فعال با اقتصاد جهانی و رونق بخشیدن به تجارت خارجی، قانون مقررات صادرات و واردات، قانون امور گمرکی و قانون مناطق آزاد تجاری و صنعتی را بازنگری و اصلاح و مقررات ضددامپینگ را تدوین نموده و به تصویب مرجع ذی‌ربط برساند.

ماده ۳۴

دولت موظف است، به منظور تسهیل تجارت و حمل و نقل، استقرار صنایع دریایی، گسترش گردشگری، کمک به بهره‌برداری پایدار منابع شیلاتی و استفاده بهینه از این مناطق، برای توسعه فعالیتهای تولیدی و خدمات دریایی، با حفظ امور سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و نظارت برای خود، ضمن واگذاری رقابتی امور تصدی به بخشهای غیر دولتی در مناطق ساحلی و دریاها، با انجام مطالعات تطبیقی در قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌ها، اساسنامه‌ها و شرح وظایف دستگاه‌های اجرایی مرتبط با فعالیتهای دریایی، لوایح مورد نیاز برای توسعه فعالیتهای دریایی را با اصلاح قوانین مرتبط و حذف وظایف موازی، مشابه و متضاد و تجمیع وظایف همگن و متجانس هر یک از دستگاه‌ها، تفکیک کامل وظایف دستگاه‌ها، برای اعمال حاکمیت و بر اساس محورهای زیر تهیه و برای تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه نماید:

الف: یکسان‌سازی تعاریف و اصطلاحات قانونی (با ملاحظه تعاریف و اصطلاحات بین‌المللی) کنوانسیونهای بین‌المللی که ایران عضو آنها است.

ب: برقراری امنیت و تأمین نظم، تعیین مقررات حقوقی و رویه‌های قضایی

ج: انجام کلیه امور تجاری، از طریق بنادر و اسکله‌های تجاری و گمرکات رسمی

د: ایمنی در دریا، بیمه‌های دریایی و امداد و نجات در دریا

ه: حفاظت از محیط زیست و تعیین حریمها و پهنه‌بندی نواحی ساحلی و آبهای داخلی و بین‌المللی
 و: بهره‌برداری پایدار از نواحی ساحلی، دریایی، حمایت از ناوگانهای جمهوری اسلامی ایران بر اساس قواعد بین‌المللی و حمایت از سرمایه‌گذاری‌ها در فعالیتهای اقتصادی، نظیر: حمل و نقل دریایی، منابع تجدیدناپذیر دریایی (نفت و گاز، معادن و...)، منابع تجدیدپذیر دریایی (آبزیان و...)، گردشگری دریایی، خدمات پشتیبانی و صنعتی دریایی

ز: آموزشهای علمی، مهندسی، مدیریت، حقوقی و مهارتهای تخصصی دریایی و دریانوردی
 ح: تحقیقات دریایی، ثبت پایش اطلاعات اقیانوس‌شناسی و فناوری اطلاعات و ارتباطات دریایی
 ط: حمایت از ناوگان ملی بر اساس قواعد بین‌المللی
 ی: فراهم کردن امکانات و زیرساختهای لازم برای گسترش فعالیتهای ماهیگیری، از جمله: توسعه، تجهیز، نگهداری و بهسازی بنادر صیادی
 ک: سازماندهی و تجهیز مراکز تخلیه صید کوچک و ارتقای بهره‌وری بنادر ماهیگیری با رویکرد بهبود کیفیت، افزایش ارزش افزوده صید و گسترش مشارکت بخش غیردولتی

ماده ۳۵

دولت مکلف است به منظور اعمال مدیریت واحد و ایجاد رشد اقتصادی مناسب در مناطق آزاد اقدامات زیر را انجام دهد:

الف: مدیریت سازمانهای مناطق آزاد به نمایندگی از طرف دولت، بالاترین مقام اجرایی منطقه محسوب شده و کلیه دستگاههای اجرایی مستقر در مناطق آزاد به استثنای دستگاههای نهادی دفاعی و امنیتی مکلف هستند ضمن رعایت ماده (۲۷) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری صنعتی مصوب ۱۳۷۲/۶/۷ نسبت به اصلاح و رفع مغایرتهای مقرراتی خود با مقررات مناطق آزاد اقدام نمایند.

ب: وزارتخانه‌ها، سازمانها، مؤسسه‌ها و شرکتهای دولتی و وابسته به دولت در حیطه وظایف قانونی ضمن هماهنگی با سازمانهای مناطق آزاد، خدمات از قبیل برق، آب، مخابرات، سوخت و سایر خدمات را با نرخهای مصوب جاری در همان منطقه جغرافیایی از کشور به مناطق آزاد ارائه خواهند نمود.

ج: کالاهای تولید یا پردازش شده در مناطق آزاد هنگام ورود به سایر نقاط کشور به میزان مجموع ارزش افزوده و ارزش مواد اولیه داخلی و قطعات داخلی به کار رفته در آن مجاز و تولید داخلی محسوب و از پرداخت حقوق ورودی معاف خواهد بود.

تبصره- مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای خارجی به کار رفته در تولید مشروط به پرداخت حقوق ورودی در حکم مواد اولیه و کالای داخلی محسوب می‌شود.

د: حقوق، عوارض و هزینه‌های بندری که طبق قوانین جاری از کشتی‌ها و شناورها بابت خدمات بندری دریافت می‌شود در صورتیکه این بنادر و لنگرگاه‌ها توسط بخش خصوصی و تعاونی و یا مناطق آزاد ایجاد شده باشند

توسط سازمان مناطق آزاد مربوطه اخذ می‌گردد.

مناطق آزاد مجازند نسبت به ثبت و ترخیص کشتی‌های بین‌المللی اقدام نمایند.

ه: محدوده آبی مناطق آزاد که قلمرو آن با رعایت مسائل امنیتی و دفاعی با پیشنهاد هیئت وزیران به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید از امتیازات قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲/۶/۷ و اصلاحات بعدی آن برخوردار خواهد بود.

و: مبادلات کالا بین مناطق آزاد و خارج از کشور و نیز سایر مناطق آزاد از کلیه حقوق ورودی، عوارض [به استثنای عوارض موضوع ماده (۱۰) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲/۶/۷] و مالیات معاف می‌باشند.

ز: در زمینه گسترش ارتباطات علمی با مراکز و نهادهای آموزشی و تحقیقاتی معتبر بین‌المللی وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در چارچوب ضوابط و مقررات قانونی و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی نسبت به صدور مجوز جهت ایجاد دانشگاه‌های خصوصی در مناطق آزاد تجاری - صنعتی اقدام نمایند.

ماده ۳۶

مواد (۱۱۴)، (۱۱۷) و تبصره ۲ ماده (۸۶) "قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن" برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد.

ماده ۱۱۴ برنامه سوم

تنظیم بازار داخلی موجب ممنوعیت صدور نمی‌گردد و صدور کلیه کالاها و خدمات، به جز موارد ذیل مجاز خواهد بود:

الف: اشیاء عتیقه و میراث فرهنگی.

ب: اقلام دامی یا نباتی که جنبه حفظ ذخایر ژنتیک و یا حفاظت محیط زیست داشته باشند.

ج: صادرات کالاهائی که دولت برای تأمین آنها مستقیماً پارانه پرداخت می‌کند با پیشنهاد دستگاه مربوطه و تصویب شورای اقتصاد مجاز می‌باشد.

تبصره- به منظور تنظیم بازار داخلی و جبران کمبود احتمالی، وزارت بازرگانی مجاز است در مواردی که تشخیص می‌دهد از طریق واردات بدون انتقال ارز نسبت به جبران نیازهای داخلی اقدام نماید.

ماده ۱۱۷ برنامه سوم

به منظور تنظیم خط‌مشی‌های صادرات کشور و تعیین کمکها و تسهیلات قابل ارائه به بخش صادرات و رفع مشکلات و موانع آن و اجرای سیاستهای مصوب برنامه سوم، شورای عالی توسعه صادرات غیر نفتی به ریاست رئیس جمهور یا معاون اول وی و عضویت وزیران بازرگانی، صنایع، معادن و فلزات، تعاون، امور خارجه، نفت، امور اقتصادی و دارایی، کشاورزی، جهاد سازندگی و رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و مدیر عامل بانک توسعه صادرات و رؤسای مرکز توسعه صادرات ایران، گمرک جمهوری اسلامی ایران، اتاق

بر اساس ماده ۲ مقررات صادرات و واردات ایران، کالاهای وارداتی و صادراتی به سه گروه مجاز، مشروط و ممنوع تقسیم می‌گردد.^۱ ماده ۱۶ گات دسترسی به بازار کالاها را برای اعضاء در چارچوب موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی مجاز می‌داند. ماده ۱۱ گات طرف‌های متعاقد را از وضع محدودیت مقداری برای ورود کالا به کشور خود بر حذر

بازرگانی، صنایع و معادن ایران و اتاق تعاون تشکیل می‌شود. دبیرخانه شورای مزبور در وزارت بازرگانی مستقر بوده و پیشنهادهای این شورا پس از تصویب هیئت وزیران در حدود قوانین مربوط در ارتباط با ایجاد تسهیلات صادراتی برای کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکتهای دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی و همچنین اشخاص خصوصی اعم از حقوقی و حقیقی لازم‌الاجرا خواهد بود. سه نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از کمیسیونهای اقتصادی و برنامه و بودجه و محاسبات به عنوان ناظر در جلسات شورای عالی توسعه صادرات غیر نفتی شرکت می‌نمایند. دبیرخانه شورای مذکور موظف است گزارش عملکرد شورا را هر سه ماه یکبار به کمیسیونهای مذکور ارسال نماید.

کمیته توسعه صادرات استان به ریاست استاندار و عضویت مدیران کل بازرگانی، گمرک، سازمان برنامه و بودجه و ادارات کل ذی‌ربط حسب مورد و مدیر عامل بانک صادرات استان تشکیل می‌شود. وظایف دبیرخانه کمیته توسعه صادرات استان بر عهده اداره کل بازرگانی استان خواهد بود.

تبصره ۲- ماده ۸۶

تبصره ۲- وزارت بازرگانی مسئول تنظیم تراز تجاری کشور خواهد بود و کلیه وزارتخانه‌ها موظف‌اند در تهیه برنامه‌های عملیاتی و تقسیم اهداف کمی و کیفی، تنظیم و تفوق تراز تجاری کشور همکاری لازم با وزارت بازرگانی به عمل آورند.

^۱ ماده ۲ - کالاهای صادراتی و وارداتی به سه گروه زیر تقسیم می‌شوند:

- ۱- کالای مجاز: کالایی است که صدور یا ورود آن با رعایت ضوابط نیاز به کسب مجوز ندارد.
 - ۲- کالای مشروط: کالایی است که صدور یا ورود آن با کسب مجوز امکان پذیر است.
 - ۳- کالای ممنوع: کالایی است که صدور یا ورود آن به موجب شرع مقدس اسلام (به اعتبار خرید و فروش یا مصرف) و یا بموجب قانون ممنوع گردد
- تبصره ۱- دولت می‌تواند بنا به مقتضیات و شرایط خاص زمانی با رعایت قوانین مربوطه صدور یا ورود بعضی از کالاها را ممنوع نماید.

تبصره ۲- نوع و مشخصات کالاهای هر یک از موارد سه گانه فوق الذکر براساس آیین‌نامه‌ای که توسط وزارت بازرگانی تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، معین خواهد شد.

<http://www.mfa.gov.ir/cms/cms/paris/fa/EconomicPart/EconomicInformations/ImportExport>

می‌دارد.^۱

ناگفته نماند ماده ۱۲ گات اعلام می‌دارد که هر طرف متعاقد ممکن است مقدار یا ارزش کالاهای مجاز برای ورود را به منظور حفظ وضعیت مالی خارجی و موازنه پرداخت‌های خود، طبق بندهای از این ماده محدود نماید.^۲ برای مثال در مواردی که به منظور رفع خطر فوری یا جلوگیری از سقوط شدید ارزش پولی است و یا ذخایر پولی کشور بسیار اندک است، یا اینکه کشور عضو بخواهد محدودیتهایی در مورد برخی از کالاها در قبال ورود برای کالاهای اساسی تر قائل شود.

در خصوص کاهش تعرفه‌های گمرکی باید گفت که این اصل محور اساسی تعارضات مقررات گات با مقررات تجارت خارجی ایران به شمار نمی‌آید. زیرا عوارض وارداتی ایران که قبلاً شامل حقوق گمرکی، سود بازرگانی، سایر عوارض گمرکی، حق ثبت سفارش و ... بوده ضمن متعدد و پراکنده بودن از موانع واردات محسوب می‌شد، ولی در حال حاضر اصلاحات زیادی بر قانون مقررات واردات و صادرات اعمال شده و بسیاری از مشکلات مربوط به این بخش کاهش یافته است.

تعدد و پراکندگی نرخهای عوارض گمرکی علاوه بر اینکه موانع وارداتی بشمار می‌روند به انحاء موجب اختلال در امر تجارت می‌شوند لذا اصلاحات بعمل آمده در خصوص

^۱ مقررات جاریه صادرات و واردات کشور قبلاً در خصوص حمایت مؤثر از تولید داخلی که در مورد کالاهایی که تولید داخلی آنها به مقدار نیاز کشور نیست و بناچار مقداری از خارج وارد می‌گردد مقرراتی را بیان می‌نمود که باید بنحوی سهم واردات تعیین گردد که حمایت مؤثری از تولید داخلی بعمل آید. ماده ۲۱ مقررات صادرات و واردات کشور مصوب ۱۳۷۲ هیأت وزیران را موظف کرد تا به منظور حمایت از تولیدکنندگان داخلی و تنظیم سیاست بازرگانی کشور، ضمن رعایت حال مصرف کنندگان، تمهیداتی نسبت به تهیه لایحه قانونی حقوق گمرکی کالاهای وارداتی و همچنین اصلاح ماده ۳۷ قانون امور گمرکی بنماید.

^۲ ماده ۳۵ مقررات صادرات و واردات در حمایت گمرکی از طریق افزایش حقوق و عوارض گمرکی از بخش کشاورزی و به دلیل اهمیت خودکفایی در این بخش و مکانیزه شدن آن و همچنین اولویت ساختن ماشین آلات و تجهیزات کشاورزی در داخل معافیت گمرکی این قبیل کالاها را شامل حذف تدریجی قرار می‌داد که می‌توانست در مراحل بعدی در تعارض نسبی با موافقتنامه‌های گات قرار گیرد.

ادغام تمامی این عوارض و هزینه‌ها در قالب حقوق ورودی^۱ قدم مهمی در جهت سازگاری با مقررات گات مبنی بر وضوح و شفافیت مالیاتها و موانع وارداتی بوده است.

نرخ تعرفه در خصوص تک تک کالاها می‌تواند مورد مذاکره قرار گیرد و چنانچه توجیه منطقی و اقتصادی قابل قبولی ارائه شود می‌توان نرخ تعرفه معینی را برای حمایت از صنعتی خاص حفظ کرد اما افزایش بعدی منوط به موافقت دیگر اعضای سازمان خواهد بود. با توجه به اینکه نرخهای حقوق ورودی در قالب نظام تک نرخی ارزش کاهش‌های قابل توجهی یافته‌اند، قطعاً موضوع سطح نرخها مشکلی را در راه عضویت در سازمان تجارت جهانی ایجاد نخواهد کرد و امروزه ایران از لحاظ سطح نرخهای تعرفه گمرکی در میان کشورهای در حال توسعه ارقام بالایی را ندارد و به احتمال زیاد در دوره‌های مذاکرات با سازمان تجارت جهانی و اعضا آن نرخهای پایین‌تری به صنایع ایران تحمیل نخواهد شد.

موانع غیرتعرفه‌ای نیز با اعمال شفافیت‌های بسیاری کاهش یافته‌اند و می‌توان با تبدیل باقی آنها به تعرفه این مسئله را نیز تا حد زیادی برطرف نمود. کاهش نرخهای تعرفه از مسائل مطرح در این بخش هستند که به هر حال کشورهای در حال توسعه در این زمینه می‌توانند بسته به کیفیت مذاکرات از امتیازات زیاد و زمان بیشتری برای تغییر نرخهای تعرفه برخوردار باشند. بطور کلی عوارض وارداتی ایران به سبب جنبه‌های حمایتی و مالی آنها حائز اهمیت می‌باشند. عوارض بازرگانی که نوعی مالیات غیرمستقیم به شمار می‌روند در نظام بازرگانی خارجی ایران هم از نقطه نظر حمایت از صنایع و نیز ممانعت از ورود و مصرف کالاها و هم بعلت کسب درآمد برای دولت واجد اهمیتند. طبق مقررات گات، تعرفه‌های گمرکی تنها ابزار

^۱ حقوق پایه، طبق ماده (۲) قانون (موسوم به قانون تجمیع عوارض مصوب ۱۳۸۱/۱۱/۲) اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، حقوق گمرکی، مالیات، حق ثبت سفارش کالا، انواع عوارض و سایر وجوه دریافتی از کالاهای وارداتی تجمیع گردیده است و معادل ۴٪ ارزش گمرکی کالاها تعیین می‌شود. به مجموع این دریافتی و سود بازرگانی که طبق قوانین مربوطه توسط هیأت وزیران تعیین می‌شود، حقوق ورودی اطلاق می‌شود.

<http://www.tpo.ir/tpo2/final/moghadameh-final/moghadameh-%205.htm>

طبق ماده ۱۵ قانون مقررات صادرات و واردات مصوب ۱۳۷۲ تمامی عوارض و مالیاتهای وارداتی ایران به صورت یک نرخ و تحت عنوان سود بازرگانی خواهند بود.

قانونی حمایت از صنایع محسوب می‌شوند. اما دولت این حمایتها را نه تنها از طریق عوارض گمرکی بلکه بیشتر بواسطه اعطاء سوبسیدهای مستقیم و غیرمستقیم، و وضع اولویتهای ترجیحی در تخصیص ارز به بخش‌های مهمتر اعمال می‌دارد. بطور کلی در نظام تجاری ایران علاوه بر حقوق ورودی که از طرف گات به عنوان تعرفه‌های گمرکی پذیرفته شده است از موانع غیرتعرفه‌ای که مورد پذیرش آن سازمان نیست به میزان قابل توجهی استفاده می‌شود. بطور کلی صنایع و تولیدات داخلی کشور، از طرق مختلف مورد حمایت قرار می‌گیرند که در همین بخش به آن خواهیم پرداخت. همچنین در جهت توسعه صادرات کالاهای غیر نفتی قانون مقررات صادرات و واردات تسهیلات و امکاناتی را برای صادرکنندگان تحت پوشش مواد ۱۹ و ۲ و ۲۵ عنوان نموده است.

از جمله جنبه‌های حمایتی در قوانین جاری کشور در ارتباط با سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولید کنندگان^۱ است. بر این اساس سازمان حمایت از مصرف کنندگان و

^۱ سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولید کنندگان از ادغام مرکز بررسی قیمت‌ها و سازمان حمایت تولید کنندگان و مصرف کنندگان سابق در سال ۱۳۵۸ تشکیل و اساسنامه آن به تصویب شورای انقلاب رسید. به موجب ماده ۳ اساسنامه، سازمان دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی می‌باشد و به صورت شرکت سهامی اداره می‌شود و وابسته به وزارت بازرگانی است.

همچنین بر اساس مصوبه شماره ۱۹۰۱/۸۵۰۸۱ مورخ ۱۳۸۴/۵/۱۲ شورای عالی اداری کلیه وظایف و اختیارات سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات موضوع تصویب نامه شماره ۷۳۵۲۰۲/م مورخ ۱۳۸۳/۷/۲۰ و آیین نامه اجرایی شماره ۴۰۷۳۱ مورخ ۱۳۸۳/۸/۲ ستاد پشتیبانی تنظیم بازار که باقوانین ومقررات موجود مطابقت دارد، به سازمان حمایت محول گردید.

اهداف سازمان

- حمایت از تولیدات داخلی و افزایش آن
- حمایت از مصرف کنندگان در قبال نوسانات غیر معمول قیمت‌ها
- انجام تحقیقات و ارائه طرحهای ضروری در جهت متعادل ساختن قیمت‌های وارداتی و تولیدی
- تشویق صادرات از طریق همکاری با سازمانهای ذیربط
- بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالاهای تولیدی و وارداتی و خدمات مشمول در تمام بخشها اعم از دولتی، تعاونی، خصوصی و نهادها
- اعمال نظارت بر اجرای قیمت‌ها و رسیدگی به تخلفات بر اساس قانون تعزیرات

- تدوین و اجرای روشهای کارآمد بازرسی و نظارت و اجرای طرحهای ویژه نظارتی
- نظارت بر شبکه های توزیع کالاها و خدمات و مبارزه با عرضه و توزیع کالاهای قاچاق به عنوان دستگاه کاشف

اهم فعالیتها

برخی از مهمترین فعالیتهای سازمان به شرح زیر است:

فعاليتها در حوزه حمايتي

- حمايت از توليد و فرآورده های داخلی و عرضه خدمات متناسب در جهت افزایش آنها.
- حمايت از مصرف کنندگان در قبال نوسانات نامتناسب قیمتهای داخلی و خارجی و کنترل آنها.
- همکاری و تحقیقات لازمه در تشویق صادرات محصولات و فرآورده های داخلی با سازمانهای مربوط و شناسائی امکانات بازارهای خارجی در جذب تولیدات داخلی
- بررسی، تأیید، تعدیل و کنترل قیمت انواع خدمات و محصولات تولیدی اعم از کشاورزی، صنعتی و معدنی و همچنین بررسیهای لازمه در جهت کنترل قیمت کالاهای وارداتی در سطح عمده فروشی و خرده فروشی
- بررسی و محاسبه و کنترل عوامل موثر در قیمت تمام شده کالا و خدمات و سیستمهای مربوط به توزیع تا مرحله مصرف
- تمرکز و نظارت بر کلیه اعتبارات پرداختی مربوط به کالاهای مورد حمایت دولت
- تهیه فهرست کالاهای اساسی مورد نیاز عامه، اعم از تولیدی، صادراتی و وارداتی و تعیین مبلغی که طبق ضوابط قانونی باید دریافت یا پرداخت شود (با تأیید وزیر بازرگانی و تصویب شورای اقتصاد).

فعاليتها در حوزه بازرسی و نظارت:

- بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات مشمول در کلیه بخشها (دولتی، تعاونی، خصوصی و...) اعم از تولیدات و واردات آنها
- اعمال نظارت بر اجرای قیمتها در کلیه موارد از قبیل اعلام قیمتهای مصوب، صدور فاکتور، نصب برجسب فروش
- تدوین و اجرای روشهای کارآمد بازرسی و نظارت متناسب با نوع کالا و خدمات
- نظارت بر شبکه های تولید و شبکه های توزیع کالا و خدمات در واحدهای تولیدی، توزیعی و خدماتی
- نظارت بر حسن اجرای ضوابط و مقررات توزیع کالا و خدمات
- اخذ اطلاعات و آمار از کلیه واحدهای تولیدی، توزیع و وارد کنندگان کالا و خدمات
- دریافت شکایات و بازرسی تخلفات مربوط به قیمت و توزیع کالاهای تولیدی، وارداتی و خدمات
- تعیین اولویت و بازرسی به ویژه در برخورد با متخلفان
- مبارزه با شبکه ها و مراکز عرضه و توزیع کالای قاچاق به عنوان دستگاه کاشف

تولیدکنندگان مکلف است بر اساس مصوبات شورای اقتصاد نسبت به برخی حمایت‌ها و پرداخت سوبسیدها اقدام کند و مابه‌التفاوت دریافتهای سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان مشمول مالیات بر درآمد نمی‌باشد. طبق ماده ۱ موافقتنامه گات درباره سوبسیدها، آمده است که سوبسید عبارت است از کمک مالی دولت یا مؤسسات دولتی که متضمن انتقال مستقیم و جوه مثل برقراری کمک‌های بلاعوض، وام و تزریق سرمایه و یا انتقال تعهدات مثل تضمین وام باشد. بخشیدن مالیات‌ها و عوارض در قالب مشوق‌های مالیاتی و دادن کالا و خدمات دیگری برای امر صادرات از دیگر موارد سوبسید است. طبق این بند تسهیلات مقرر در قوانین ایران از دیدگاه این موافقتنامه باید بررسی شده تا چنانچه از مصادیق سوبسید به حساب می‌آیند اصلاح شوند. ضمیمه ۱ موافقتنامه فوق نیز دربردارنده مواردی از سوبسید است که برقراری آنها بوسیله کشور عضو ممنوع شده است که مهمترین آن به شرح ذیل می‌باشد:

§ برقراری حمل و نقل داخلی با شرایط مناسب برای کالای صادراتی که شامل موارد استثنائاتی برای کشورهای در حال توسعه نیز می‌باشد.

§ اعطای وام و اعتبارات با نرخ‌های پائین‌تر از معمول صرفاً به امر صادرات

§ اعطای معافیت‌ها، بخشودگی یا اجازه تعویق پرداخت مالیاتی به کالاهای صادراتی

البته ناگفته نماند که طبق ماده ۲۷ موافقتنامه راجع به سوبسیدها کشورهای در حال توسعه دارای یک فرصت هشت ساله برای کاهش تدریجی سوبسیدها پس از پذیرفته شدن به عضویت سازمان جهانی در نظر گرفته شده بود.

مقررات گمرکی

بر اساس اصل دول کامله الوداد کشوری که به سازمان تجارت جهانی ملحق می‌شود باید با تمامی اعضاء روابط بازرگانی یکنواخت و بدون تبعیض برقرار نماید. این اصل (ماده ۱ موافقتنامه عمومی) مغایرتی با قوانین و مقررات تجاری ایران نداشته بلکه حتی با ماده ۶ قانون گمرکی کشور مصوب ۱۳۵۰ نیز هماهنگی دارد. بر اساس ماده ۶ قانون امور گمرکی، هرگاه ضمن موافقتنامه‌های بازرگانی با دولت یا کشورهای بیگانه برای کالای معینی، حقوق گمرکی

• انجام بازرسی، تنظیم گزارش تخلفات و اعلام آن به سازمان تعزیرات جهت اقدامات بعدی

به مأخذی غیر از آنچه که در جدول تعرفه ضمیمه قانون مقرر است معین بشود، مادام که موافقتنامه‌های مزبور بقوت خود باقی هستند حقوق گمرکی آن کالا مطابق مأخذ تعیین شده در موافقتنامه‌ها و بارعایت شرایط مقرر در آنها دریافت می‌گردد، مگر اینکه در تعرفه ضمیمه این قانون حقوق گمرکی کمتری به آن تعلق گیرد یا از حقوق گمرکی بخشوده شده باشد. بطور مثال چنانچه ایران کاهش تعرفه گمرکی در مورد کالا یا کالاهای خاصی را در رابطه با کشور معینی پذیرفت، باید این امتیاز را بدون قید و شرط به سایر کشورهای عضو نیز اعطاء نماید. گرچه طبق ماده ۳۵ موافقتنامه عمومی، طرفهای متعاقد می‌توانند از اعطای امتیازات تعرفه‌ای به کشورهایی که با آنها مذاکرات تعرفه‌ای نداشته‌اند خودداری نمایند.

مواد ۵ و ۷ و ۸ که در خصوص آزادی ترانزیت، شرایط ورود و صدور کالا و شیوه‌های مد نظر در ارزیابی گمرکی است و در برخی موارد با مواد ۱۷۲ و ۱۹۲ آئیننامه ارزیابی گمرکی کشور کاملاً منطبق نیست. برای مثال در ماده ۵ گات هیچگونه تمایزی بر مبنای پرچم کشتی، مبدا و ورود و خروج یا مقصد بر مبنای شرایط مربوط به مالکیت کالای کشتی یا دیگر وسایل حمل و نقل نشده است. در حالی که این موضوع در قوانین ایران در رابطه با برخی از کشورها ممنوع شده است. ضمناً مواد ۵ و ۶ و ۷ قانون گمرکی کشور به صراحت حمایت‌های تعرفه‌ای و محدودیتهای خاصی در ارتباط با نوع کالاهای وارده و وضع عوارض خاص در خصوص برخی اقلام وارداتی برحسب ضرورت و تشخیص مراجع ذیصلاح را مطرح نموده است که با اصول ۱ و ۲ گات مبنی بر اتحاد رویه در خصوص وضع محدودیت از طریق نرخ‌های تعرفه در تعارض می‌باشد.

مقررات ارزی

از نظر مقررات گات، سهمیه بندی ارزی و تخصیص ارز جهت ورود کالا برحسب اولویتهای خاص و نیز نرخهای ارز ترجیحی نیز نوعی محدودیت به شمار می‌رود. حمایت از صنایع و تولیدات داخلی به کمک ابزارهای غیرتعرفه‌ای نظیر سهمیه بندی ارزی و گران کردن واردات در مقابل محصولات مشابه داخلی با تخصیص ارز به بخشهای اولویت دار و صدور محصولات داخلی به صورت دامپینگ در قالب سیاستهای تشویق صادرات و یا حمایت از

شرکتهای داخلی در تجارت خارجی با فروختن ارز ارزان قیمت به آنها از مواردی است که در ایران کم و بیش وجود داشته و برخی از آنها نیز در حال حاضر متداول هستند ولی از سال ۱۳۸۱ با اجرای سیاست یکسان سازی ارز بسیاری از معضلات مربوط به این موانع برطرف یا حداقل کم شده است.

یکی دیگر از جنبه‌های ممنوعیت استفاده از محدودیت‌های کمی در چارچوب مقررات گات، ممنوعیت اعطاء سوبسید صادراتی است که با مقررات و سیاستهای تشویق صادرات در کشورما در دهه ۱۳۷۰ مغایر بود. چرا که صادرکنندگان از نرخهای ارز ترجیحی برای ورود اقلام مورد نیاز استفاده می‌کردند و بعضاً کالای صادراتی خود را با نرخ شناور می‌فروختند اما این روند با موضوع یکسان سازی نرخ ارز در سال ۱۳۸۱ متوقف شد و مغایرت میان توافقنامه عمومی تعرفه و تجارت با قوانین ارزی و تجاری ایران از این لحاظ برطرف گردید ولی سهمیه‌بندی ارزی هنوز موضوعی قابل طرح است هرچند افزایش درآمد ارزی در سالهای اخیر اهمیت این موضوع را نقصان داده است.

قوانین مالیاتی

ماده ۳ موافقتنامه گات در ارتباط با رفتار ملی در مورد وضع مالیات و مقررات داخلی کشورها را الزام به اتخاذ قوانین و رویه‌های یکسان و مشابه و مطلوب در مورد محصولات وارداتی و تولیدات داخلی می‌نماید. در این ماده بصراحت اعلام شده است که محصولات و تولیدات هر کشور طرف قرارداد گات که وارد سرزمین متعاقد دیگر می‌شود بطور مستقیم و غیر مستقیم مشمول مالیات داخلی و دیگر انواع مالیات و هزینه‌هایی است که در مورد محصولات مشابه داخلی برقرار می‌گردد و مواردی مازاد بر آن نباید در نظر گرفته شود.

برخی مواد قانون مالیات‌های مستقیم نظیر مواد ۱۳۲، ۱۴۱، ۱۴۲ به اشکال گوناگون اقدام به حمایت از تولید کنندگان داخلی در قالب معافیت‌های مالیاتی می‌نماید. البته باید گفت که اصولاً گات حمایت از تولیدات و صنایع داخلی را ممنوع نمی‌کند بلکه طبق مقررات خاصی نظیر ماده ۲ اساسنامه مقرر می‌دارد که چنین حمایت‌هایی باید اساساً از طریق تعرفه‌های گمرکی و نه از طریق موانع غیرتعرفه‌ای صورت گیرد. اهداف عمده این نوع حمایت، ایجاد

شفافیت و وضوح در اجرای سیاست‌های حمایتی و به حداقل رساندن اختلالاتی است که حمایت در تجارت ایجاد می‌کند.

کلیات الزامات ایران در فرایند الحاق

- ایران برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی باید اصلاحات ساختاری متعددی را انجام دهد. از جمله این اصلاحات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
۱. بسترسازی قانونی از طریق بازنگری در برخی قوانین نظیر قوانین اساسی، کار، تجارت، سرمایه‌گذاری خارجی، بیمه، بانکداری، گمرک، مالیات، و ... و تطبیق آنها با قوانین و مقررات سازمان تجارت جهانی.
 ۲. بسترسازی اقتصادی از طریق شناخت پتانسیل در مزیت‌های نسبی بالقوه و بالفعل در بخش‌های عمده اقتصادی و افزایش قدرت رقابت محصولات صادراتی کشور.
 ۳. توانا ساختن بنگاهها در عرضه محصولات با کیفیت برتر و از لحاظ قیمتی قابل رقابت با محصولات مشابه در بازارهای جهانی.
 ۴. ایجاد ظرفیت اضافی برای صادرات کالاهای صنعتی و بالا بردن سهم این قبیل صادرات در کل صادرات غیر نفتی کشور.
 ۵. ایجاد شرایط ثبات سیاسی و اقتصادی برای کشور.
 ۶. ایجاد هماهنگی در سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و تجاری کشور.
 ۷. فراهم ساختن شرایط لازم برای رشد صادرات.
 ۸. اصلاح گمرکات کشور.
 ۹. مشارکت در مذاکرات سازمان تجارت جهانی از طریق مطالعات مستمر و تحقیقات دقیق بازرگانی - حقوقی توسط گروه‌های کاری منسجم و متخصص.
 ۱۰. ارزش قائل شدن برای تخصص‌ها و اصلاح نظام‌های موجود بر اساس محوریت دانش.
 ۱۱. نظام آماری بهنگام و کارا

از اقدامات انجام شده در ارتباط با مسئله فوق تصویب سند فرابخشی زمینه‌سازی الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت از اسناد برنامه چهارم توسعه می‌باشد. در این سند کلیه اقدامات لازم جهت زمینه‌سازی الحاق هدفمند جمهوری اسلامی ایران به سازمان جهانی تجارت که می‌بایست توسط دستگاههای اجرایی و وزارتخانه‌های تولیدی به کار گرفته شود تدوین و ارائه شده است. این سند در جلسه هیأت وزیران مورخ ۸۴/۵/۵ به شرح زیر به تصویب رسیده است^۱:

- رفع موانع سیاسی بین‌المللی قبل از الحاق تا پایان سال ۱۳۸۴ (وزارت امور خارجه)
- کسب حمایت سیاسی دیگر کشورها در حین الحاق (وزارت امور خارجه)
- تداوم سیاست یکسان سازی نرخ ارز (بانک مرکزی)
- ساماندهی نظام تعرفه ای کشور به همراه کاهش تدریجی نرخها تا پایان سال ۱۳۸۶ (وزارت بازرگانی)
- گسترش بازار سرمایه و ایجاد و گسترش بازارهای تخصصی کالا (وزارت امور اقتصادی و دارایی)
- همسو نمودن سیاستها پولی و مالی با قوانین و مقررات سازمان جهانی تجارت (بانک مرکزی - وزارت امور اقتصادی و دارایی)
- تنظیم نظام حقوقی حاکم بر خریدهای خارجی تا پایان سال ۱۳۸۵ (وزارت بازرگانی)
- تنظیم قواعد تجاری مرتبط با سرمایه گذاری خارجی تا پایان سال ۱۳۸۵ (وزارت بازرگانی)
- اصلاح قوانین و مقررات - از جمله قانون امور گمرکی، قانون مناطق آزاد تجاری - صنعتی - (وزارت امور اقتصادی و دارایی)
- تنظیم و تصویب قوانین و مقررات جدید - از جمله قانون و مقررات ضد دامپینگ، قانون صادرات و واردات و قانون ضد انحصار - (وزارت بازرگانی)
- آموزش نیروی انسانی و هسته‌های کارشناسی دستگاه‌های اجرایی در امور مربوط به سازمان جهانی تجارت و تنظیم گزارش رژیم تجاری تا پایان سال ۱۳۸۵ (وزارت بازرگانی)

^۱ - <http://www.irtr.gov.ir/News/NewsView.asp?id=4>

- تأسیس دفتر نمایندگی ایران در سازمان جهانی تجارت در ژنو تا پایان سال ۱۳۸۵ (وزارت بازرگانی)
 - برقراری نظام حق مالکیت معنوی بین‌المللی در ایران
 - کاهش تدریجی یارانه‌ها، ساماندهی یارانه و هدفمند کردن کل یارانه‌ها (وزارت بازرگانی)
 - تعیین وزیر بازرگانی به عنوان نماینده تام‌الاختیار تجاری کشور در مذاکرات الحاق
 - تشکیل ستاد راهبردی الحاق با مسئولیت وزارت بازرگانی و عضویت دستگاه‌های ذیربط
 - لازم الاجرا بودن استانداردها و ضوابط ابلاغ شده توسط وزارت بازرگانی برای بنگاه‌های تولیدی و تجاری
- در ادامه این بخش با بررسی کلیات موافقتنامه‌های دور اروگوئه آنها را با شرایط قوانین و مقررات ایران مقایسه می‌نماییم.

موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت

این موافقتنامه‌ها از اول ژانویه ۱۹۹۵ در قالب سازمان تجارت جهانی، قواعد نظام تجارت چند جانبه را پایه‌ریزی کرد. گات ۱۹۴۷ تکمیل یافته یا گات ۱۹۹۴ به عنوان مهم‌ترین موافقتنامه سازمان تجارت جهانی در مورد اداره امور تجارت کالایی می‌باشد. مواد این موافقتنامه مبین اصول کلی سازمان تجارت جهانی است و چند موافقتنامه و تفاهم‌نامه دیگر نیز برای توضیح این مواد امضا شده‌اند. اهم موضوعات گات ۱۹۹۴ عبارتند از: شرط دولت کامله‌الوداد، شرط رفتار ملی، جداول امتیازات، آزادی ترانزیت، مسائل مربوط به ارزشیابی، عوارض و تشریفات گمرکی، شفافیت مقررات تجاری، حذف محدودیت‌های مقداری و استثنائات آن، حمایت‌های مجاز بر حسب اقتضای شرایط، یارانه‌ها، بنگاه‌های تجاری دولتی، استثنائات، حل و فصل اختلافات، ترتیبات منطقه‌ای و ملاحظات کشورهای در حال توسعه^۱.

الزامات الحاق ایران نسبت به گات

نظر به اینکه ایران هنوز موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت را نپذیرفته است، طبق

^۱ <http://www.irtr.ir/>

پاراگراف پنجم سند نهایی، کشورهایی که جزء طرف‌های متعاقد گات ۱۹۴۷ نمی‌باشند، قبل از پذیرش موافقتنامه تاسیس سازمان جهانی تجارت، ابتدا باید مذاکرات مربوط به پذیرش گات ۱۹۴۷ را به انجام رسانده و بعنوان یک طرف متعاقد پذیرفته شوند لذا ایران برای الحاق به گات باید موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت مصوب ۱۹۴۷ را بپذیرد.

موافقتنامه تاسیس سازمان جهانی تجارت

براساس ماده ۳ این موافقتنامه وظیفه اصلی سازمان تجارت جهانی اجرا و مدیریت موافقتنامه‌های دور اروگوئه و فراهم ساختن مجمعی برای مذاکرات میان اعضاء در خصوص روابط تجاری چندجانبه می‌باشد. در ماده ۴ این موافقتنامه، ساختار تشکیلاتی سازمان تشریح شده است. رکن اصلی این سازمان، کنفرانس وزراء متشکل از نمایندگان کشورهای عضو می‌باشد که حداقل هر دو سال یکبار تشکیل جلسه می‌دهد. شورای عمومی مرکب از نمایندگان کشورهای عضو است که در فواصل بین اجلاس وزراء به انجام وظایف محوله که در این موافقتنامه مقرر گردیده است می‌پردازد. در ماده ۴، تشکیل شورایی برای تجارت کالا، شورایی برای تجارت خدمات و شورایی برای جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت معنوی تحت نظارت شورای عمومی، پیش‌بینی شده است. این شوراها مسئول نظارت بر اجرای موافقتنامه‌های مربوطه می‌باشند و عضویت در این شوراها برای نمایندگان کلیه کشورهای عضو آزاد است. در همین ماده آمده است که کنفرانس وزراء باید یک کمیته تجارت و توسعه، یک کمیته محدودیت‌های تراز پرداخت‌ها و یک کمیته بودجه مالی و اداری ایجاد نمایند. همچنین مقرر شده که کمیته تجارت و توسعه به عنوان بخشی از وظایفش باید بطور ادواری مواد خاص موافقتنامه‌های تجاری چندجانبه را به نفع کشورهای عضو در حال توسعه بررسی نموده و به شورای عمومی گزارش نماید. عضویت در این کمیته‌ها نیز برای تمامی نمایندگان کشورهای عضو آزاد است. در ماده ۶، تاسیس دبیرخانه سازمان که در راس آن دبیرکل قرار دارد پیش‌بینی شده است. کنفرانس وزراء باید دبیرکل را منصوب و حدود اختیارات، وظایف و شرایط تصدی وی را معین نمایند. دبیرکل نیز کارمندان دبیرخانه را انتخاب می‌کند. مسئولیت دبیرکل و کارمندان دبیرخانه

منحصراً ماهیتی بین‌المللی دارد و آنها نباید دستوری از هیچیک از دولت‌ها و هر مقامی خارج از سازمان را بپذیرند. طبق ماده ۱۱، اعضاء اصلی این سازمان همان طرف‌های متعاقد در گات می‌باشند. تصمیم‌گیری برای پذیرش عضو جدید در سازمان، در حیطه اختیارات کنفرانس وزراء با دو سوم آراء کشورهای عضو است.

الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه تأسیس

ایران باید پس از انجام مذاکرات مربوط به پذیرش موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت گات ۱۹۴۷ بعنوان یک طرف متعاقد پذیرفته شود و پس از الحاق به گات ۱۹۴۷، موافقتنامه تأسیس سازمان جهانی تجارت و موافقتنامه‌های پیوست آن را بپذیرد. از طرفی عضویت در سازمان تجارت جهانی مستلزم پذیرش دیگر موافقتنامه‌های مورد نظر یعنی گات ۱۹۹۴ و همینطور دیگر موافقتنامه‌های غیر کالایی و تصمیمات وزیران خواهد بود.

دسترسی به بازار

در مذاکرات دور اروگوئه و در بخش مربوط به دسترسی به بازار از طریق کاهش تعرفه‌ها توافق گردید که کشورهای پیشرفته متوسط موزون تعرفه‌های وارداتی خود را بااستثنای مواد سوختی طی یک دوره پنج ساله با ۳۸ درصد کاهش از ۶/۳ درصد به ۳/۹ درصد برسانند. البته برحسب گروه‌های کالایی، این کاهش تعرفه‌ها یکسان و متوازن صورت نگرفته. بطور مثال بالاترین کاهش بین ۴۰ تا ۷۰ درصد مربوط به بخش‌هایی می‌شد که در حال حاضر نیز تعرفه‌های متعادلی دارند. نظیر چوب، کاغذ، خمیر کاغذ، اثاثیه، فلزات و ماشین‌آلات غیر برقی. در حالیکه کاهش‌های بین ۲۰ تا ۲۵ درصد مربوط به بخش‌هایی بود که با مشکلات تعدیل ساختاری مواجه بودند و سطوح حمایت از آنها نیز بالا بود، نظیر منسوجات و پوشاک، تجهیزات حمل و نقل، چرم، کفش، لاستیک و کالاهای سفری. علاوه بر این، واردات مشمول تعرفه صفر از ۲۰ درصد به ۴۳ درصد افزایش یافت که البته در بین گروه‌های کالایی متوازن نمی‌باشد. افزایش سهم واردات معاف از تعرفه در مورد محصولات نظیر ماشین‌آلات، فلزات، فرآورده‌های معدنی، چوب، کاغذ، خمیر کاغذ، اثاثیه و فرآورده‌های شیمیایی بیشتر و در مقابل سهم واردات محصولات نظیر منسوجات و پوشاک و چرم کمتر خواهد بود. سهم واردات

مشمول تعرفه‌های بالا (بیش از ۱۵ درصد) به بازار کشورهای پیشرفته نیز از ۷ درصد به ۵ درصد تنزل کرد. همه این موارد مربوط به گذشته است و مذاکرات برای کاهش نرخ‌ها در بخش‌های مختلف همچنان ادامه دارد.

در مورد کشورهای در حال توسعه درصد کاهش معینی در متوسط موزون تعرفه‌های وارداتی همچون کشورهای پیشرفته اعمال نخواهد شد، بلکه هر کشور متناسب با سیاست‌های آزاد سازی تجاری درصد کاهش مشخصی را در مورد متوسط نرخ تعرفه کالاهای صنعتی وارداتی خود متعهد می‌گردد. کشورهای در حال توسعه پذیرفتند که تمام یا بخش قابل توجهی از ردیف‌های تعرفه‌ای خود را با نرخ‌های تعرفه ثابتی محدود و لازم‌الاجرا (Binding) تثبیت نمایند که بطور متوسط سهم واردات کالاهای صنعتی این کشورها - با تعرفه ثابت - از ۱۴ درصد به ۵۹ درصد افزایش یابد. در این میان برخی از کشورهای در حال توسعه نظیر آرژانتین، برزیل، کلمبیا، جامائیکا و اروگوئه پذیرفتند که ۱۰۰ درصد واردات صنعتی خود را مشمول نرخ‌های تعرفه‌ای ثابت و لازم‌الاجرا قرار دهند. کشورهای اروپای شرقی عضو گات نیز موافقت کردند که به جای ۷۴ درصد، ۹۶ درصد واردات محصولات صنعتی خود را طی یک دوره پنج ساله مشمول تعرفه‌های ثابت تثبیت شده و لازم‌الاجرا قرار دهند.

الزامات الحاق ایران در رابطه با دسترسی به بازار

یکی از تبعات مهم عضویت کشورها و منجمله ایران در سازمان تجارت جهانی کاهش تعرفه‌های گمرکی است که از نتایج اعمال این موافقتنامه می‌باشد. اثر این کاهش بر وضعیت رقابتی صنایع، اشتغال، تخصیص منابع، بودجه دولت و غیره موضوعی است که در صورت عضویت در سازمان جهانی تجارت و قرار گرفتن در شرایط رقابت بین‌المللی از اهمیت بسزائی برخوردار خواهد شد.

موافقتنامه کشاورزی

در دور اروگوئه، کشاورزی تحت شمول قواعد عمومی تجارت سازمان تجارت جهانی قرار گرفت. موافقتنامه کشاورزی حول سه محور اصلی زیر می‌باشد.

۱. دسترسی به بازار: لغو موانع غیر تعرفه‌ای و تبدیل آنها به تعرفه و حفظ دسترسی جاری و

برقراری حداقل دسترسی و کاهش نرخهای تعرفه کالاهای کشاورزی از جمله توافقیها می‌باشد.

۲. حمایت داخلی: حمایت‌های سبز که مجاز شمرده می‌شوند. حمایت‌های کاهش یابنده موسوم به حمایت‌های زرد باید در بخش کشاورزی هر کشوری محاسبه و در طول زمان کاهش پیدا کنند.

۳. یارانه‌های صادراتی: حمایت‌های یارانه‌ای از صادرات در بخش کشاورزی باید محاسبه و در طول زمان کاهش یابند.

در زمینه کشاورزی بر اساس موافقتنامه مربوطه، یارانه‌ها و حمایت‌های داخلی برای کشورهای در حال توسعه باید به میزان ۱۴ درصد و یارانه‌های صادراتی به میزان ۲۴ درصد کاهش یابند، و تنها حمایت‌هایی که آثار اختلالی بر تجارت یا تولید نداشته باشند از کاهش معاف هستند. به علاوه بر اساس ماده ۱۵ موافقتنامه کشاورزی (رفتار ویژه و متمایز) کشورهای در حال توسعه عضو مجاز شده بودند تعهدات مربوط به کاهش را در دوره‌ای حداکثر ۱۰ ساله به اجرا بگذارند. در حال حاضر این شرایط منوط به مذاکرات است.

در دور دوحه مذاکرات بسیاری در بخش کشاورزی صورت گرفت. کاهش یارانه‌های صادراتی کشاورزی یکی از مباحث مهم این مذاکرات در بخش کشاورزی بود که تا به حال به دلیل عدم توافق کشورهای در حال توسعه مورد موافقت قرار نگرفته است و در حال حاضر در دستور بررسی برای تصمیم‌گیری قرار دارد. موافقت‌های اولیه در دور دوحه در سال ۲۰۰۴ حاکی اقدامات عمده‌ای در جهت کاهش و حذف یارانه‌های کشاورزی در بین کشورهای متعاقد بوده است.

الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه کشاورزی

سیاست‌های حمایتی خاصی از جمله قیمت‌های تضمینی جهت خرید محصولات اساسی، حفظ و تثبیت حداقل قیمت‌ها، بالا بردن سطح درآمد کشاورزان از طریق اعطای یارانه‌های متعدد مبارزه با آفات و بیماریها، وضع تعرفه‌های گمرکی و سود بازرگانی بر محصولات کشاورزی و وارداتی و غیره در بخش کشاورزی از جمله موارد مهم قابل طرح در این بخش در ارتباط با ایران می‌باشد.

در ایران در زمینه مشوق‌های تولیدی کشاورزی قوانین و مقررات مختلفی به تصویب رسیده که بسیاری از آنان بطور مستقیم تولیدات بخش کشاورزی را حمایت می‌کنند و برخی دیگر بطور غیر مستقیم از طرق مختلف منجر به حمایت بخش کشاورزی می‌شوند. در بخش موافقتنامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی به بسیاری از این مشوق‌ها که بالاخص از طریق حمایت محصولات صنعتی بر این بخش اثر خواهد گذاشت اشاره خواهیم کرد. این مشوق‌ها شامل مشوق‌های صادراتی، مشوق‌های منطقه‌ای، حمایت از تولیدات داخلی، مشوق‌های سرمایه‌گذاری، مشوق‌های مشارکتی، مشوق‌های زیربنایی (فراهم آوردن تسهیلات زیربنایی)، حمایت از اختراعات و ابداعات و سایر مشوق‌ها می‌باشند که اغلب آنها در بخش کشاورزی هم اثر مستقیم و هم غیرمستقیم دارند.

قیمتهای تضمینی محصولات اساسی کشاورزی از حمایت‌های مطرح در این بخش است. یارانه‌های کود و بسیاری از خدمات کشاورزی یارانه‌ای نیز در این بخش وجود دارند که همگام با مصوبات گذشته و جاری سازمان تجارت جهانی در این بخش در فرآیند الحاق باید مدنظر قرار گیرند.

موافقتنامه اقدامات بهداشتی و بهداشت نباتی

هدف این موافقتنامه^۱ ایجاد شرایط لازم برای حمایت و حفاظت از بهداشت انسانها، حیوانات و نباتات است و در صدد اعمال قیودی است که اقدامات مزبور وسیله تبعیض دلخواه یا غیر قابل توجیه میان اعضا را فراهم نیاورد و یا محدودیت پنهان تجاری ایجاد نکند. این موافقتنامه شامل مجموعه‌ای از قواعد و اصولی است که به اعضا اطمینان می‌دهد که اقدامات تجاری بهداشتی اتخاذ شده موجه بوده و در برگیرنده موانع غیرموجه برای تجارت بین‌المللی نیست.

این موافقتنامه کشورهای عضو را وادار به تبعیت از استانداردهای واحدی نمی‌کند، بلکه اجازه می‌دهد کشورها با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و اقلیمی خود استانداردهای مناسبی برای حفاظت از بهداشت و حیات انسان و حیوان و نبات بکار گیرند. اما در عین حال از

¹ http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/whatis_e.htm
<http://www.irtr.ir/wto/multilateral/index.htm>

این کشورها می‌خواهد نسبت به رعایت شفافیت و اطلاع‌رسانی مناسب به اعضا در مورد استانداردها و مقررات فنی خود اقدام نمایند. علاوه بر این از کشورهای عضو درخواست شده برای استانداردهای خود مبنای علمی قابل دفاع در نظر بگیرند.

در واقع سؤال مورد نظر آن است که از کجا می‌توان مطمئن شد که غذاهایی که وارد یک کشور شده و به دست مصرف‌کنندگان می‌رسد از سلامت کافی برخوردار است و از کجا می‌توان مطمئن شد که محدود کردن واردات به بهانه سلامتی مواد غذایی و گیاهی به منظور حمایت از تولیدکنندگان داخلی وضع نشده است. موافقتنامه بهداشت مواد غذایی، حیوانات، گیاهان و استانداردها (SPA, SPS)^۱ قوانین مربوطه را روشن می‌سازد. این موافقتنامه به کشورها اجازه می‌دهد که استانداردهای خود را وضع نمایند اما در عین حال این استانداردها باید علمی باشند و تا حدی وضع شوند که برای سلامت انسان، حیوان و گیاه لازم هستند و نباید بین کشورها تبعیض قائل شوند. کشورهای عضو تشویق شده‌اند که از استانداردهای بین‌المللی استفاده کنند، با این وجود در صورتی که مایل باشند می‌توانند از اقداماتی که استانداردهای بالاتری را تأمین می‌کند استفاده کنند. ماده ۷-۵ از موافقتنامه SPS^۲ اقدامات موقتی احتیاطی^۳ را مجاز می‌داند. همچنین موافقتنامه به کشورها اجازه می‌دهد که از استانداردهای متفاوت و روش‌های مختلف برای بازرسی کالاها استفاده شود. پس چگونه یک کشور می‌تواند مطمئن شود که عملیاتی را که برای محصولاتش بکار می‌برد برای کشور واردکننده قابل قبول باشد؟ در صورتی که یک کشور صادرکننده بتواند نشان دهد که اقداماتی که بکار می‌برد برای صادرات دارای همان سطح و استاندارد قابل قبول سلامتی در کشور واردکننده باشد در این صورت انتظار می‌رود که کشور واردکننده استانداردهای کشور صادرکننده را بپذیرد. دولت‌ها باید هر گونه تغییر در مقررات سلامتی و بهداشتی را از قبل اعلام کنند.

این موافقتنامه اعضا را ترغیب نموده تا از استانداردهای بین‌المللی و مقررات فنی هماهنگ استفاده کنند ولی آنها را مکلف به تبعیت از این استانداردها نمی‌نماید. توصیه به رعایت قواعد کمیسیون تنظیم مجموعه قوانین مواد غذایی (CODEX) و توصیه به مشارکت در

^۱ - Sanitary and Phytosanitary Agreement.

^۲ - Sanitary and Phytosanitary Measures

^۳ - Precautionary Measures

دفتر بین‌المللی بیماریهای مسری حیوانی (OIDE) و کنوانسیون بین‌المللی حفظ نباتات از این جمله است.

در موافقتنامه تصریح شده که کشورها مادامی که توجیه و ادله منطقی برای این اقدامات و استانداردهای حمایتی داشته باشند نمی‌توان از آنها جلوگیری نمود. همچنین از کشورها خواسته شده که نه تنها از انطباق اقدامات منطقی خود در این زمینه‌ها با مفاد این موافقتنامه اطمینان حاصل کنند، بلکه اقدامات دستگاه‌های غیر دولتی نیز باید با این موافقتنامه سازگار باشد. در موافقتنامه موانع فنی تجارت کمیته‌ای برای تحقق اهداف موافقتنامه و نیز مشورت میان اعضاء پیش‌بینی شده است. موافقتنامه، شامل فرآیندهای تولید نیز می‌شود و تعریف جدیدی از مقررات فنی نظیر روش‌های استاندارد پردازش و تولید و همچنین گسترش دامنه اقدامات زیست محیطی را ارائه می‌نماید.

الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه بهداشتی

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان محیط زیست همراه با مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران به موجب قانون می‌توانند در این زمینه عمل نمایند. تعیین، تدوین و نشر استانداردهای ملی (رسمی) و نظارت بر اجرای آنها و همچنین انجام تحقیقات مربوطه از وظایف مؤسسه اخیر می‌باشد که در موارد بهداشتی و نباتی با دو سازمان دیگر مشترکاً مسؤولیت تدوین مقررات و استانداردها را به عهده می‌گیرند. طبق قانون این مؤسسه می‌تواند استاندارد برخی از کالاها را (اعم از تولید داخلی، وارداتی و صادراتی) اجباری نماید. البته شرط ایمنی و بهداشت عمومی (طبق ماده ۴ قانون فوق) بویژه در اجباری کردن استاندارد کالاهای وارداتی حائز اهمیت است که از این نظر با موافقتنامه موانع فنی تجارت انطباق دارد. طبق تبصره ۲ ماده ۶ قانون فوق، کیفیت مواد و کالاهای وارداتی بر حسب ضرورت و اولویت و توجه به مسایل ایمنی و بهداشتی و اقتصادی باید با استانداردهای ملی ایران و یا استانداردهای کشور مبداء و یا استانداردهای معتبر و مورد قبول مؤسسه منطبق باشد.

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در حال حاضر صدور گواهی ورود اکثر کالاهای بهداشتی، آرایشی و دارویی را منوط به اثبات واردکننده مبنی بر مصرف کالای مورد نظر در کشورهای اروپایی کرده. این گواهی که به EU-Sale مشهور شده باعث می‌شود که

بطور ضمنی استانداردهای اروپایی برای مصرف بسیاری از کالاهایی که در این بخش قرار می‌گیرند اعمال شود و هماهنگی خودکار با مقررات فنی-بهداشتی آنجا برقرار شود.

موافقتنامه منسوجات و پوشاک

منسوجات و پوشاک از جمله بخش‌های صنعتی است که برای تعدادی از کشورهای در حال توسعه اهمیت بسیاری دارد. هنگامی که کشورهای در حال توسعه و نیز ژاپن در اوائل دهه ۱۹۶۰ بتدریج وارد بازارهای جهانی محصولات پنبه‌ای شدند، آمریکا و متعاقب آن دیگر کشورهای توسعه یافته به منظور حمایت از صنایع داخلی خود درصدد برآمدند که ترتیبات معینی را بر تجارت جهانی این محصول حاکم کنند که به آنها اجازه می‌داد ضمن اعمال محدودیت‌های کمی بر واردات منسوجات و پوشاک از این کشورها، از انجام برخی تعهدات خود در قبال گات شانه خالی کنند.

از زمان عقد موافقتنامه بین‌المللی منسوجات پنبه‌ای در سال ۱۹۶۱ که بعدها در سال ۱۹۷۴ به موافقتنامه ناظر بر تجارت بین‌المللی منسوجات یا ترتیبات الیاف چندگانه تغییر نام یافت. تاکنون در چندین مرحله کالاها و کشورهای تحت پوشش این موافقتنامه افزایش پیدا کرده است. در ابتدا تنها منسوجات پنبه‌ای تحت پوشش موافقتنامه قرار داشت، بتدریج الیاف مصنوعی و پشمی نیز مشمول آن قرار گرفت و در سال ۱۹۸۶ به تمامی الیاف نباتی و ابریشمی هم تسری پیدا کرد. در حال حاضر تمامی الیاف (به جز چند استثناء) تحت پوشش ترتیبات الیاف چندگانه قرار دارند. این ترتیبات نه تنها فرصت‌های صادراتی کشورهای در حال توسعه را محدود می‌کند، بلکه بر رفاه مصرف‌کنندگان در ممالک توسعه یافته نیز اثر منفی دارد. مذاکرات قبلی گات برای توقف این تبعیض، به لحاظ فشار گروه‌های ذینفوذ حامی صنایع داخلی در ممالک توسعه یافته، قرین موفقیت نبود. طی مذاکرات کندی و توکیو، علیرغم فشارهای زیادی که ممالک در حال توسعه برای حذف یا کاهش موانع و سهمیه‌های وارداتی بر ممالک توسعه یافته وارد آمد، با این حال مقاومت‌های سیاسی در آمریکا و جامعه اروپا به حدی بود که هرگونه اقدام در جهت کاهش حمایت‌ها به نفع کشورهای در حال توسعه را عقیم ساخت. ازاین رو متوقف کردن این رژیم تجاری تبعیض‌آمیز، هدف عمده بسیاری از

کشورهای در حال توسعه در مذاکرات دور اروگوئه بود.

هدف این موافقتنامه^۱ آزادسازی تجاری بازار منسوجات و پوشاک می‌باشد. تا قبل از تدوین این موافقتنامه، بازار جهانی منسوجات و پوشاک عمدتاً تحت «ترتیبات الیاف چندگانه»^۲ اداره می‌شد که هدفش فرصت دادن به کشورهای توسعه یافته برای مقابله با تولیدات ارزان قیمت کشورهای در حال توسعه و رفع مشکلات داخلی این صنایع بود. این ترتیبات ابتدا به صورت کوتاه مدت و تنها با شمول محصولات نخی آغاز شد و دامنه شمول آن به انواع الیاف و محصولات و کشورهای وارد کننده توسعه یافته و صادرکننده در حال توسعه گسترش یافت. ترتیبات موافقتنامه الیاف چندگانه (MFA) به نفع کشورهای توسعه یافته تبعیض آمیز می‌باشد. موافقتنامه منسوجات و پوشاک در حقیقت یک چارچوب حقوقی برای توقف ترتیبات الیاف چندگانه و ادغام تجارت جهانی منسوجات و پوشاک در گات ۱۹۴۴ طی یک دوره انتقالی ۱۰ ساله و تسری دادن همان اصول و قواعد حاکم بر تجارت سایر کالاها بر تجارت منسوجات و پوشاک است. طبق این موافقتنامه تمامی اعضاء سازمان جهانی تجارت موظفند محدودیت‌های موجود بر تجارت این محصولات را طی یک دوره ۱۰ ساله برطرف سازند. طبق موافقتنامه منسوجات و پوشاک، کالاهای مشمول محدودیت‌های الیاف چندگانه باید طی ۴ مرحله و بر حسب درصدهای ثابتی تحت اصول و قواعد گات قرار گیرند. در ماده ۶ موافقتنامه یک مکانیسم حفاظتی پیش‌بینی شده که طبق آن در صورتی که واردات منسوجات و پوشاک موجب خسارت جدی بر صنایع داخلی کشور وارد کننده گردد، می‌توان طی دوره انتقال، محدودیت‌های جدیدی بر واردات وضع نمود.

این موافقتنامه در چهار مرحله اقدام به رفع محدودیت سهمیه بندی و کاهش تعرفه در مورد اقلام مشمول می‌نماید تا نهایتاً بازار این محصولات طبق مقررات گات اداره گردد. براساس این موافقتنامه از اول ژانویه ۲۰۰۵، کلیه اقلام باید مشمول آزادسازی قرار گیرند.

الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه نساجی

چنانچه ایران به عضویت سازمان تجارت جهانی درآید چون از صادرکنندگان عمده فرش هست و از صادرکنندگان عمده پوشاک نیست و عضو موافقتنامه بین‌المللی منسوجات

^۱ Agreement of Textile and Clothing (ATC).

^۲ Multi Fibre Arrangement (MFA).

نبوده و طبعاً از سهمیه‌های وارداتی وضع شده در قالب ترتیبات الیاف چندگانه برخوردار نبوده است، لذا موافقتنامه منسوجات و پوشاک مستقیماً و در کوتاه مدت صادرات صنایع نساجی ایران را متاثر نمی‌گرداند. ولی آزادسازی بازار بخصوص برای کشورهای نظیر چین و هند و همچنین ترکیه اثرات زیادی را از طریق افزایش واردات به این صنعت مترتب خواهد ساخت. افزایش صادرات فرش بعنوان یک کالای نساجی در اثر حذف تدریجی تعرفه‌ها و سهمیه‌های ترجیحی در قالب سیستم عمومی ترجیحات (GSP) هم به بازارهای سنتی و همچنین به بازارهای جدید مشروط به کاهش یا تثبیت فعالیت رقبای ایران در صدور فرش قابل پیش‌بینی می‌باشد. از طرف دیگر با لغو تدریجی سهمیه‌ها در اثر اجرای این موافقتنامه، قیمت جهانی منسوجات و پوشاک کاهش خواهد یافت و طبعاً موجب افزایش واردات این محصولات می‌گردد.

موافقتنامه موانع فنی راه تجارت

مقررات فنی و استانداردهای صنعتی بسیار مهم هستند اما از کشوری به کشور دیگر متفاوت هستند. داشتن استانداردهای متفاوت تجارت و تولیدکنندگان را با مشکل مواجه می‌سازد. به علاوه چنانچه استانداردها به طور دلخواه وضع شوند می‌توانند به عنوان بهانه‌ای برای حمایت از صنایع داخلی وضع شده و مانعی برای توسعه تجارت باشند.

این موافقتنامه^۱ ضمن تقویت قوانین موجود استانداردها، الزام می‌نماید که موضوعاتی از قبیل مشخصات فنی، استانداردها، رویه‌های مربوط به ارزیابی، مطابقت و آزمایش نباید به شکل ناعادلانه‌ای منجر به ایجاد موانع بر سر راه تجارت گردند. به عبارت دیگر مقررات فنی نباید بیش از حدی که برای تحقق یک هدف مشروع ضرورت دارد، محدود کننده تجارت باشند به عبارت دیگر موافقتنامه موانع فنی تجارت^۲ سعی بر آن دارد که استانداردها و مقررات فنی منجر به ایجاد موانع غیرضروری تجاری نشود. این موافقتنامه برای کشورها این حق را قائل می‌شود که استانداردهای مورد نظر خود را وضع تا منافع مصرف‌کنندگان را تأمین کنند. به

^۱ http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/whatis_e.htm

<http://www.irtr.ir/wto/multilateral/index.htm>

^۲ - Technical Barriers to Trade Agreement (TBT)

علاوه اعضا از اتخاذ اقدامات لازم برای تأمین استانداردها منع نشده‌اند. اما برای آن که از تنوع بسیار زیاد مقررات فنی جلوگیری شود موافقتنامه کشورهای عضو را ترغیب می‌کند که از استانداردهای بین‌المللی استفاده کنند - در صورتی که این استانداردها مناسب هستند - اما آنها را ملزم به تغییر در میزان حمایت‌های داخلی نمی‌کنند. به علاوه موافقتنامه اذعان می‌دارد که پروسه‌هایی که برای تعیین آنکه آیا یک کالا با استانداردهای داخلی تطابق دارد یا خیر باید عادلانه و قابل اعمال باشد و هرگونه پروسه‌ای را که به کالاهای داخلی مزیت غیرعادلانه بدهد نامطلوب می‌داند. همچنین موافقتنامه کشورها را تشویق می‌کند که پروسه تست و آزمون استاندارد در کشورهای دیگر را مورد ارزیابی قرار دهند. تولیدکنندگان و صادرکنندگان باید از آخرین استانداردهای موجود در بازار آگاه باشند و تمام کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی ملزم به تأسیس مراکزی بر آزمون استانداردهای کالاهای وارداتی هستند.

اثرات منفی رشد مقررات فنی و استانداردها در کشورها بر تجارت بین‌الملل از جهت تحمیل هزینه‌های رعایت این استانداردها باعث شد که در دور توکیو موافقتنامه چند طرفه موانع فنی تجارت امضاء گردید. این موافقتنامه نحوه چگونگی تهیه، تصویب و اجرای مقررات فنی، استانداردها و رویه‌های ارزیابی را مشخص می‌نمود. در دور اروگوئه این موافقتنامه جامع‌تر شده و به موافقتنامه فنی فرا راه تجارت تبدیل گردید.

طبق ماده ۲۰ موافقتنامه گات هرگونه اقدام ضروری برای حفظ حیات، سلامت انسان، حیوان و نبات و همچنین هرگونه ممنوعیت یا محدودیت وارداتی یا صادراتی که برای اجرای استانداردها یا مقررات طبقه بندی، درجه بندی یا بازاریابی کالاها در تجارت بین‌المللی ضرورت دارند مجاز دانسته شده است.^۱ مشروط به آنکه این اقدامات برای تبعیض و یا اقدامات اقدامات حمایتی مورد استفاده قرار نگیرد. به علاوه دو موافقتنامه سازمان تجارت جهانی در خصوص سلامتی غذا و گیاهان و حیوانات و استانداردهای محصولات طراحی شده است.^۲ سازمان تجارت جهانی اعضا را ملزم به داشتن استاندارد کالا نمی‌کند و همچنین این سازمان در تدوین یا نوشتن استانداردها نیز دخالتی ندارد بلکه این موافقتنامه درصدد است که

^۱ http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/whatis_e.htm

<http://www.irtr.ir/wto/multilateral/index.htm>

^۲ - <http://www.wto.org/english/thewto-e/whatis-e/tif-e/agrm4-e.htm>

Understanding the WTO: the agreements standards and safety, WTO Switzerland

مقررات فنی اجباری، استانداردهای سلیقه‌ای و آزمایش و صدور گواهی محصولات، باعث ایجاد موانع غیرضروری در تجارت نشوند. اصول اساسی این موافقتنامه به شرح زیر است:

۱. یکسان‌سازی مقررات و رویه‌ها
۲. رعایت اصل عدم تبعیض و رفتار ملی
۳. هماهنگ‌سازی مقررات فنی، استانداردها و رویه‌های ارزیابی مطابقت
۴. تائیدیه متقابل
۵. اجتناب از ایجاد موانع غیرضروری فرا راه تجارت
۶. شفافیت
۷. مقررات ناظر بر حسن انجام کار

الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه موانع فنی فرا راه تجارت

مرجع رسمی و قانونی استاندارد در ایران، مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی است که به موجب قانون اصلاح قوانین و مقررات مؤسسه استاندارد مصوب ۱۳۷۴/۱۱/۲۵ و بر اساس مفاد این قانون انجام وظیفه می‌کند. تعیین، تدوین و نشر استانداردهای ملی (رسمی) و نظارت بر اجرای آنها و همچنین انجام تحقیقات مربوطه از وظایف این مؤسسه می‌باشد. طبق قانون این مؤسسه می‌تواند استاندارد برخی از کالاها را (اعم از تولید داخلی، وارداتی و صادراتی) اجباری نماید. البته شرط ایمنی و بهداشت عمومی (طبق ماده ۴ قانون فوق) بویژه در اجباری کردن استاندارد کالاهای وارداتی حائز اهمیت است که از این نظر با موافقتنامه موانع فنی تجارت انطباق دارد. طبق تبصره ۲ ماده ۶ قانون فوق، کیفیت مواد و کالاهای وارداتی بر حسب ضرورت و اولویت و توجه به مسایل ایمنی و بهداشتی و اقتصادی باید با استانداردهای ملی ایران و یا استانداردهای کشور مبداء و یا استانداردهای معتبر و مورد قبول مؤسسه منطبق باشد. همچنین در تبصره ۲ ماده ۹ آمده است که: رعایت کلیه مقررات استانداردهای اجباری در مورد کالاهای وارداتی الزامی خواهد بود. استانداردها، مقررات فنی، رویه‌های ارزیابی و غیره که در قوانین و مقررات مؤسسه استاندارد آمده، در رابطه با موانع فنی تجارت، تنها در مواردی که با جریان تجارت ارتباط دارد حائز اهمیت می‌باشد. چنانچه توجیه منطقی برای اعمال استانداردهای اجباری ارائه گردد، طبق مفاد موافقتنامه مورد نظر، در صورت عضویت در

سازمان جهانی تجارت نمی‌توان ایران را از اعمال و رعایت این استانداردها بازداشت. نکته دیگر در مورد انطباق با مفاد موافقتنامه موانع فنی تجارت، این است که ایران باید هر چه بیشتر استانداردها و مقررات فنی خود را با مؤسسات بین‌المللی استاندارد هماهنگ سازد. ضمن اینکه ایران عضو سازمان بین‌المللی استاندارد (ISO) نیز می‌باشد.

موافقتنامه ضوابط سرمایه‌گذاری تجاری

دولت‌ها به منظور جذب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی، ضمن انجام اقداماتی نظیر اعطاء مشوق‌های مالی، تخفیفات و بخشودگی‌های مالیاتی، تامین خدمات ترجیحی و غیره، مجموعه‌ای از الزامات و شرایط را در جهت ترغیب این نوع سرمایه‌گذاری مقرر می‌دارند. این الزامات در برگیرنده ضوابطی نظیر ضابطه محتوی داخلی، ضابطه الزام ساخت، ضابطه عملکرد صادرات، انتقال تکنولوژی و غیره است که مجموعاً شرایط ورود سرمایه خارجی به کشور میزبان را تشکیل می‌دهند. چنانچه این اقدامات سرمایه‌گذاری به تجارت کالاها مربوط شوند، اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت نامیده می‌شوند. در خلال سال‌های اولیه مذاکرات دور اروگوئه، برخی از کشورهای پیشرفته تلاش کردند تا ضمن کسب توافق بین‌المللی در خصوص رعایت اصول حق تاسیس و رفتار ملی نسبت به شرکت‌های فراملیتی، این اصول را به نظام تجاری چندجانبه مرتبط سازند که بدنبال مقاومت گروهی از کشورهای در حال توسعه، نهایتاً به چگونگی انطباق مقررات گات با اقداماتی که سرمایه‌گذاری را با تجارت کالایی مرتبط می‌سازد متمرکز گردید. در واقع شرکت‌های بزرگ چندملیتی برای سالها سعی کرده‌اند به هر کشوری که می‌خواهند وارد شده، کارخانه یا فعالیت‌های تولیدی و معدنی آغاز کنند و تقاضا کنند که با آنها نظیر بنگاه‌های داخلی رفتار شود و هیچ‌گونه مقررات محدودکننده‌ای بر آنها در خصوص اینکه از کجا داده‌های خود را تهیه کنند و یا نیروی کار را از کجا استخدام نمایند وجود نداشته باشد.^۱

این موافقتنامه شامل اقداماتی است که تجارت کالاها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و با

^۱ - <http://www.peaceandjustice.org/issues/econojustice/gl.wto3.html>

The world trade organization and its multilateral trade agreements (GATT, GATS, TRIPs, TRIMs, etc.) Keith Ferguson

دقت بر این موضوع که برخی اقدامات محدودکننده محل تجارت هستند و کشورهای عضو نباید اقدام تبعیض آمیزی را برای خارجیان و یا محصولات خارجی بکار گیرند اقدامات سرمایه‌گذاری را که منجر به محدود کردن مقادیر کمی می‌شود نیز غیرقانونی می‌دانند. این موافقتنامه، تعهدات جدیدی را برای کشورها مقرر نمی‌دارد، بلکه اقدامات سرمایه‌گذاری که با تعهدات کشورها در زمینه رعایت رفتار ملی در مورد وضع مالیات و مقررات داخلی و حذف محدودیت‌های کمی مغایرت دارد را ممنوع می‌سازد. شروط و ضوابط سرمایه‌گذاری که با اصول گات مغایرند، عبارتند از:

الف - الزام سرمایه‌گذار خارجی در استفاده میزان معینی از نهاده‌های تولید خود از منابع داخلی کشور میزبان.

ب - الزام سرمایه‌گذار خارجی به محدودیت محصولات وارداتی یا صادرات تولید نهایی.

ج - الزام بر صدور میزان معینی از تولید.

د - الزام سرمایه‌گذار به استفاده بخشی از درآمد صادراتی خود برای پرداخت هزینه واردات.

ه - الزام سرمایه‌گذار خارجی مبنی بر فروش نسبت معینی از تولید در بازار داخلی.

استثنائاتی که اعمال آنها در چارچوب مقررات گات مجاز شناخته شده‌اند (نظیر

اخلاق عمومی، امنیت ملی، حفظ محیط زیست و غیره) در موافقتنامه اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت نیز قابل استناد می‌باشند. بطور مثال کشورهای در حال توسعه با توجه به مشکلات تراز پرداخت‌ها به استناد ماده ۱۸ گات ۱۹۴۷ می‌توانند موقتاً اجرای برخی از مفاد موافقتنامه سرمایه‌گذاری را به حالت تعلیق درآورند. بطور کلی هرگونه معذوریت و محدودیتی که در اجرای مفاد اصول و مقررات گات با آنها مواجه بوده‌اند، در صورت ارائه ادله منطقی، قابل اعمال در مورد این موافقتنامه نیز خواهد بود و این موافقتنامه ضمن اینکه تعهد جدیدی را برای کشورهای مقرر نمی‌دارد، ناقض آزادی عمل و حاکمیت اعضاء در اعمال محدودیت‌های خاص (با توجه به مشکلات داخلی) بر جریان ورود سرمایه‌گذاری خارجی نیز نمی‌باشد.

هدف این موافقتنامه^۱، گسترش آزاد سازی تجاری، تسهیل سرمایه‌گذاری همراه با تضمین رقابت است. در این موافقتنامه بکارگیری آن دسته از ضوابط سرمایه‌گذاری تجاری که

¹ - Trade-Related Investment Measures (TRIMs) Agreement.

با مقررات مواد ۳ (اصل رفتار ملی) و ۱۱ (اصل حذف کلی محدودیتهای مقداری) گات ۱۹۹۴ مغایرت دارند، ممنوع اعلام شده است.^۱ دو دسته الزامات محتوی داخلی و تراز تجاری و نیز ضوابط سرمایه‌گذاری تجاری شامل الزامات تراز تجاری (به عنوان یک محدودیت مرزی)، الزامات تراز ارزی و الزامات فروش داخلی مغایر با اصول فوق تشخیص داده شده‌اند. این موافقتنامه کشورهای عضو را ملزم می‌سازد که هیچ‌گونه اقدامی را که ناسازگار با ماده ۳ قانون گات (برخورد ملی)^۲ و ماده ۱۱ حذف عمومی محدودیت‌های کمی (سه‌می‌ها) باشد، وضع نمایند. شروط سرمایه‌گذاری که با موافقتنامه گات مغایرت دارند عبارتند از:

- ۱- ضابطه یا شرط محتوای داخلی (مغایر با تعهد رفتار ملی) که براساس آن یک شرکت خارجی متعهد می‌شود میزان معینی از داده‌های مورد استفاده در تولید نهایی خود را از منابع داخلی تهیه نماید.
- ۲- تعهد شرکت سرمایه‌گذاری خارجی مبنی بر اینکه محصولات وارداتی باید به میزانی از حجم یا ارزش صادرات تولید نهایی محدود گردد، که موسوم است به ضابطه متوازن کننده تجارت و با تعهد رفتار ملی اعضای گات مغایرت دارد.
- ۳- الزام مبنی بر اینکه حجم یا ارزش معینی از تولید باید صادر گردد. موسوم به ضابطه عملکرد صادرات که با ماده ۱۱ گات (حذف کلی محدودیت‌های کمی) مغایرت دارد.
- ۴- در چارچوب محدودیت‌های ارزی الزامی که طبق آن سرمایه‌گذار متعهد می‌گردد بخشی از درآمدهای صادراتی را برای پرداخت هزینه‌های واردات استفاده نماید. با ماده ۱۱ گات مغایرت دارد.
- ۵- تعهدی که طبق آن سرمایه‌گذار (شرکت خارجی) باید لیست معینی از تولید را در بازار داخلی به فروش برساند. با ماده ۱۱ گات مغایرت دارد.
- ۶- تعهدی که طبق آن سرمایه‌گذار (شرکت خارجی) باید بخش معینی از تولید را از بازار داخلی اتباع نماید. با ماده ۱۱ گات مغایرت دارد.
- ۷- خرید سرمایه‌گذار خارجی از کالای وارداتی محدود به ارزش یا میزان تولید محصولات

^۱ http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/whatis_e.htm

<http://www.irtr.ir/wto/multilateral/index.htm>

^۲ - National Treatment

داخلی باشد که صادر می‌شود.

۸- واردات سرمایه گذار خارجی از محصولات وارداتی منوط به تولید داخلی به لحاظ میزان تولید، ارزش و یا صادرات آن بنگاه شود.

۹- دسترسی بنگاههای تولیدی سرمایه گذار خارجی به منابع ارزی برای واردات محدود به دسترسی به منابع ارزی حاصل از صادرات محصولات آن بنگاه شود.

۱۰- میزان صادرات و یا فروش برای صادرات سرمایه گذار خارجی محدود به میزان تولید یا ارزش تولید داخلی آن بنگاه باشد.

در واقع یک لیست از اقدامات سرمایه گذاری که در تضاد با موافقتنامه‌های گات هست به موافقتنامه منضم می‌باشد. این لیست شامل اقداماتی است که مستلزم وجود سطوح خاصی از خریدهای داخلی است. این موافقتنامه اقداماتی که واردات یک شرکت را محدود می‌کند و یا محدودیت‌هایی را برای صادرات وضع می‌کند محدود می‌سازد.

استثنائیهایی که اعمال آنها در چهارچوب مقررات گات مجاز شناخته شده‌اند نظیر اخلاق عمومی، امنیت ملی، حفظ محیط زیست و غیره در موافقتنامه اقدامات سرمایه گذاری مرتبط با تجارت نیز قابل استناد می‌باشند. به طور مثال کشورهای در حال توسعه با توجه مشکلات تراز پرداخت‌ها به استناد ماده ۱۸ گات می‌توانند موقتاً اجرای برخی از مفاد موافقتنامه سرمایه گذاری را به تعلیق در آورند. به طور کلی هرگونه محدودیتی که در اجرای مقررات گات با آن مواجه بوده‌اند در صورت ارائه ادله منطقی قابل اعمال در مورد این موافقتنامه نیز قابل استفاده خواهد بود. برخی معتقدند که چنین محدودیت‌هایی و ملزومات آن غیرمعقول بوده و این نگرانی وجود دارد که این موافقتنامه می‌تواند منافع کشورهای در حال توسعه را از سرمایه گذاری‌های خارجی محدود کند.

تحت این موافقتنامه کشورهای عضو باید سایر اعضا را از اقدامات سرمایه گذاری خود که با این موافقتنامه در تضاد است مطلع سازند. به کشورهای عضو، بنا به سطح توسعه آنها، دوره انتقالی برای حذف این ضوابط داده شده است و دوره انتقال قابل تمدید است. شورای کالاها موافقت کرده که این دوره انتقال برای برخی کشورهای در حال توسعه افزایش یابد. موافقتنامه کمیته‌ای را برای بازرسی و بکارگیری اقدامات سرمایه گذاری تأسیس کرده

است. به علاوه اعضا باید بررسی کنند که آیا باید مقرراتی برای سیاست‌های سرمایه‌گذاری و رقابتی وضع شود. این موضوع در دستور کار کمیته توسعه مذاکرات دور Doha قرار گرفته است. همچنین در موافقتنامه پیش‌بینی شده است که کشورهای عضو طی دوره انتقال می‌توانند اقدامات محدودکننده سرمایه‌گذاری را در قبال سرمایه‌گذاری جدید وضع نمایند که در واقع نوعی حمایت از سرمایه‌گذاران موجود به حساب می‌آید.

کمیته ضوابط سرمایه‌گذاری تجاری بر عملکرد و اجرای موافقتنامه نظارت دارد و مسؤولیتهایی که شورای تجارت کالا به آن محول می‌کند را انجام می‌دهد. از سال ۲۰۰۰ شورای تجارت کالا عملکرد موافقتنامه ضوابط سرمایه‌گذاری تجاری را بررسی می‌کند تا در صورت لزوم این موافقتنامه با مقرراتی در خصوص سیاست سرمایه‌گذاری و رقابتی اصلاح و تکمیل شود.

الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه سرمایه‌گذاری

قانون جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی ایران در حال حاضر تعیین‌کننده ضوابط سرمایه‌گذاری خارجی است. در مقایسه موافقتنامه سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت با قانون سرمایه‌گذاری خارجی ایران، باید متذکر شد که این موافقتنامه اصول و ضوابطی را برای چگونگی سرمایه‌گذاری خارجی مقرر نمی‌دارد، بلکه در آن تصریح شده در فرآیند سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت، ضوابطی مغایر با مواد ۳ و ۱۱ گات ۱۹۴۷ در رابطه با رعایت اصل رفتار ملی در مورد وضع مالیات و مقررات داخلی و نیز حذف کلی محدودیت‌های مقداری منظور نگردد و لذا در موافقتنامه از کشورها پذیرش تعهد جدیدی درخواست نشده است. قانون جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی ایران اساساً متعرض چنین ضوابط و شروطی نگردیده است که بتوان آن را مغایر با موافقتنامه مزبور دانست. اما باید در صورت عضویت ایران و یا عقد قراردادهای سرمایه‌گذاری دو جانبه ملاحظات قوانین جدید سرمایه‌گذاری کشور با عنایت به ضوابط موافقتنامه مزبور مد نظر قرار گیرد.

موافقتنامه رویه‌های ضد دامپینگ

برخی اوقات صادرکنندگان محصولات خود را زیر قیمت بازار به فروش می‌رسانند.

این عمل اصطلاحاً دامپینگ یا قیمت شکنی نامیده می‌شود بعنوان رویه تجاری غیرمنصفانه‌ای که باعث اختلال در رقابت می‌شود، در تجارت بین‌الملل مطرح می‌گردد. براساس این موافقتنامه محصولی زیر قیمت (دامپینگ شده) محسوب می‌شود که قیمت صادراتی آن کمتر از قیمت اخذ شده برای همان نوع محصول در کشور صادر کننده باشد. این موافقتنامه، قیمت شکنی را فی‌نفسه محکوم نمی‌کند و عوارض ضد قیمت شکنی نمی‌تواند صرفاً به این دلیل که محصولی زیر قیمت است، وضع شود. لیکن مقرر می‌دارد که چنانچه پس از تحقیقی که به درخواست صنعت داخلی کشور وارد کننده آغاز شده، احراز شود قیمت شکنی صورت گرفته است و واردات کالای مربوطه زیر قیمت بازار موجب وارد آمدن یا خطر وارد آمدن صدمه قابل توجهی به صنعت داخلی تولید کننده محصول مشابه و یا تاخیر مهم در ایجاد آن صنعت شده است و میان واردات زیر قیمت و لطمه وارده رابطه علی و وجود دارد، آنگاه این عوارض می‌تواند وضع شود. مشکل باید برای آن دسته از تولید کنندگانی بوجود آمده باشد که مجموع تولید محصول آنها سهم عمده‌ای از کل تولید داخلی صنعت را تشکیل می‌دهد. حقوق و عوارض ضد قیمت شکنی تنها تا زمان و میزانی که برای مقابله با قیمت شکنی که موجب ایراد صدمه شده است قابل وضع است.

به عبارت دیگر استثنائات بر لازم الاجرا بودن تعرفه‌ها برای تمامی کشورهای عضو

عبارتند از:

§ اتخاذ اقدامات ضد دامپینگ (فروش یک کالا در قیمت بسیار پایین)

§ سوبسیدها و عوارض گمرکی جبرانی برای خنثی سازی سوبسیدها در سایر کشورها

§ اقدامات اضطراری برای کاهش واردات به طور موقتی برای حمایت از صنایع داخلی.^۱

چنانچه شرکتی کالایی را به قیمت پایین‌تر از قیمتی که معمولاً اجناس خود را می‌فروشد به یک بازار خارجی صادر کند می‌گویند که آن کالا را دامپ نموده است. بسیاری از دولت‌ها از اقدامات ضد دامپینگ استفاده می‌کنند تا از صنایع داخلی خود حمایت کنند. سازمان تجارت جهانی شرایط خاصی را برای اجرای اقدامات ضد دامپینگ بیان نموده است. به

¹ <http://www.wto.org/english/thewto-e/whatis-e/tif-e/agrm8-e.htm>

Understanding the WTO: the agreements: antidumping, subsidies, safeguards: contingencies, etc, WTO, Switzerland.

عنوان مثال این سازمان زمانی اعضاء را مجاز به اعمال چنین اقداماتی (ضد دامپینگ) می‌داند که باعث ایجاد صدمه جدی به صنعت رقیب داخلی شود. برای اجرای عملیات ضد دامپینگ دولت‌ها باید مجاز باشند که تفاوت قیمت صادراتی را با قیمت داخلی کشور صادرکننده محاسبه کنند و نشان بدهند که این اقدام باعث زیان و صدمه صنعت داخلی شده است.

ماده ۶ موافقتنامه گات کشورها را مجاز به اتخاذ عملیات ضد دامپینگ می‌نماید یعنی کشورها اصول مربوط به تعرفه‌های محدود کننده را بشکنند. در واقع آنتی دامپینگ به معنای اعمال تعرفه‌های گمرکی بالاتر بر یک محصول خاص از یک کشور صادرکننده خاص است و به این منظور اعمال می‌شود که قیمت آن را به قیمت متداول (قیمت واقعی که در بازار داخلی آن کشور اعمال می‌شود) نزدیک کند و صدمه وارده به صنعت کشور واردکننده را جبران کند. زمانی که قیمت در داخل کشور صادرکننده قابل محاسبه نباشد از قیمتی که به سایر کشورها صادر شده است استفاده می‌شود و یا قیمت از حاصل جمع هزینه‌های تولید صادرکننده و سود نرمال محاسبه می‌شود. اما محاسبه تفاوت قیمت به تنهایی کافی نیست. اقدامات ضد دامپینگ زمانی قابل اجراء است که بتوان نشان داد که دامپینگ به صنعت داخلی در کشور واردکننده صدمه و زیان جدی وارد کرده است. بنابر این موضوع باید مورد رسیدگی قرار گیرد. این رسیدگی باید تمامی عوامل مرتبط اقتصادی را که در ارتباط با صنعت مورد نظر است مورد ارزیابی قرار دهد. اگر نتایج رسیدگی نشان داد که صنعت داخلی دچار زیان شده است شرکت صادرکننده می‌تواند نسبت به افزایش قیمت خود به یک سطح توافق شده بین طرفین اقدام کند تا از اقدامات ضد دامپینگ جلوگیری شود. اقدامات ضد دامپینگ باید حداکثر پس از ۵ سال از زمان اجراء فسخ شود مگر آنکه نشان دهند که حذف آن منجر به زیان صنعت داخلی خواهد شد.

اقدامات ضد دامپینگ در مواردی که حاشیه دامپینگ کوچک است (کمتر از ۲٪ تفاوت قیمت صادراتی با قیمت داخلی) باید به سرعت خاتمه یابد، البته شرایط دیگری نیز باید مهیا باشد. به عنوان مثال این اقدامات باید خاتمه یابد اگر میزان واردات دامپ شده قابل اغماض باشد، به عنوان مثال حجم صادرات از یک کشوری کمتر از ۳٪ کل واردات آن محصول باشد. اما این اقدامات چنانچه هر یک از کشورهای صادرکننده کمتر از ۳٪ کل واردات را داشته

باشند ولی در مجموع ۷٪ کل واردات را به خود اختصاص دهند قابل ادامه خواهد بود. موافقتنامه الزام می‌نماید که تمامی کشورهای عضو باید کمیته اقدامات ضد دامپینگ را از تمامی اقدامات اعم از مقدماتی و نهایی به سرعت مطلع سازند و در سال دو بار گزارش بدهند. زمانی که تفاوت در نتایج ایجاد می‌شود کشورها می‌توانند از پروسه حل و فصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی استفاده کنند.

الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه ضد دامپینگ

اقدامات ضد دامپینگ از جمله مواردی است که نه تنها پس از الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی فعال می‌شود بلکه در حال حاضر نیز نسبت به برخی از کالاهای ایرانی نیز اعمال می‌گردد. برای مثال اقدامات ضد دامپینگ اروپا در مقابل فولاد صادراتی ایران به آلمان در سالهای اخیر از جمله این موارد است.

ایران بایست از همین الآن شرایط لازم برای مقابله حقوقی و فنی با اقدامات ضد دامپینگ و همچنین ارزیابی فنی و حقوقی با اقدامات دامپینگ خارجی را مهیا سازد. گرچه این اقدامات در حال حاضر از ضرورت کمی برخوردار است ولی در آینده و هنگام الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی از اهمیت بسزائی برخوردار خواهد شد.

موافقتنامه سوبسیدها و اقدامات جبرانی

در طول تاریخ گات، یارانه‌ها یکی از دلایل عمده تنش‌ها و اختلافات تجاری میان کشورها بوده که این امر عمدتاً بخاطر فقدان یک توافق بین‌المللی در خصوص نقش مناسب دولت‌ها در حمایت از سرمایه‌گذاری، تولید و تجارت بوده است. طبق ماده ۱۶ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات ۱۹۴۷) استفاده از یارانه‌های صادراتی محدود شده است و در مقابل تعدادی از کشورها به استناد ماده ۶ گات، و به منظور جلوگیری از وارد آمدن خسارات مادی به صنایع داخلی خود (از ناحیه صادرات یارانه شده)، نسبت به وضع عوارض جبرانی اقدام نموده‌اند. کشورهای توسعه یافته در قالب توافقات حاصله در چارچوب مذاکرات دور توکیو، موسوم به مقررات یارانه‌ها و عوارض جبرانی، ضمن پذیرش عدم اعطای یارانه‌های صادراتی به

محصولات غیر اولیه^۱، در خصوص فهرست یارانه‌های صادراتی ممنوع توافق کرده بودند. مذاکرات دور توکیو منتج به شکل‌گیری «قانون یارانه‌ها» گردید. در این قانون مواد ۶ و ۱۶ گات تعبیر مجدد شده، راههای وضع عوارض جبرانی به طور کاملتری تعریف گشتند. معذالک توافقات یارانه‌ای به دو دلیل نواقص مقرراتی و پای بند نبودن کشورها به اصول آن عملاً منجر به حل اختلافات یارانه‌ای کشورها نگردید.

اما موافقتنامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی که در مذاکرات دور اروگوئه منعقد گردید، به میزان قابل توجهی با آنچه که در دور توکیو مورد توافق برخی از کشورهای عضو قرار گرفت تفاوت دارد. این موافقتنامه همچون تمامی موافقتنامه‌های تجاری چندجانبه، کلیه اعضاء سازمان جهانی تجارت را در بر می‌گیرد. در این موافقتنامه یارانه یک کمک مالی تعریف می‌شود که توسط دولت یا هر رکن دولتی به شرکت‌ها یا صنایع معینی اعطا می‌شود. این کمک مالی شامل پرداخت مستقیم وجوه، انتقالات مستقیم (نظیر ضمانت‌های وام)، مشوق‌های مالی، اعتبارات مالیاتی، کالاها و خدمات دولتی (باستثنای خدمات زیربنایی) یا هر نوع حمایت قیمتی و درآمدی می‌باشد. محورهای عمده موافقتنامه اخیر عبارتند از:

۱. تعریف یارانه: برابر تعریف کلی، یارانه کمکی مالی از طرف دولت است که منجر به انتقال نفع به گیرنده آن می‌گردد.
۲. دسته بندی یارانه‌ها: موافقتنامه، یارانه‌ها را با هدف قانون‌مند سازی رفتار مقابله جویانه به سه دسته کلی تقسیم می‌نماید:

الف- یارانه‌های ممنوع که شامل یارانه‌های صادراتی و یارانه‌هایی می‌شوند که استفاده از کالاهای داخلی را در مقابل واردات با صرفه تر می‌سازد.

ب- یارانه‌های قابل تعقیب (Actionable)، یارانه‌هایی که باعث وارد آمدن خسارت به صنایع داخلی اعضاء دیگر شوند یا مزایا و امتیازات اعطایی را خنثی و بلا اثر گردانند و یا منجر به تبعیض جدی در منافع تجاری سایر اعضاء گردند.

ج- یارانه‌های غیر قابل تعقیب (مجاز) - یارانه‌های ویژه تحقیقات صنعتی - کمک به فعالیت‌های تحقیقاتی که توسط موسسات آموزشی یا تحقیقاتی بر

¹ - Non-Primary Products

اساس قرارداد با بنگاه‌ها انجام می‌شود مشروط بر اینکه کمک مورد نظر بیش از ۷۵ درصد هزینه تحقیق صنعتی یا ۵۰ درصد هزینه فعالیت توسعه صنعت پیش از رقابت را شامل نشود. تشخیص چنین یارانه‌هایی مشمول شرایط و آزمون‌های دقیقی می‌باشند. یارانه‌هایی که به بنگاهی خاص، منطقه‌ای خاص و یا صنعتی خاص چه در قانون و چه در عمل تعلق نمی‌گیرد نیز در این بند قرار می‌گیرند.

۳. موافقتنامه از سه نوع صدمه که سوبسیدها ممکن است ایجاد کنند نام برده است:

الف- سوبسید صادراتی یک کشور ممکن است به صنعت داخلی کشور وارد کننده را بواسطه قیمت‌های پائینتر آسیب برسانند.

ب- ممکن است به رقبای صادر کننده کشورهای دیگر آسیب برساند- زمانی که هر دو کالای خود را به یک کشور صادر می‌کنند.

ج- سوبسیدهای داخلی در یک کشور ممکن است صادرکنندگان به بازار کشوری که در مورد کالاهای داخلی از سوبسید استفاده کرده است را تحت تأثیر قرار داده و بدان آسیب برساند.

۴. راههای جبران خسارت: دو راه کلی برای جبران خسارات ناشی از یارانه طرفهای تجاری در موافقتنامه پیش‌بینی شده است.

الف- روش چند جانبه یا روش بین‌المللی: در این روش کشور متضرر شکایت خود همراه با مدارک و دلایلی که نشانگر وارد آمدن تأثیر سوء بر منافع اوست را پس از انجام مشورتهای لازم با طرف پرداخت کننده یارانه، به رکن حل اختلاف سازمان تجارت جهانی جهت بررسی و صدور حکم ارجاع می‌دهد.

ب- روش یک جانبه یا روش داخلی: کشوری که پس از بررسیهای لازم تشخیص می‌دهد منافعش در نتیجه یارانه کشور دیگری دچار لطمه شده است، می‌تواند رأساً علیه کالای منتفع از یارانه اقدام جبرانی نماید.

۵. رویه‌ها و تشکیلات: بخش عمده‌ای از موافقتنامه، اختصاص به رویه‌های اداری اقامه دعوی، راههای اثبات و ارائه ادله و همچنین ساختار ناظر بر موضوعات مرتبط با موافقتنامه دارد.

این موافقتنامه استفاده از سوبسیدها را تحت اصولی مشخص تنظیم می‌کند و اقداماتی را که کشورها می‌توانند برای خنثی سازی اثرات این سوبسیدها اعمال کنند روشن می‌سازد. این موافقتنامه اذعان می‌دارد که یک کشور می‌تواند از پروسه حل اختلافات و مشاجرات^۱ استفاده کند تا درخواست حذف سوبسید و یا آثار جبرانی آن را بنماید و یا کشورها می‌توانند شخصاً رسیدگی کرده و نهایتاً عوارض گمرکی اضافی و یا جبرانی را بر واردات سوبسیدی که به فعالیت‌های داخلی صدمه می‌رساند اعمال کنند. این موافقتنامه فقط برای سوبسیدهای خاص اعم از داخلی و یا صادراتی قابل اعمال است.

این موافقتنامه برای کالاهای کشاورزی و محصولات صنعتی قابل اعمال است مگر در شرایطی که سوبسیدها تحت مقررات ماده صلح^۲ از موافقتنامه کشاورزی مستثنی شده است. سوبسیدهای ممنوع شده عبارتند از سوبسیدهایی است که اهداف صادراتی مشخص را دنبال می‌کنند و یا تولید کنندگان را ملزم به استفاده از کالاهای داخلی به جای کالاهای وارداتی می‌کنند. این نوع سوبسیدها قدغن شده‌اند چرا که تجارت بین‌المللی را مختل می‌کنند و احتمالاً تجارت سایر کشورها را دچار زیان می‌سازند. با این وجود ممکن است در پروسه حل فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی مورد رسیدگی قرار گیرند. اگر کمیته حل اختلاف تشخیص دهد که سوبسید مورد نظر ممنوع می‌باشد باید سریعاً حذف شود در غیر این صورت طرف تجاری نیز می‌تواند از اقدامات جبرانی استفاده کند. چنانچه محصولات داخلی از چنین سوبسیدهایی آسیب بینند می‌توانند از وضع عوارض جبرانی استفاده کنند. در سوبسیدهای قابل اعمال کشور شاکی باید نشان دهد که وضع سوبسید صادراتی اثرات منفی بر منافع کشور وارد کننده دارد والا سوبسیدها قابل اعمال می‌باشند.

چنانچه هیأت حل اختلاف نتیجه‌گیری کند که سوبسید دارای آثار زیانبار است باید فوراً حذف شود. به علاوه در صورتی که تولید کنندگان داخلی از واردات محصولات سوبسیدی صدمه بینند می‌توانند از عوارض جبرانی استفاده کنند. البته وضع چنین عوارضی زمانی امکان‌پذیر است که کشور وارد کننده رسیدگی کاملی را به این موضوع (نظیر مورد آنتی دامپینگ) اعمال کرده باشد. البته در صورت توافق طرف‌های تجاری کشور صادر کننده ممکن

^۱ - Dispute Settlement Procedure

^۲ - Peace clause

است قیمت‌های صادراتی خود را افزایش دهد تا اینکه از اقدامات و عوارض جبرانی توسط کشور واردکننده استفاده شود.

براساس ماده ۲ موافقتنامه یارانه‌ها توسل به اقدامات جبرانی در مقابل یارانه‌ها تنها زمانی مجاز است که یارانه به یک شرکت و یا صنعت و یا گروهی از شرکت‌ها و صنایع بطور خاص اعطاء شده باشد. یارانه‌هایی که بطور خاص اعطاء نشده‌اند یعنی دسترسی به آنها برای همه شرکت‌ها و صنایع مقدور باشد در زمره یارانه‌های ممنوع و قابل تعقیب قرار نمی‌گیرند، مگر اینکه ثابت شود این یارانه‌ها عملاً جنبه خاص دارند. همچنین یارانه‌هایی که کمتر از یک درصد ارزش کالا باشد (در مورد کشورهای در حال توسعه ۲ درصد) مشمول عوارض جبرانی نیستند.

در موافقتنامه یارانه‌ها، تحقیق صنعتی به معنای جستجوی برنامه ریزی شده یا تحقیقی مهم به منظور کشف دانش جدید با این هدف است که چنین دانشی بتواند در توسعه محصولات، فرآیند یا خدمات جدید مفید باشد. همچنین اصطلاح فعالیت توسعه‌ای پیش از رقابت به معنای تبدیل یافته‌های تحقیق صنعتی به برنامه، نقشه یا طرحی برای محصولات، فرآیندها یا خدمات به صورت جدید یا همراه با تغییر یا بهبود است اعم از اینکه هدف، فروش یا استفاده از آنها باشد یا نباشد. یارانه‌های اعطایی به مناطق محروم یک کشور و یارانه‌های اعطایی جهت نوسازی تسهیلات موجود زیست محیطی نیز در زمره یارانه‌های مجاز می‌باشند.

سوسیدها نقش حائز اهمیتی را در کشورهای در حال توسعه و کشورهای در حال انتقال ایفا می‌کنند. در قسمت هشتم موافقتنامه، به موضوع رفتار خاص و ویژه با کشورهای در حال توسعه پرداخته می‌شود. کشورهای با حداقل توسعه و کشورهای در حال توسعه با درآمد سرانه زیر هزار دلار، از مقررات سوسیدهای صادراتی مستثنی هستند. سایر کشورهای در حال توسعه تا پایان ۲۰۰۳ مجاز شدند نسبت به حذف سوسیدهای صادراتی مبادرت کنند. کشورهای با حداقل توسعه باید سوسیدهای جایگزین واردات خود را که برای حمایت از تولیدات داخلی و کاهش واردات طراحی شده است را تا پایان ۲۰۰۳ حذف کنند. این زمان برای کشورهای در حال توسعه سال ۲۰۰۰ بوده است. کشورهای در حال توسعه می‌توانند از رفتارهای ترجیحی برخوردار شوند در صورتی که صادرات آنها منوط به رسیدگی مربوط به

عوارض جبرانی باشد. سایر کشورهای در حال توسعه که در این طبقه بندی قرار نمی گیرند باید طی زمان پرداخت یارانه های صادراتی را متوقف نمایند. همچنین یارانه هایی که جهت استفاده از کالاهای داخلی در مقابل کالاهای وارداتی اعطاء می شود. اگر یک کشور در حال توسعه در تولید و صدور یک کالا به مرحله رقابتی رسید یعنی سهم صادراتش طی دو سال متوالی در تجارت جهانی آن کالای خاص به ۳/۲۵ درصد رسیده باشد، باید ظرف ۲ سال پرداخت یارانه های صادراتی در مورد آن کالا را متوقف نماید. در موافقتنامه یارانه ها، به کشورهای با اقتصادهای در حال گذار (سوسیالیستی سابق) ۷ سال مهلت قابل تمدید داده شد تا پرداخت یارانه های ممنوع را متوقف نمایند.

الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه سوبسیدها

در ایران در زمینه مشوق های صنعتی قوانین و مقررات مختلفی به تصویب رسیده که بر

حسب مورد و موضوع می توان آنها را بشرح زیر طبقه بندی نمود:

- ۱- مشوق های صادراتی
- ۲- مشوق های منطقه ای
- ۳- حمایت از صنایع اساسی و تولیدات داخلی
- ۴- مشوق های سرمایه گذاری صنعتی
- ۵- مشوق های مشارکتی صنایع
- ۶- مشوق های زیربنایی صنایع (فراهم آوردن تسهیلات زیربنایی)
- ۷- حمایت از اختراعات و ابداعات
- ۸- سایر مشوق ها

این تشویق ها بطور کلی شامل مشوق های گمرکی، مشوق های مالیاتی، مشوق های

اعتباری و سایر مشوق ها می باشد.

الف - مشوق های گمرکی در زمینه صادرات شامل:

- ۱- معافیت گمرکی مواد و قطعاتی وارداتی برای ساخت کالاهای صادراتی.
- ۲- معافیت گمرکی لوازم بسته بندی وارداتی که برای بسته بندی کالاهای صادراتی.
- ۳- معافیت گمرکی مواد اولیه وارداتی برای ساخت لوازم بسته بندی کالاهای صادراتی.

۴- مجاز بودن ورود اقلام لوکس که در ساخت کالاهای صادراتی بکار می‌روند.

ب - مشوق‌های مالیاتی در زمینه صادرات:

۱- واحدهای تولیدی که مستقیماً به صدور کالاهای تولیدی خود مبادرت می‌ورزند

معادل ۵۰ درصد ارزش صادرات از مالیات بر درآمد معاف می‌باشند.

ج - سایر مشوق‌های صادراتی:

۱- اعطای جوایز و فراهم آوردن تسهیلات برای کالاهای صادراتی

۲- ایجاد تسهیلات برای حمل و نقل کالاهای صادراتی

د - مناطق با اولویت توسعه:

۱- کلیه صناعی که در نقاط مرزی و مناطق با اولویت توسعه از نوع درجه یک احداث می‌شوند، به مدت ۱۰ سال از پرداخت مالیات معاف می‌باشند.

۲- کلیه صناعی که در نقاط با اولویت توسعه از نوع درجه ۲ احداث می‌شوند به مدت ۸ سال از پرداخت مالیات معاف می‌باشند.

۳- کلیه صناعی که خارج از شعاع ۱۲۰ کیلومتری تهران و ۵۰ کیلومتری شعاع شهرهای اصفهان و تبریز احداث می‌شوند به مدت ۵ سال از پرداخت مالیات معاف هستند.

۴- در صورتی که واحد واقع شده در شعاع ۵۰ کیلومتری تهران به سایر نقاط منتقل شود، به مدت ۱۰ سال از تاریخ شروع فعالیت در محل جدید از پرداخت مالیات معاف خواهد بود.

۵- ۵۰ درصد از درآمد حاصل از رشته‌های مختلف بهداشتی در روستاها و همچنین نقاط محروم از پرداخت مالیات معاف است.

۶- درآمد ساکنین روستاها حاصل از فروش صنایع دستی از پرداخت مالیات معاف است.

ه- حمایت مالیاتی از صنایع اساسی و تولیدات صنعتی داخلی:

۱- در صورتی که محصول واحد تولیدی از نوع سرمایه‌ای باشد به مدت ۶ سال از پرداخت مالیات معاف است.

۲- در صورتی که محصول از نوع واسطه‌ای باشد به مدت ۳ سال از پرداخت مالیات معاف است.

- ۳- آن قسمت از سود حاصل از فعالیت صنعتی که برای بازسازی، توسعه و یا تکمیل واحدهای صنعتی موجود و یا ایجاد واحد صنعتی جدید ذخیره گردد از پرداخت مالیات معاف است.
- ۴- چنانچه حداقل ۷۵ درصد و یا بیشتر از مواد مصرفی واحد تولیدی جدید الاحداث وارداتی نباشد به مدت ۲ سال از پرداخت مالیات معاف است.
- ۵- چنانچه مواد اولیه وارداتی از ۴۰ درصد بیشتر و از ۷۵ درصد کمتر باشد به مدت یک سال از معافیت مالیاتی برخوردار است.
- و- حمایت اعتباری از صنایع اساسی و تولیدات صنعتی داخلی:
- ۶- اعطای اعتبارات از محل تسهیلات تکلیفی تبصره‌های (۳ و ۵۹) بودجه‌های سنواتی دولت به بخشهای صنعتی و کشاورزی.
- ۷- اعطای تسهیلات به بخشهای صنعتی و کشاورزی با نرخ بهره کمتر در مقایسه با سایر بخش‌ها بویژه خدمات.
- ۸- اعطای تسهیلات اعتباری به بخشهای صنعتی و تولیدی از محل صندوق ذخیره ارزی با نرخ بهره کمتر.
- ز- مشوق‌های سرمایه‌گذاری صنعتی
- ۱- اجازه ورود سرمایه بصورت ماشین آلات به منظور صدور کالاهای تولیدی مجاز است.
- ۲- ورود سرمایه خارجی جهت سرمایه‌گذاری صنعتی آزاد می‌باشد.
- ۳- سرمایه‌گذاری در نقاط با اولویت توسعه در مقایسه با کل سرمایه‌گذاری صنعتی از تسهیلات اعتباری بیشتری برخوردار است.
- ۴- ورود سرمایه خارجی اعم از شخص حقیقی یا حقوقی به کشور آزاد است.
- ۵- سرمایه‌های وارده مورد حمایت دولت بوده و هرگونه تسهیلات و امکانات حمایتی از صنایع داخلی، مشمول سرمایه‌گذاری خارجی نیز خواهد بود.
- ۶- در صورت سلب مالکیت بر اساس قانون، دولت جبران عادلانه خسارت وارده را تضمین می‌کند.

- ۷- صاحبان سرمایه می‌توانند هر ساله سود ویژه خود را بر اساس مقررات از ایران خارج سازند.
- ۸- خروج اصل و فرع سرمایه با رعایت شرایطی از کشور مجاز است.
- ط- سایر مشوق‌های صنعتی :

- ۱- ورود محصولاتی که تولید داخلی دارند مجاز نمی‌باشد.
- ۲- موسسات و سازمانهای دولتی در صورتی که محصولی در داخل تولید گردد، مکلفاند نیازهای خود را از محصولات داخلی تامین نمایند.
- سهامیه بندی ارزی و تخصیص آن به واحدهای تولیدی، در سالهای گذشته از دیگر شیوه‌های حمایتی متداول در بخش صنعت ایران بود که با یکسان شدن نرخ ارز تا حدود بسیار زیادی از میان برداشته شد ولی همچنان ارز به میزان زیاد به متقاضیان صنعتی یا تولیدی با ارائه مجوزهای مختلف تخصیص می‌یابد. کل ارز تخصیصی به وزارت صنایع برای رفع نیازهای جاری و گاه خرید ماشین‌آلات یا قطعات یدکی به این صورت توزیع می‌گردد که ابتدا در هر یک از رشته‌های صنعتی ارزبر، میزان ارزبری آن رشته مشخص و با توجه به کل ارز تخصیص یافته، سهم هر رشته صنعت تعیین می‌گردد. توزیع ارز بین واحدهای تولید در هر یک از رشته‌های صنعتی با در نظر گرفتن معیارهایی نظیر ظرفیت تولید، راندمان، میزان صادرات، کیفیت محصول، دارا بودن استانداردهای ملی و بین‌المللی و غیره صورت می‌گیرد. بطوریکه در ابتدای هر دوره، سهم رشته‌های مختلف صنعتی و سهم زیربخش‌های هر یک از این رشته‌ها مشخص شده و بر مبنای آن ثبت سفارشات صورت می‌گیرد. محصولاتی که دارای ارزبری هستند از این سهمیه ارزی استفاده می‌نمایند.

تخصیص مواد اولیه به صورت سهامیه بندی به صنایع مختلف از دیگر روشهای حمایتی در صنعت ایران می‌باشد. مواد اولیه سهامیه بندی شده طیف وسیعی دارند. برای مثال در صنایع نساجی از الیاف و نخ و تاپس پلی‌استر، و اکریلیک و گرانول پلی‌پروپلین و در صنایع شیمیایی از : پلی‌اتیلن، پلی‌پروپلین، پی‌وی‌سی، دی‌اکتیل فتالات، کاغذ چاپ و تحریر و کرافت یا بطور کلی تمام محصولاتی که به نحوی در هر زمان مشمول قیمت گذاری دولتی می‌شود می‌توان نام برد. اقلامی که تحت سیستم سهامیه بندی توزیع می‌شوند از نظر صادرات با

محدودیت مواجه می‌باشند.

در مقایسه مفاد موافقتنامه یارانه‌ها با حمایت‌ها و مشوق‌های مختلف صنعتی در ایران چند نکته قابل ذکر می‌باشد. همانگونه که عنوان گردید یارانه‌های صادراتی و یارانه‌هایی که استفاده از کالای داخلی را در مقابل واردات با صرفه‌تر سازد، از جمله یارانه‌های ممنوع بشمار می‌رود. در قوانین و مقررات ایران و مربوط به بخش صنعت باید گفت که در خصوص صادرات هم مشوق‌های گمرکی (معافیت گمرکی) مشوق‌های مالیاتی (معافیت ۵۰ درصد ارزش صادرات از مالیات بر درآمد) و هم اعطاء جوایز و تسهیلات حمل و نقل اعمال می‌گردد، که طبعاً با موافقتنامه یارانه‌ها مغایرت دارد. اما باید متذکر شد که این حمایت‌ها و مشوق‌ها که طبق تعریف یارانه بشمار می‌روند و به حمایت درآمدی و قیمتی از صادر کننده منجر می‌شوند، جنبه خاص ندارند و کلیه صادرات صنعتی را در بر می‌گیرند و در قانون صنعت یا گروه خاصی از صنایع مشمول تسهیلات صادراتی خاص قرار نگرفته‌اند. اگر به صنعت یا صنایع معینی یارانه خاص اعطاء می‌شود، اولاً باید محاسبه کرد که این یارانه بیش از ۲٪ ارزش کالای تولید آن صنعت باشد، ثانیاً سهم صنعت مورد نظر در تجارت جهانی کالای تولیدی طی دو سال متوالی به ۳/۲۵٪ رسیده باشد، تا بتوان این حمایت را از لحاظ موافقتنامه یارانه‌ها ممنوع دانست. در مورد هیچکدام از کالاهای صنعتی ایران چنین سهمی حاصل نگردیده و شاید تنها ۳ کالای صادراتی ایران یعنی فرش، پسته و پوست گوسفند سهم قابل توجهی در بازارهای جهانی دارند که صنعتی بشمار نمی‌روند. لذا می‌توان گفت که یارانه‌های صادراتی و بطور کلی رژیم حمایت صادراتی ایران به گونه‌ای طراحی نشده که اولاً از تولید و صادرات صنعت خاص حمایت بعمل آورد و ثانیاً مغایرتی با مفاد موافقتنامه یارانه‌ها داشته باشد.

از دیگر مشوق‌های صنعتی که احتمال مغایرت آن با موافقتنامه یارانه‌ها می‌رود می‌توان به حمایت از صنایع اساسی و تولیدات داخلی اشاره نمود. طبق قانون اینگونه صنایع (تولیدات سرمایه‌ای و واسطه‌ای آنها) تا مدتی از پرداخت مالیات معاف می‌باشند و همچنین از اعتبارات بانکی ترجیحی نیز برخوردار هستند و برای ورود مواد اولیه و ماشین‌آلات از اعتبارات صندوق ذخیره ارزی با نرخ بهره ترجیحی استفاده می‌کنند. چنین رویه‌ای در مورد کم و بیش تمامی کشورهای در حال توسعه اعمال می‌شود و در فرآیند حمایت از توسعه صنعتی، امری

متداول است. لکن باز جنبه خاص بودن یارانه‌های اعطایی (در اینجا معافیت‌های مالیاتی و تسهیلات اعتباری) مطرح است که در مورد این صنایع مصداق ندارد و همه صنایع می‌توانند از چنین تسهیلاتی برخوردار گردند و لذا مغایرتی با موافقتنامه یارانه‌ها پیدا نمی‌کند. از سوی دیگر برخی حمایت‌ها از صنایع کشور بعمل می‌آید و متعاقباً ورود کالاهای معینی ممنوع اعلام می‌شود که در قالب موافقتنامه یارانه‌ها قابل تحلیل اقتصادی و مقایسه تطبیقی حقوقی نیست بلکه برای دفاع از این اقدامات باید به برخی مفاد دیگر گات (بویژه مواد ۱۲ و ۱۸ گات ۱۹۴۷) در رابطه با حمایت از صنایع نوپا یا مشکلات تراز پرداخت‌ها استناد شود.

جنبه دیگر موافقتنامه یارانه‌ها به یارانه‌های قابل تعقیب مربوط می‌شود که با توجه به عدم عضویت ایران در گات و سازمان جهانی تجارت و عدم مبادله امتیازات تعرفه‌ای با اعضاء دیگر، این قسم یارانه‌ها در حال حاضر در مورد ایران مصداق پیدا نمی‌کند، چرا که امتیازی اعطاء نگردیده که با برقراری یارانه، اثر امتیاز خنثی شود. ولی پس از الحاق ایران این مبحث یکی از مسائل اساسی است.

بطور کلی باید متذکر شد، تحلیل‌های اولیه از مقایسه موافقتنامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی با رژیم حمایتی صنعتی در ایران (یارانه‌ها، مشوق‌ها و غیره) نشان می‌دهد که اولاً رژیم حمایتی کشور رژیم نامتناسب و بدون هدفی است و صنعت خاصی را بر اساس مزیت‌های نسبی آن صنعت نه از بابت تولید نه از بابت صادرات مورد حمایت قرار نداده است و ثانیاً چنین رژیمی که فاقد حمایت منطقی و جهت دار از صنعت معینی می‌باشد، طبعاً با مفاد موافقتنامه یارانه‌ها نیز مغایرتی پیدا نمی‌کند.

سایر اقدامات حمایتی و اضطراری

موافقتنامه حفاظت‌ها در کنار موافقتنامه ضد قیمت شکنی (ضد دامپینگ) و نیز بخشی از موافقتنامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی، موافقتنامه‌های ناظر بر اتخاذ اقدامات واکنشی یک جانبه تجاری در سازمان تجارت جهانی را که گاه حمایت‌های اقتضایی نیز خوانده می‌شوند تشکیل می‌دهد. این اقدامات به منظور مقابله با رقابت غیر منصفانه و یا مواجهه با شرایط اضطراری به کار بسته می‌شوند.

بنابر این حصول توافق در مورد یک سیستم حفاظتی چند جانبه موثر و کارآمد در قالب ماده ۱۹ گات در فراهم ساختن امنیت لازم برای دسترسی به بازارها بویژه برای کشورهای در حال توسعه و نیز به منظور احیاء اعتبار اصول تجاری چند جانبه از اهمیت زیادی برخوردار است. موافقتنامه حفاظت‌ها نیز جهت پاسخ به چنین نیازی و ضمن تاکید بر رعایت اصل دول کامله الوداد و تعهد کشورها نسبت به ممنوعیت و حذف توافقات موسوم به خودداری‌های داوطلبانه صادراتی و ترتیبات بازاریابی منظم (OMA) و دیگر اقدامات مشابه، مورد پذیرش اعضای گات واقع شده است. در موافقتنامه حفاظت‌ها، به منظور نظارت دقیق بر نحوه اجرای مفاد موافقتنامه یک کمیته حفاظت‌ها پیش‌بینی شده است. همچنین ضوابط دقیقی برای تعیین خسارت و رابطه علی میان واردات و صنعت خسارت دیده در نظر گرفته شده است. در چارچوب این موافقتنامه و تحت شرایط استثنایی و هنگامی که واردات از یک کشور عضو به طور نامتناسبی افزایش یابد، برقراری سهمیه وارداتی که طبعاً موجب تبعیض در میان عرضه کنندگان مختلف می‌شود، مجاز دانسته شده است.

ماده ۱۹ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات ۱۹۴۷) یکی از مواردی است که کشورها را مجاز می‌دارد در صورت وارد آمدن خسارت به صنایع داخلی از ناحیه واردات، به اقدامات تجاری محدود کننده مبادرت ورزند. در سال‌های اخیر برخی از کشورهای بویژه کشورهای صنعتی به بهانه وارد آمدن خسارت به صنایع داخلی خود و به استناد به این ماده، با وضع موانع غیرتعرفه‌ای در مقابل واردات از کشورها به ترتیبات تجاری محدود کننده و تجارت غیرمنصفانه متوسل شده‌اند. یکی از دلایل عدم استفاده درست از ماده ۱۹ گات، این است که اقدامات حفاظتی باید با تعهد کشورها در مورد رعایت اصل دول کامله الوداد منطبق باشد که این امر مستلزم عدم تبعیض در مقابل واردات از منابع مختلف می‌باشد. خود مفهوم خسارت نیز از دیگر مواردی است که در کشورهای مختلف تعریف یکسانی برای آن وجود ندارد و در برخی از کشورها، استانداردهای بالایی برای آن وضع شده و معمولاً با رفتار غیرمنصفانه تجاری تفاوت دارد. از این رو کشورهای پیشرفته و بویژه اتحادیه اروپا، معتقدند که کشورها در قالب ماده ۱۹ باید مجاز باشند که در مقابل واردات از منابع خاص به اقدامات تبعیض آمیز توسل جویند، چرا که خسارت غالباً بعلت گسترش سریع واردات از یک یا تعدادی منابع معین

وارداتی ناشی می‌شود و تنها این منابع باید محدود شوند که عملاً به معنای نقض اصل دول کامله الوداد می‌باشد. مخالفت بسیاری از کشورها بویژه ممالک در حال توسعه با هرگونه نقض اصل دول کامله الوداد باعث گردید که کشورهای عضو گات نتوانند در دور توکیو در مورد حفاظت‌ها به توافقی دست یابند و این امر در مذاکرات دور اروگوئه همچنان ادامه داشت. یکی از شیوه‌هایی که کشورهای پیشرفته در سال‌های اخیر جهت حمایت از صنایع داخلی در مقابل خسارت‌های احتمالی از ناحیه واردات بدان متوسل شده‌اند، مذاکره و حصول توافق با تعداد محدودی از کشورهای صادرکننده و در زمینه برخی از کالاهای معین در قالب ترتیباتی موسوم به خودداری‌های داوطلبانه صادراتی^۱ (VERs) بوده است. ترتیباتی که در چارچوب موافقتنامه الیاف چندگانه (MFA) و به منظور تعیین سهمیه‌های صادراتی منسوجات و پوشاک از سال ۱۹۷۴ معمول شد بتدریج به بخش‌ها و کالاهای دیگر نیز تسری پیدا کرد. اقلام محدودی چون فولاد، اتومبیل، تلویزیون، ماشین ابزار، کفش، ویدئو، نیمه‌هادی‌ها و کشتی از جمله بخش‌های صنعتی هستند که در آمریکا و اتحادیه اروپا مورد حمایت می‌باشند. این اقدامات حمایتی که به اقدامات حوزه خاکستری^۲ موسوم است، یکی از عوامل تضعیف اعتبار مقررات گات در سال‌های اخیر بوده است. کشورهایایی که از وضع چنین محدودیت‌هایی متضرر می‌شوند مجازند که طبق ماده ۱۹ به اقدامات جبرانی و تلافی جویانه متوسل شوند. لکن از آنجا که وضع این محدودیت‌ها با توافق صورت گرفته، نمی‌توانند به ماده ۱۹ استناد کنند و کشورهای صادرکننده‌ای نظیر ژاپن، کره جنوبی و تایوان بخاطر ترس از دست دادن تمامی سهم خود در بازارهای وسیع و پرجاذبه‌ای چون آمریکا و اتحادیه اروپا، به پذیرش داوطلبانه این محدودیت‌ها تن داده‌اند.

موافقتنامه حفاظت‌ها اصول اتخاذ اقدامات حفاظتی را که در ماده ۱۹ گات گنجانده شده است، تبیین می‌کند. این اقدامات حفاظتی، اقداماتی اضطراری هستند که یک کشور عضو

^۱ - Voluntary Export Restraints

خودداری‌های داوطلبانه صادراتی، توافق دوجانبه‌ای است که طی آن کشور صادرکننده (دولت یا بخش خصوصی) می‌پذیرد که صادرات خود را بدون اینکه کشور واردکننده مجبور به استفاده از سهمیه‌ها، تعرفه‌ها و یا دیگر کنترل‌های وارداتی شود کاهش داده یا محدود نماید.

^۲ - Grey Area Measures

موقتاً در شرایطی که افزایش واردات لطمه جدی به یک صنعت داخلی آن وارد می‌سازد به کار می‌بندد. این اقدامات در دو قالب افزایش تعرفه به بالاتر از نرخهای تثبیت شده و نیز اعمال محدودیت‌های مقداری صورت می‌گیرد و استثنایی مهم بر دو قاعده کلی گات محسوب می‌شود. اقدامات حفاظتی گاه شروط فرار نیز خوانده می‌شوند چرا که در این شرایط کشور عضو قادر است از برخی تعهدات خود بگریزد.

هریک از موافقتنامه‌های بخشی سازمان تجارت جهانی (کشاورزی، منسوجات و خدمات) اقدامات حفاظتی خاص خود را دارند. بعلاوه در مواد دیگر گات، اقدامات حفاظتی مربوط به ترازپرداختها و نیز اقدامات حفاظتی با اهداف توسعه‌ای گنجانده شده و این موافقتنامه تمامی بخش‌ها را تحت پوشش قرار نمی‌دهد و بطور مثال بخش‌های منسوجات و پوشاک و کشاورزی در چارچوب موافقتنامه‌های مربوطه از ترتیبات حفاظتی دیگری تبعیت می‌کنند.

یک کشور عضو سازمان تجارت جهانی می‌تواند واردات یک کالا را چنانچه صنعت داخلی تهدید شده و یا به دلیل افزایش واردات صدمه بیند موقتاً محدود کند یا اقدام حمایتی درباره آن وضع نماید. در این مورد صدمه باید قابل ملاحظه باشد. اقدامات حمایتی در ماده ۱۹ گات پیش‌بینی شده بود، اما به ندرت مورد استفاده قرار گرفته است. برخی دولت‌ها ترجیح می‌دادند تا از طریق اقدامات منطقه خاکستری از صنایع خود حمایت کنند. این اقدامات از طریق مذاکرات دوجانبه خارج از گات به متقاعد ساختن کشورهای صادرکننده برای اعمال محدودیت‌های سلیقه‌ای صادراتی بود. اقداماتی از این نوع برای برخی از محصولات نظیر اتومبیل، فولاد و نیمه‌هادی‌ها به کار می‌رفت. اما سازمان تجارت جهانی اقدامات منطقه خاکستری را ممنوع ساخت و برنامه زمانبندی ماده غروب^۱ را برای این اقدامات تعیین نمود. این موافقتنامه اعلام می‌دارد که کشورهای عضو نباید محدودیت‌های حمایتی صادراتی یا وارداتی وضع کنند. اقدامات دوجانبه که با موافقتنامه‌های جدید همساز نبودند در پایان ۱۹۹۸ حذف شدند. البته کشورها مجاز بودند صرفاً یکسال این اقدامات را تا پایان ۱۹۹۹ ادامه دهند اما فقط

^۱ - Sunset Clause

منظور از ماده غروب حذف تمامی اقداماتی است که به محدود کردن صادرات یک کشور بطور عمدی منجر می‌شود که باید در طول دوره زمانی خاص خاتمه یابد.

اتحادیه اروپا برای اتومبیل‌های وارداتی از ژاپن از این مقررات استفاده نمود. یکی از دلایل موجه برای اتخاذ اقدامات حمایتی می‌تواند افزایش واقعی در واردات و یا افزایش سهم بازار باشد حتی در صورتی که به لحاظ کمی تغییری در واردات ایجاد نشده باشد. صنایع و یا کارخانجات می‌توانند از طریق دولت‌ها اقدام به اتخاذ اقدامات حمایتی کنند. سازمان تجارت جهانی شرایطی را برای رسیدگی به اقدامات حمایتی وضع نموده است. یکی از آن ملزومات شفافیت قوانین و عملیات است. اقدام به رسیدگی نیازمند اعلام عمومی اقدامات و ارائه شواهد مورد نیاز است.

این موافقتنامه همچنین شرایطی را برای ارزیابی «صدمات جدی»^۱ و عواملی را که باید برای تعیین آثار واردات بر صنایع داخلی مد نظر داشت در نظر گرفته است. زمانی که چنین اقدام حمایتی وضع می‌گردد باید صرفاً در صورتی وضع شود که از بروز صدمات جدی ممانعت کند و یا به درمان آن کمک نماید. اعمال محدودیت‌های کمی نباید از متوسط واردات سه سال گذشته کمتر باشد مگر آن که توجیه منطقی وجود داشته باشد که سطح متفاوتی از حمایت برای جلوگیری از زیان و یا درمان صنعت وجود دارد.

اقدامات جدید حفاظتی نباید برای مدت زمانی معادل مدتی که قبلاً متداول بوده، برقرار شود و در هر صورت هر اقدام جدید حفاظتی باید ۲ سال پس از خاتمه اقدامات قبلی به مورد اجرا درآید. در این مورد کشورهای در حال توسعه می‌توانند پس از گذشت نصف زمان مورد نظر نسبت به وضع اقدامات جدید حفاظتی مبادرت ورزند. در صورتی که سهم صادرات یک کشور در حال توسعه کمتر از ۳ درصد واردات یک کشور عضو را در مورد کالای معینی تشکیل دهد، وضع اقدامات حفاظتی در مورد اینگونه صادرکنندگان مجاز نمی‌باشد.

اقدامات حمایتی را نمی‌توان در مورد واردات از یک کشور خاص بکار برد. اما موافقتنامه توضیح می‌دهد که چگونه سهمیه را باید بین کشورهای عرضه‌کننده تقسیم نمود. یک اقدام حمایتی نباید بیش از ۴ سال به طول بیانجامد مگر آنکه یک مقام صلاحیتدار نشان دهد که چنین اقدامی مورد نیاز است و شواهد کافی برای آن ارائه دهد. در این صورت اقدامات حمایتی را می‌توان تا ۸ سال ادامه داد.

¹ - Serious injury

زمانی که کشوری واردات را برای حمایت از صنایع داخلی محدود می‌کند در مقابل باید به طرف مقابل امتیازی بدهد. موافقتنامه تصریح می‌کند که برای جبران کشور صادرکننده باید از طریق مشاوره راهی ایجاد شود. اما اگر توافقی بین دو طرف تجاری ایجاد نشد کشور صادرکننده می‌تواند اقدامات تلافی‌جویانه را دنبال کند. به عنوان مثال می‌تواند نرخ تعرفه بر صادرات کشوری که اقدامات حمایتی وضع نموده است را افزایش دهد. در برخی شرایط کشور صادرکننده باید سه سال پس از آغاز اقدامات حمایتی صبر کند تا قادر به اتخاذ اقدامات تلافی‌جویانه باشد.

صادرات کشورهای در حال توسعه تا حدودی از اقدامات حمایتی حفاظت می‌شوند. یک کشور واردکننده زمانی می‌تواند از اقدامات حمایتی در مقابل یک کشور در حال توسعه استفاده کند که آن کشور در حال توسعه بیش از یک سوم واردات آن کالای خاص را تأمین کند و یا تمامی کشورهای در حال توسعه با کمتر از ۳٪ سهم جمعاً بیش از ۹٪ کل واردات یک کالای خاص را تأمین نمایند. دولت‌ها باید هر مرحله از رسیدگی به اقدامات حمایتی را اعلام نموده و تصمیمات اتخاذ شده از شفافیت لازم برخوردار باشد و سپس کمیته مربوط این گزارش‌ها را رسیدگی کرده و نتیجه نهایی را اعلام نماید.

براساس آمارهای موجود تعداد رسیدگی‌های ضد دامپینگ از ۱۵۷ در سال ۱۹۹۵ به ۳۵۵ در سال ۱۹۹۹ افزایش یافت. این روند فزاینده به دلیل افزایش تعداد گزارش‌های اعضا از ۱۸ در ۱۹۹۵ به ۲۵ در سال ۲۰۰۱ افزایش یافته است. بخش‌هایی که در مورد آنها بیشترین رسیدگی‌ها به وقوع پیوسته است عبارتند از: فلزات اساسی و محصولات آن (۳۸٪ در سال ۲۰۰۱)، محصولات شیمیایی (۱۷٪) و پلاستیک و محصولات لاستیکی (۱۴/۴٪). حدود ۸۵٪ رسیدگی‌ها در بخش فلزات اساسی در مورد محصولات فولادی اعمال شده است. چهار کشور چین، کره، اندونزی و تایلند در سال ۲۰۰۱ اقدامات ضد دامپینگ را رسیدگی نمودند.

شایان ذکر است که حدود نیمی از اقدامات ضد دامپینگ بدون وضع یک اقدام نهایی به پایان رسیده است. اقدامات جبرانی کمتر از اقدامات ضد دامپینگ مورد استفاده قرار گرفته است. به عنوان مثال در سال ۲۰۰۱، به ۲۷ مورد رسیدگی شد و مهمترین کشورهایی که از این اقدامات استفاده کردند ایالات متحده (۱۸ مورد) و اتحادیه اروپا (۶ مورد) غالباً در مقابل

هندوستان بودند. در سال ۲۰۰۲ تعداد اقدامات حمایتی افزایش یافت. ۳۰ اقدام حمایتی در سال ۲۰۰۲، ۱۴ اقدام در سال ۲۰۰۱، ۲۶ و ۱۵ مورد در سال ۲۰۰۰ و ۱۹۹۹ اعمال شده است.

الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه اقدامات حمایتی

این موافقتنامه پس از الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی بر تجارت و قوانین تجاری ایران اثر می‌گذارد و قبل از آن مستلزم اصلاحات و پیش‌نیازهایی در فرآیند الحاق به سازمان تجارت جهانی نمی‌باشد ولی همانطور که در بخش‌های دیگر به آن اشاره شده باید شرایط حمایت از کالاهای مختلف را طبق موافقتنامه‌های دیگر بالاخص موافقتنامه یارانه‌ها منطبق با سازمان تجارت جهانی نمود.

موافقتنامه ارزش گذاری گمرکی

با توجه به نقشی که گمرکات در تجارت خارجی کشورها بعنوان خط مقدم نقاط تماس تجاری برعهده دارند، نحوه ارزش گذاری کالاهای وارداتی و یا صادراتی برای محاسبه حقوق و عوارض گمرکی توسط گمرکات همواره مورد توجه و دستمایه اختلافات تجاری برای کشورها بوده است.

پروسه برآورد ارزش یک محصول در گمرکات مشکلاتی را برای واردکنندگان دربردارد که ممکن است به اندازه تعرفه‌های گمرکی سخت و محدودکننده باشد. موافقتنامه سازمان تجارت جهانی بر روی ارزیابی کالاها در گمرکات با این هدف طراحی شده است که یک سیستم ارزیابی عادلانه، متحدالشکل و بیطرف را در گمرکات اعمال نماید، سیستمی که مطابق با واقعیت‌های تجاری و اعمال رویه‌های خودسرانه و دلخواهانه را در ارزیابی ممنوع می‌کند. این موافقتنامه یکسری قوانین ارزیابی را ارائه می‌دهد که دقت و وسعت بیشتری از مقررات ارائه شده در موافقتنامه گات را داراست.

براساس تصمیمات اتخاذ شده در دور اروگوئه به گمرکات این حق را می‌دهد که اطلاعات بیشتری را از واردکننده در شرایطی که نسبت به صحت موارد اعلام شده مشکوک هستند اخذ نماید. در صورتی که گمرکات علیرغم کسب اطلاعات اضافی مشکوک باشند ممکن است ارزش گمرکی کالای وارداتی براساس اظهارات واردکننده تعیین نشود.

بر اساس ماده ۱ این موافقتنامه ارزش گمرکی کالای وارد شده ارزش معاملاتی یعنی قیمت پرداخت شده یا قابل پرداخت برای کالا می‌باشد. همچنین در ماده ۲ آمده است که اگر نتوان ارزش گمرکی کالای وارد شده را تعیین نمود، ارزش گمرکی، ارزش معاملاتی کالای همسانی^۱ خواهد بود که برای صدور به همان کشور واردکننده فروخته شده و حدوداً در همان زمان صادر شده است. علاوه بر این در ماده ۳ موافقتنامه آمده است که اگر نتوان ارزش گمرکی کالای وارد شده را طبق مقررات مواد فوق تعیین کرد، ارزش گمرکی، ارزش معاملاتی کالای مشابهی خواهد بود که برای صدور به همان کشور واردکننده فروخته شده و حدوداً در همان زمان صادر شده است. در صورت عدم تعیین ارزش گمرکی کالای وارد شده طبق روش‌های فوق، دو روش دیگر نیز در موافقتنامه پیش‌بینی شده است. طبق ماده ۵، اگر کالای وارد شده یا کالای وارد شده همسان یا مشابه به همان وضعی که وارد شده در کشور واردکننده به فروش برسد، ارزش گمرکی کالای وارد شده مبتنی بر قیمت واحدی از کالای وارد شده یا کالای وارد شده همسان یا مشابه خواهد بود که حدوداً در همان زمان وارد شده است و در بیشترین مقدار از مجموع فروش فروخته می‌شود با کسر موارد زیر:

- ۱- حق العمل‌هایی که معمولاً پرداخت می‌شود یا توافق می‌شود که پرداخت گردد یا افزایش‌هایی که معمولاً برای سود یا هزینه‌های عمومی در مورد فروش کالای وارد شده متعلق به همان طبقه یا نوع، در چنین کشوری صورت می‌گیرد.
- ۲- هزینه‌های معمول حمل و نقل و بیمه و هزینه‌های مرتبط با آنها که کشور واردکننده متقبل شده است.
- ۳- حقوق گمرکی و دیگر مالیات‌های ملی که به دلیل وارد شدن یا فروش کالا در کشور واردکننده قابل پرداخت است.

^۱ اصطلاح کالاهای همسان و مشابه در ماده ۱۵ موافقتنامه ارزش‌گذاری گمرکی تعریف شده است. کالای همسان به معنای کالایی است که از همه جهات از جمله خصوصیات مادی، کیفیت و شهرت همانند می‌باشد. کالای مشابه نیز به معنای کالایی است که گرچه از همه جهات همانند نیست، اما خصوصیات همانند و مواد تشکیل‌دهنده همانندی دارد که آن را قادر می‌سازد وظایف مشابهی را انجام دهد و از نظر تجاری قابلیت جانشینی داشته باشد.

روش پنجم ارزش گذاری گمرکی در ماده ۶ موافقتنامه مقرر می نماید که ارزش گمرکی کالای وارد شده بر ارزش محاسباتی مبتنی خواهد بود. ارزش محاسباتی مرکب است از مجموع قیمت یا ارزش مواد و ساخت یا پردازش دیگری که در تولید کالای وارد شده به کار گرفته شده است بعلاوه مقداری بابت سود و هزینه های عمومی معادل آنچه معمولاً در فروش کالای متعلق به همان طبقه یا نوع از کالایی که تولیدکنندگان در کشور صادرکننده برای صدور به کشور وارد کننده منظور می کنند. ارزش محاسباتی مرکب است از:

۱. قیمت یا ارزش مواد و ساخت یا پردازش دیگری که در تولید کالای وارد شده به کار گرفته شده است.

۲. مقداری بابت سود و هزینه های عمومی معادل آنچه معمولاً در فروش کالای متعلق به همان طبقه یا نوع کالایی که در ارزش گذاری آن منعکس می گردد و تولیدکنندگان در کشور صادرکننده برای صدور به کشور وارد کننده منظور می کنند.

نهایتاً در ماده ۷ موافقتنامه تصریح شده که اگر نتوان ارزش گمرکی کالای وارد شده را طبق روش های فوق تعیین کرد، ارزش گمرکی با استفاده از طرق معقول سازگار با اصول و مقررات عمومی این موافقتنامه و بر مبنای داده های موجود در کشور وارد کننده کالا تعیین خواهد شد. طبق ماده ۹، در مواردی که برای تعیین ارزش گمرکی تبدیل ارز لازم باشد، نرخ مورد استفاده آن نرخ خواهد بود که مقامات صلاحیتدار کشور وارد کننده ذیربط به نحو مقتضی اعلام کرده اند.

از سوی دیگر طبق ماده ۱۸ این موافقتنامه، یک کمیته ارزش گذاری گمرکی مرکب از نمایندگان هر یک از اعضاء و نیز یک کمیته فنی ارزش گذاری گمرکی تحت نظارت شورای همکاری گمرکی (CCC) تشکیل خواهد شد.

در ماده ۲۰ موافقتنامه نسبت به کشورهای در حال توسعه عضو، رفتار متفاوت ویژه ای مطرح شده است. این کشورها مجازند اجرای مقررات این موافقتنامه را تا ۵ سال پس از شروع کار سازمان تجارت جهانی به تعویق اندازند.

الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه ارزش گذاری گمرکی

طبق ماده ۱۰ قانون امور گمرکی کشور مصوب خرداد ماه ۱۳۵۰، ارزش گمرکی

کالای ورودی عبارت است از: ارزش CIF (بهای خرید کالا در مبداء بعلاوه هزینه بیمه، حمل و نقل و باربندی) و هزینه‌های مربوط به افتتاح اعتبار، واریز بروات، امتیاز نقشه و سرقفلی و سایر هزینه‌هایی که تا ورود به اولین دفتر گمرکی تعلق می‌گیرد. ارزش کالا که به این ترتیب مقرر گردیده به ریال یا هم ارز ریالی به نرخ رسمی که بانک مرکزی اعلام می‌دارد تقویم می‌شود. بهای خرید باید منطبق با بهای واقعی معاملاتی صادراتی باشد. بنابراین صرف مندرجات فاکتور قابل قبول نبوده و می‌بایست پس از تعیین براساس معیارهای تعیین شده در قانون و آئیننامه گمرک احراز شود. کرایه حمل از مبداء تا مقصد بارنامه، بعلاوه هزینه باربندی چه این هزینه پرداخت شده باشد چه نشده باشد، در هر حال مطابق نرخ معمول و طبق تعرفه‌های موجود در احتساب قیمت کالای ورودی منظور می‌شود. هزینه بیمه باربری نیز چه کالا بیمه شده چه نشده باشد. یا طبق بیمه نامه یا در صورت فقدان بیمه نامه معادل ۳ درصد ارزش C&F کالا محاسبه شده و به این ترتیب ارزش CIF محاسبه می‌گردد. هزینه مربوط به افتتاح اعتبار منحصر است به حق ثبت سفارش که طبق قانون بودجه سالانه برای ثبت سفارش کالا مقرر می‌گردد.

علاوه بر عواملی که در تعیین ارزش کالای وارداتی که ارزش CIF کالا است دخالت دارند و مبنای ارزش گذاری گمرک ایران می‌باشد، معیارهای دیگری در گمرک برای مقایسه و تعیین ارزش کالا مورد استفاده قرار می‌گیرد:

- (۱) مقایسه با ارزش صادراتی کالای همسان از همان کشور مبداء که همزمان به ایران فروخته شده و مورد قبول گمرک قرار گرفته است.
- (۲) مقایسه با ارزش صادراتی کالای مشابه، از همان کشور مبداء که همزمان به ایران فروخته شده و مورد قبول گمرک قرار گرفته باشد. وجوه اشتراک مقررات گمرکی ایران و مفاد موافقتنامه ارزش گذاری گمرکی در خصوص کالاهای همسان و مشابه این است که این اصطلاحات در هر دو مورد از شورای همکاری گمرکی برداشت شده است.
- (۳) مقایسه با فهرست بهای صادراتی محصولات یا تولیدات یک کارخانه یا تولیدکننده که باید مستقیماً توسط سازنده تنظیم و صادره از کشور مبداء باشد.

۴) فهرست‌های عمده و یا خرده فروشی داخل کشور صادر کننده.

۵) مقایسه بر مبنای ارزش عمده فروشی و خرده فروشی داخل کشور.

مورد اخیر، آخرین معیاری است که در صورت عدم اجرای موارد فوق در مورد مقایسه ارزش کالای وارداتی ملاک عمل قرار می‌گیرد. هر مورد شروط و روش‌های محاسباتی خاصی دارد که با ذکر جزئیات در آئیننامه گمرکی ایران آمده است. بطور کلی مقایسه مفاد موافقتنامه ارزش گذاری گمرکی با قانون و مقررات گمرکی ایران در خصوص تعیین ارزش کالای وارداتی نشان می‌دهد که ایران معمولاً برای تقویم کالاهای وارداتی از روش اول یعنی روش معاملاتی و قیمت واقعاً پرداخت شده استفاده می‌نماید که روش اصلی در موافقتنامه مزبور می‌باشد. از سوی دیگر ایران به لحاظ عضویت در شورای همکاری گمرکی و تبعیت از روش‌ها، رویه‌ها و اصطلاحات و تعاریف بین‌المللی این شورا، مشکل خاصی در ارتباط با موافقتنامه ارزش گذاری گمرکی ندارد.

موافقتنامه بازرسی پیش از حمل

بازرسی قبل از بارگیری به مفهوم استفاده از شرکت‌های خصوصی و یا مؤسسات مستقل برای بازرسی جزئیات بارگیری بالاخص، قیمت، کمیت و کیفیت کالاهای سفارش داده شده است. عملکرد شرکت‌های خصوصی متخصص در بازرسی جزئیات محصولات تجاری نظیر کمیت و کیفیت و قیمت کالاها موضوع این موافقتنامه می‌باشد.

هدف از این موافقتنامه تأمین منافع مالی ملی و جلوگیری از خروج سرمایه، کلاهبرداری‌های تجاری و فرار از پرداخت عوارض گمرکی است و برای جبران عدم کفایت‌های موجود در سازمان‌های اداری گمرکات و بنادر مورد استفاده قرار می‌گیرد. از جمله تعهداتی که بر دولت‌هایی که از بازرسی قبل از بارگیری استفاده می‌کنند وضع می‌گردد عبارت از: عدم تبعیض، شفافیت، حمایت از اطلاعات تجاری محرمانه، اجتناب از تأخیرهای نامعقول، استفاده از خطوط راهنمای مشخص برای بررسی صحت قیمت کالاها و جلوگیری از تضاد منافع به وسیله سازمان‌های بازرسی است.

عملکرد شرکت‌های خصوصی متخصص در بازرسی جزئیات محصولات تجاری نظیر

کمیت، کیفیت و قیمت کالاها موضوع این موافقتنامه می‌باشد. در این موافقتنامه اصول بازرسی گات بر فعالیت‌های مؤسسات بازرسی کننده تسری یافته است. در این موافقتنامه دولت‌های عضو استفاده کننده از خدمات این گونه مؤسسات متعهد شده‌اند که اصولی نظیر عدم تبعیض، شفافیت، حفاظت از اطلاعات تجاری محرمانه، اجتناب از تأخیرهای غیرمنطقی، استفاده از دستورالعمل‌های خاص برای تأیید قیمت و اجتناب از تعارض منافع مؤسسات بازرسی کننده را رعایت نمایند. از سوی دیگر، کشورهای عضو صادرکننده در قبال استفاده کنندگان از خدمات مؤسسات بازرسی تعهداتی را نظیر عدم تبعیض در اعمال قوانین و مقررات داخلی، شفافیت و انتشار مناسب قوانین و مقررات مربوطه پذیرا شده‌اند. اعطای کمک‌های فنی به کشورهای در حال توسعه استفاده کننده از خدمات این مؤسسات در موافقتنامه پیش‌بینی شده است. همچنین در موافقتنامه به منظور حل و فصل اختلافات میان صادرکننده و مؤسسه بازرسی قبل از حمل رویه خاص مقرر گردیده است.

این موافقتنامه یک پروسه تجدید نظر را ارائه می‌کند. این پروسه به وسیله فدراسیون بین‌المللی آژانس‌های بازرسی (IFIA) International Federation of Inspection Agencies و اتاق بین‌المللی تجارت (ICC) International Chamber of Commerce که معرف صادرکنندگان است اداره می‌شود و هدف آن حل و فصل مشاجرات میان صادرکنندگان و آژانس‌های بازرسی است.

با توجه باینکه تا قبل از دور اروگوئه تعداد زیادی از کشورهای در حال توسعه از “بازرسی پیش از حمل” برای بررسی کیفیت، کمیت و قیمت کالاهای وارداتی استفاده می‌کردند، به منظور اینکه چنین برنامه‌هایی باعث ایجاد تأخیرهای غیر لازم یا رفتار نابرابر نشود، در دور اروگوئه توافق شد تا در مورد حقوق و تعهدات کشورهای استفاده کننده عضو و کشورهای صادرکننده عضو، یک چارچوب بین‌المللی مورد توافق طرفین ایجاد کنند و بر این اساس موافقتنامه بازرسی پیش از حمل ایجاد شد. بطور کلی دو هدف عمده کشورها از استفاده از خدمات بازرسی پیش از حمل، مقابله با مشکل ارزش گذاری پایین و یا بالای کالاهای وارداتی است. ارزش گذاری پایین کالاهای وارداتی موجب تعلق حقوق و عوارض گمرکی (تعرفه) کمتر از میزان واقعی شده و منجر به کاهش درآمدهای گمرکی دولتها می‌شود و ارزش

گذاری بالای کالاهای وارداتی در کشورهایی که نظام کنترل ارزی وجود دارد سبب خروج ارز از کشور می‌گردد. به موجب موافقتنامه بازرسی پیش از حمل (PSI) دو دسته تعهدات برای “کشورهای استفاده کننده عضو” و “کشورهای صادرکننده عضو” پیش بینی شده است که بار اصلی تعهدات بر دوش گروه اول یعنی “کشورهای استفاده کننده عضو” از خدمات بازرسی پیش از حمل قرار داد. اصلی ترین تعهدات این کشورها بر رعایت اصل کلی عدم تبعیض و رفتار ملی، اجتناب از تاخیرهای غیر ضروری، استفاده از استانداردهای بین المللی و مورد توافق خریدار و فروشنده جهت ارزیابی کیفی و فنی کالا، رعایت شفافیت، حفظ اطلاعات بازرگانی و تجاری محرمانه، برخورداری واردکنندگان از حق استیناف در موارد بروز اختلاف، و اطلاع رسانی به موقع تأکید دارد و برای هر یک رویه های اجرایی مربوطه را توصیه و تعیین نموده است. تعهدات کشورهای صادرکننده عضو نیز به رعایت اصل اساسی عدم تبعیض، شفافیت، و ارائه کمک های فنی به کشورهای استفاده کننده عضو انحصار دارد. این موافقتنامه برای تمامی اعضا سازمان تجارت جهانی لازم الاجرا است .

تعهدات کشورهای صادرکننده به کشورهایی که از رویه های بازرسی قبل از بارگیری استفاده می کنند عبارتند از: عدم تبعیض در بکارگیری قانون های داخلی و مقررات، انتشار سریع قوانین و مقررات و ارائه خدمات فنی در مواقع مورد نیاز.

الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه بازرسی پیش از حمل

طبق ماده ۵ قانون اصلاح قوانین و مقررات موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، موسسه استاندارد می تواند به منظور کنترل کیفی و کمی مواد اولیه و ساخت تا مرحله بسته بندی، بارگیری، حمل، تخلیه و انتقال کالا به محل مصرف و در جهت رقابت با موسسات و شرکت های مشابه خارجی با تصویب هیات وزیران، از طریق ایجاد نمایندگی یا شعبه در خارج از کشور و ارائه خدمات بازرسی به بخش های دولتی و غیر دولتی بر اساس ضوابطی که به تصویب شورای عالی استاندارد می رسد فعالیت نماید.

در تبصره ذیل این ماده نیز آمده است که موسسه تنها مرجع رسمی برای تأیید صلاحیت شرکت ها و موسسات بازرسی کننده داخلی و خارجی (سورویانس) می باشد. آئین نامه اجرایی این تبصره نیز در ۱۳ ماده تدوین و ابلاغ گردیده است. در مقایسه مفاد موافقتنامه

بازرسی قبل از حمل و آئین نامه اجرایی تبصره ماده ۵ قانون استاندارد باید ابراز داشت که موافقتنامه ۳ طرف دولت استفاده کننده از خدمات موسسات بازرسی (بعنوان وارد کننده کالا)، صادر کننده و موسسات بازرسی قبل از حمل مورد خطاب می‌باشند در صورتی که موضوع اصلی آئین نامه تبصره ۵، نحوه فعالیت موسسات بازرسی کننده و چگونگی احراز شرایط لازم برای کسب مجوز بازرسی است و در واقع ضوابط موسسه استاندارد برای فعالیت شرکت‌های داخلی و خارجی بازرسی کننده در محدوده قوانین ایران است. مهمتر اینکه در موافقتنامه بازرسی قبل از حمل، رابطه صادر کننده و موسسه بازرسی کننده و اختلافات احتمالی آنها بطور مشخصی دیده شده است در حالیکه در آئین نامه اجرایی مذکور، اساساً نحوه ارتباط صادر کننده با موسسه بازرسی لحاظ نگردیده است. در آئیننامه اجرایی، موسسه استاندارد برای تعیین صلاحیت یا عدم صلاحیت موسسات بازرسی کننده دارای همه گونه اختیارات می‌باشد و می‌تواند راساً و به تشخیص خود در صورت تخلف موسسات بازرسی کننده، نسبت به لغو پروانه تأیید صلاحیت آنها اقدام کند. لکن پیش بینی نشده که در صورت بروز اختلاف میان صادر کنندگان و موسسات بازرسی، مرجع حل اختلاف کیست و اگر موسسه استاندارد باشد (بعنوان نماینده دولت استفاده کننده از خدمات بازرسی) با مفاد موافقتنامه بازرسی قبل از حمل مغایرت پیدا می‌کند. در موافقتنامه، هیات حل اختلاف متشکل از نماینده صادر کننده، نماینده موسسه بازرسی و نماینده مستقل و مورد اعتماد دو طرف پیش بینی شده است.

لذا در صورت عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت و پذیرش مفاد این، انجام اقدامات و تدوین مقرراتی متناسب با مفاد این موافقتنامه که ناظر بر رفتار دولت وارد کننده، صادر کننده و موسسه بازرسی باشد، لازم به نظر می‌رسد. اساساً این موافقتنامه بدین منظور در مجموعه موافقتنامه‌های دورارو گوئه گنجانده شده که کشورها با توسل به خدمات اینگونه موسسات موانع غیر ضروری و ناعادلانه‌ای را بر سر راه تجارت میان یکدیگر ایجاد نکنند و رویه‌هایی که در این موافقتنامه پیش بینی شده با هدف به حداقل رساندن فرآیند بازرسی و رفع اختلافات احتمالی تنظیم گردیده است. در حالیکه در تدوین مقررات مربوط به موسسات بازرسی در ایران، چنین نگرشی در جهت تسهیل مبادلات تجاری مد نظر نبوده است. به هر حال، موافقتنامه بازرسی قبل از حمل از جمله موافقتنامه‌هایی نیست که مشکلات حادی را متوجه

دستگاه‌های مربوطه سازد.

موافقتنامه قواعد مبدأ

امروزه تحولات سریعی که در زمینه فن آوری و تقسیم کار بین‌المللی بر حسب مزیت‌های نسبی و رقابتی پدید آمده است، گستردگی زنجیره تولید صنعتی از یک کشور به چند و یا چندین کشور را موجب شده و در تولید یک محصول نهایی ممکن است کشورهای متعددی نقش داشته باشند. از طرفی روند همگرایی‌های منطقه‌ای و تشکیل مناطق آزاد تجاری و اتحادیه‌های گمرکی و ایجاد پیمان‌های تجاری منطقه‌ای از شتاب روز افزونی برخوردار شده که به موجب آن کشورها به اعطای ترجیحات تعرفه‌ای به کشورهای هم پیمان خود مبادرت می‌ورزند. از این رو دانستن اینکه یک کالا ساخت چه کشوری است اهمیت بیشتری یافته است و کشورها برای این منظور روش‌ها و قواعد مختلفی را وضع کرده‌اند.

قوانین مبدأ (Rules of Origin) ویژگی‌هایی را که برای تعریف این موضوع که کالا در کجا تولید شده است ارائه می‌کند. قوانین مبدأ جزء مهمی از قوانین تجاری است چرا که در برخی سیاست‌ها میان کشورهای صادرکننده تبعیض قائل می‌شود. این تبعیض‌ها عبارتند از: سهمیه‌ها و نرخ‌های تعرفه ترجیحی، عملیات ضد دامپینگ، عوارض گمرکی جبرانی به منظور مقابله با سوبسیدهای صادراتی و غیره. قوانین مبدأ برای تهیه آمار تجاری نیز حائز اهمیت هستند. این رویه با روند جهانی شدن و رویه‌ای که یک کالا در کشورهای مختلف پردازش می‌شود پیچیده تر شده است.

با توجه به اهمیت مطلب و به منظور اجتناب از اینکه قوانین مبدأ متعدد و مختلف کشورها خود تبدیل به مانعی فرا راه تجارت شود و به حقوق اعضا سازمان تجارت جهانی به موجب گات ۹۴ لطمه زند و به منظور تضمین اینکه قواعد مبدأ به گونه‌ای منصفانه، شفاف، قابل پیش‌بینی، منطقی و بیطرفانه تهیه و اعمال شوند، در دور اروگوئه مذاکرات برای تعیین ضوابط و تعهدات کشورهای عضو انجام و منجر به ایجاد موافقتنامه قواعد مبدأ گردید. مهمترین کاربردهای قواعد مبدأ به اعمال رجحان‌های تجاری ترتیبات منطقه‌ای، اقدامات حفاظتی، اقدامات جبرانی، محدودیتهای مقداری و سهمیه‌های تعرفه‌ای بر می‌گردد. بطور کلی قواعد

مبدأ نباید بعنوان ابزار تعقیب مستقیم یا غیر مستقیم اهداف تجاری مورد استفاده قرار گیرند و این قواعد باید به نحوی غیر تبعیض آمیز اعمال شوند. در قواعد مبدأ باید مقرر گردد مبدأ کالا کشور یا محلی است که کالا کلاً در آنجا بدست آمده یا چنانچه بیش از یک کشور در تولید آن کالا دخالت داشته باشد، کشوری مبدأ کالا محسوب شود که آخرین تغییر شکل اساسی در آنجا صورت گرفته است. همچنین در مواردیکه معیارهای "درصد ارزشی" و "یا" فرآیند ساخت و پردازش کالا" اعمال می شود باید روش محاسبه و عملیاتی که سبب تعیین مبدأ برای کالای ذیربط می گردد به دقت مشخص شوند. شفافیت، برخورداری از حق استیناف، عدم تأخیر و حفظ رازداری و حفاظت از اطلاعات محرمانه از دیگر الزامات این موافقتنامه است. موافقتنامه قواعد مبدأ فقط ناظر بر قواعد مبدأ غیر ترجیحی بوده و کشورها می توانند برای ترتیبات منطقه‌ای و اتحادیه های تجاری و گمرکی از قواعد مبدأ ترجیحی نیز برخوردار باشند. این موافقتنامه برای کلیه اعضا سازمان تجارت جهانی لازم الاجرا است.

قواعد مبدأ موجب سهولت در جریان تجارت بین‌المللی می گردد و هدف این موافقتنامه در بلندمدت هماهنگ نمودن قواعد مبدأ غیر ترجیحی است. نکته اصلی این موافقتنامه رعایت اصل دولت کامله الوداد در مورد قواعد مبدأ می باشد ضمن آنکه تصریح شده است که کشورها باید قوانین شان شفاف بوده و اثر تحریف کننده‌ای بر تجارت نداشته باشد.

هدف این موافقتنامه رعایت اصل دول کامله الوداد در مورد قواعد مبدأ می باشد. از اعضای سازمان تجارت جهانی خواسته شده که اطمینان دهند قواعدشان شفاف بوده و اثر تحریف کننده بر تجارت ندارد. اگر چه قواعد مبدأ مورد استفاده در توافقات تجاری ترجیحی (نظیر GSP و کنوانسیون LOME) تحت پوشش این موافقتنامه نمی باشد و چنین قواعد ترجیحی مستقلاً توسط اعطاء کنندگان ترجیحات در طرح‌های مربوطه تشریح شده است. با این حال در موافقتنامه مبدأ اعلامیه مشترکی در خصوص قواعد مبدأ ترجیحی پیش‌بینی شده است.

در ماده ۳ موافقتنامه^۱ از اعضا خواسته شده که طبق قواعد مبدأ خود کشوری که به عنوان مبدأ کالایی خاص تعیین می شود کشوری باشد که کالا کلاً در آنجا به دست آمده یا

^۱ - بررسی آثار عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت بر صنعت، ۱۳۷۵، سازمان مدیریت صنعتی.

چنانچه بیش از یک کشور در تولید آن دخالت داشته باشند کشوری باشد که آخرین تغییر شکل اساسی در آنجا صورت گرفته است.

همچنین در همین ماده آمده است که به مجرد درخواست یک صادرکننده، واردکننده و یا هر شخص به دلیل موجه، ارزیابی‌های مربوط به تعیین مبدأ یک کالا در سریع‌ترین وقت ممکن و حداکثر ۱۵۰ روز پس از درخواست این ارزیابی به پایان برسد مشروط بر آنکه تمامی منابع لازم تسلیم شده باشد. این ارزیابی‌ها برای ۳ سال اعتبار خواهند داشت مشروط بر آنکه واقعیات و شرایط یکسان باقی بمانند.

موافقتنامه قوانین مبدأ از کشورهای عضو می‌خواهد که قوانین مبدأ آنها شفاف بوده و دارای موانع محدودکننده و اختلال برانگیز بر تجارت بین‌المللی نباشند، به شکل معقولی اداره شود و براساس استانداردهای مثبت شکل بگیرند. به عبارت دیگر آنها باید عنوان کنند که چه چیزی قوانین مبدأ را تأیید نمی‌کند.

در ماده ۴ این موافقتنامه تشکیل کمیته‌ای در مورد قواعد مبدا و مرکب از نمایندگان هر یک از اعضاء پیش‌بینی شده است. همچنین کمیته‌ای فنی در مورد قواعد مبدا و تحت نظارت شورای همکاری گمرکی تشکیل می‌گردد بطوری که دبیرخانه شورای همکاری گمرکی به عنوان دبیرخانه کمیته فنی عمل خواهد کرد.

این موافقتنامه برای تمامی کشورهای عضو لازم‌الاجرا است اما در عین حال استثناءهایی به شکل تجارت ترجیحی در آن وجود دارد. به عنوان مثال کشورهاییک اتحادیه تجاری تشکیل می‌دهند قادر خواهند بود قوانین مبدأ متفاوتی برای محصولاتیک که در موافقتنامه تجاری آنها درج می‌شود را در نظر بگیرند. موافقتنامه اتحادیه تجاری یک برنامه هماهنگی را ایجاد می‌کند که متکی بر اصولی است مبتنی بر قابل درک و پیش‌بینی بودن قوانین مبدأ است. این موافقتنامه قرار بود تا ژوئیه ۱۹۹۸ نهائی شود اما چندین بار به تعویق افتاده است. این موافقتنامه به وسیله کمیته قوانین مبدأ در سازمان تجارت جهانی و یک کمیته فنی تحت نظارت سازمان جهانی گمرک در بروکسل اداره می‌شود. نتیجه مذاکرات این کمیته مجموعه قوانینی است که به وسیله تمامی اعضاء در تمامی موقعیت‌ها بکار گرفته شود و دارای برخوردارهای ترجیحی با کشورها نباشد.

الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه قواعد مبدأ

منظور از کشور مبدأ، کشوری است که در آنجا کالا تولید، مونتاژ، پردازش، فرآوری یا تهیه می‌شود. این تعریف تقریباً همان تعریف سازمان جهانی گمرک (WCO) است که در حال حاضر برای تعیین مبدأ در ایران، صرف نظر از چگونگی عمل صادر کننده استفاده می‌شود. معمولاً صادر کننده نخست، در اظهارنامه گمرکی کشور مبدأ را صریحاً قید و اظهار نامه را امضاء می‌کند. گمرک پس از تسلیم اظهارنامه، کالا را معاینه نموده و مراحل زیر را انجام می‌دهد.

- مشخصات فنی کالا را بازرسی و ارزیابی می‌نماید.
 - علائم، مارک و نوشته‌های روی کالا یا بسته بندی را با کیفیت کالا مطابقت می‌کند.
 - در صورت تردید در مبدأ ساخت، از وزارتخانه‌های صنعتی یا کارشناسان استعلام می‌کند.
 - با مراجعه به بازار، مبدأ کالا را سؤال می‌نماید.
- پس از تأیید گمرک، مجوزی به صادر کننده خارجی تسلیم می‌شود. صادر کننده مجوز گمرک را به اتاق بازرگانی برده و بر حسب اینکه کالا و کشور محل ورود آن (مقصد نهایی) تحت شمول مقررات مربوط به ترجیحات تعرفه‌ای باشد یا خیر، فرم A گواهی مبدأ یا فرم عادی توسط اتاق بازرگانی به صادر کننده تسلیم می‌شود. بعد از صدور گواهی مبدأ صادر کننده با مراجعه به سفارت یا کنسولگری کشور مقصد واقع در ایران، مهر و امضاء اتاق بازرگانی را به تصدیق سفارت یا کنسولگری مربوطه می‌رساند و برای ذینفع در مقصد ارسال می‌دارد. قواعد مبدأ در ایران مبتنی بر رویه‌ها و تشریفات معمول اداری است و قانون خاصی در این زمینه وجود ندارد و لذا تغییر احتمالی این رویه‌ها و انطباق آن با موافقتنامه مبدأ دور اروگونه سهلتر می‌باشد. لذا با توجه به اینکه ایران معمولاً در ترتیبات و رویه‌های گمرکی، هماهنگی‌های لازم را با شورای همکاری گمرکی به عمل می‌آورد و از روشها و تعاریف و اصطلاحات این شورا بهره می‌جوید و با عنایت به اینکه این شورا در برنامه هماهنگ سازی نقش مهمی دارد، می‌توان انتظار داشت که ایران نیز حتی در صورت عدم عضویت در سازمان جهانی تجارت بتواند از این مقررات بین المللی و پذیرفته شده در زمینه قواعد مبدأ پیروی کند

و مشکل خاصی متوجه کشور نیست.

موافقتنامه رویه‌های صدور مجوز ورود

موافقتنامه رویه‌های صدور مجوز ورود (ILP)، محصول دور توکیو است که بعداً در دور اروگوئه تکمیل گردید. با توجه به اینکه رویه‌های صدور مجوز ورود یکی از مصادیق جدی موانع غیر تعرفه‌ای به شمار می‌رود و با توجه به اینکه تعداد قابل توجهی از کشورهای در حال توسعه در راستای نیازهای تجاری، توسعه ای و مالی خاص خود از رویه‌های صدور مجوز ورود استفاده می‌کنند، به منظور اینکه استفاده از این رویه‌ها به گونه‌ای مغایر با اصول تعهدات گات ۱۹۹۴ صورت نگیرد، تعهدات کشورهای استفاده کننده عضو از این رویه‌ها در چارچوب این موافقتنامه تعیین شده است.

برخلاف روند گذشته، جواز واردات در سازمان تجارت جهانی مشمول مقررات خاص است. موافقتنامه جواز واردات حاوی این نکته است که پروسه جواز باید ساده شفاف و قابل پیش‌بینی باشد. به عنوان مثال، موافقتنامه از دولت‌ها می‌خواهد که اطلاعات کافی در مورد نحوه اعطای جواز واردات برای تجار منتشر کنند. این موافقتنامه همچنین از دولت‌ها می‌خواهد که چگونه کشورها باید سازمان جهانی را از تغییر پروسه موجود و یا معرفی پروسه جدید جواز واردات مطلع سازند. به علاوه موافقتنامه خطوط راهنمایی را برای ارزیابی دولت‌ها از پروسه جوازهای واردات ارائه کرده است.

برخی از این جوازها به طور خودکار اعطاء می‌شوند اگر شرایط مشخصی برآورده شده باشد. توافقنامه ویژگی‌هایی را برای اعطای جوازهای وارداتی مشخص کرده است تا این پروسه‌ها به عنوان مانعی محدودکننده برای گسترش تجارت تلقی نشوند. در عین حال برخی دیگر از جوازها به طور خودکار اعطاء نمی‌شود. در این مورد موافقتنامه سعی دارد که عوامل محدودکننده و مانع را به حداقل ممکن برساند تا کارهای اداری تجارت را محدود نکند. موافقتنامه عنوان می‌دارد که سازمان‌های دخیل در امر اعطای جواز نباید بیش از ۳۰ روز درگیر ارزیابی یک تقاضا باشند. (۶۰ روز در صورتی که تمامی تقاضاها با یکدیگر ارزیابی شوند). در این موافقتنامه صدور مجوز به عنوان رویه اداری مورد استفاده برای اجرای

رژیم‌های صدور مجوز ورود تعریف شده است. که مستلزم تسلیم درخواست یا سایر اسناد به دستگاه‌های اداری مربوطه می‌باشد. در موافقتنامه، اعضا تضمین کرده‌اند که به منظور جلوگیری از انحراف در تجارت که ممکن است از اعمال نامناسب این رویه‌ها ایجاد شود، رویه‌های اداری مورد استفاده برای صدور مجوز ورود را با در نظر گرفتن اهداف توسعه اقتصادی و نیازهای مالی و تجاری کشورهای در حال توسعه عضو به ترتیبی که در موافقتنامه تفسیر شده انطباق دهند.

در ماده ۵ موافقتنامه^۱ تصریح شده است که قواعد و تمام اطلاعات مربوط به رویه‌های تسلیم درخواست و فهرست محصولاتی که برای آنها صدور مجوز لازم است باید به کمیته صدور مجوز ورود اطلاع داده شود و به گونه‌ای منتشر شود که دولت و تجار از آنها آگاهی یابند. متقاضیان مجوز ورود تنها باید با یک دستگاه اداری تماس بگیرند. اگر تماس با بیش از یک رکن اداری کاملاً اجتناب‌ناپذیر باشد، متقاضیان الزامی ندارند که با بیش از ۳ رکن اداری در تماس باشند. طبق ماده ۵ موافقتنامه، کشورهای که رویه‌هایی را برای صدور مجوز وضع می‌کنند یا در آنها تغییرات بوجود می‌آورند، مراتب را ظرف ۶۰ روز پس از انتشار باید به اطلاع کمیته صدور مجوز (مرکب از نمایندگان هر یک از اعضا) برسانند.

به طور کلی و براساس تعاریف بعمل آمده در این موافقتنامه، رویه‌های صدور مجوز ورود به دو دسته تقسیم می‌شوند:

- ۱- رویه‌های صدور مجوز خودکار (اتوماتیک). رویه‌های صدور مجوز خودکار رویه‌هایی هستند که بر واردات کالاهای مشمول مجوز، اثرات محدود کننده تجاری نداشته باشند یعنی اینکه هر شخصی که الزامات حقوقی مربوطه را برای فعالیت در عملیات وارداتی محصول مشمول مجوز رعایت کند، واجد شرایط برای درخواست و اخذ مجوز ورود باشد و همچنین درخواستهای مجوز را در هر روز کاری قبل از ترخیص کالا از گمرک بتوان تسلیم نمود و درخواستهای اخذ مجوز ورود فوراً و حداکثر ظرف ده روز کاری مورد موافقت قرار گیرد.
- ۲- رویه‌های صدور مجوز غیر خودکار (غیر اتوماتیک). هرگونه رویه‌ای خارج از دامنه

^۱ - بررسی آثار عضویت ایران بر سازمان جهانی تجارت بر صنعت، ۱۳۷۵، سازمان مدیریت صنعتی.

تعریف رویه‌های صدور مجوز خودکار، آن را در زمره رویه‌های غیر خودکار قرار خواهد داد.

اطلاعی‌های مربوط به وضع رویه‌های صدور مجوز در برگیرنده اطلاعات زیر خواهد

بود:

- ۱- فهرست محصولات مشمول رویه‌های صدور مجوز
- ۲- محل تماس جهت کسب اطلاعات راجع به شرایط لازم برای پذیرفته شدن
- ۳- ارکان اداری برای تسلیم درخواست‌ها
- ۴- تاریخ و نام نشریه‌ای که رویه صدور مجوز در آن منتشر شده است.
- ۵- مشخص ساختن این امر که آیا رویه صدور مجوز اتوماتیک یا غیر اتوماتیک است.
- ۶- ذکر هدف اداری در مورد رویه‌های صدور اتوماتیک مجوز ورود.
- ۷- در مورد رویه‌های صدور غیر اتوماتیک مجوز ورود اشاره به اقدامی که می‌بایست در جریان رویه صدور مجوز انجام پذیرد.
- ۸- ذکر مدت مورد انتظار برای اجرای رویه صدور مجوز چنانچه بتوان این مدت را با درجه‌ای از احتمال تعیین نمود و در غیر این صورت ذکر دلیل عدم ارائه این اطلاعات. در مواد ۲ و ۳ موافقتنامه رویه‌های صدور اتوماتیک و غیر اتوماتیک مجوز ورود با جزئیات تشریح گردیده است که در هر حال نباید اثرات محدودکننده یا انحرافی بر واردات داشته باشند. شایان ذکر است که با توجه حرکت‌های اخیر کشورها در جهت مقررات‌زدایی در رژیم‌های تجاری‌شان از حجم تجارتی که تحت پوشش مجوزهای وارداتی است به میزان زیاد کاسته شده است. با این حال در این موافقتنامه دستورالعمل‌های مهمی برای آن بخش از تجارت که عمدتاً به کشورهای در حال توسعه مرتبط می‌شود ارائه گردیده است و از کشورها خواسته شده است حتی‌الامکان در وضع این مجوزها سهولت، شفافیت و قابلیت پیش‌بینی را رعایت کنند.

کلیه اعضا تشویق و ترغیب شده‌اند در صورت لزوم از رویه‌های صدور مجوز خودکار استفاده بعمل آورند. همچنین پاسخ به تقاضاهای مجوز ورود غیر خودکار نبایستی از شصت روز تجاوز کند. به موجب موافقتنامه حاضر هیچیک از اعضا نمی‌تواند متقاضیان

درخواست اخذ مجوز ورود را به بیش از سه رکن اداری ارجاع دهد. همچنین در رویه های صدور مجوز غیر خودکار چنانچه محدودیتهای مقداری و سهمیه اعمال می شود، باید میزان تخصیص این سهمیه ها به کشورهای ذینفع اطلاع داده شود و در تخصیص سهمیه ها توجه لازم به مقادیر اقتصادی و امکان واردات از منابع دور دست صورت گیرد. این موافقتنامه برای کلیه اعضا سازمان تجارت جهانی لازم الاجرا است.

الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه صدور مجوز ورود

در ایران غالباً مجوزهایی که برای واردات برقرار می شوند، محدود کننده می باشند. وضع مجوز برای هر ردیف یا گروه کالا، به منزله آن است که ورود آن ردیف یا گروه از کالاها به دلایل اقتصادی (حمایت از تولید کننده یا مصرف کننده) مستلزم بررسی و اعمال ضوابط خاصی تا حصول اطمینان از ساخت یا عدم ساخت یا تولید در داخل، همچنین سقف و میزان معینی که باید هنگام ورود رعایت شود، می باشد. بندرت اتفاق می افتد که وضع مجوز به منظور جلوگیری از واردات کالاهای با کیفیت نازل صورت گیرد. در صدور مجوزهای ورود برای کالاهای به اصطلاح «مشروط» طبق ماده ۲ قانون مقررات صادرات و واردات مصوب مهرماه ۱۳۷۲ و ماده ۲ آییننامه اجرائی قانون مقررات صادرات و واردات مصوب اردیبهشت ۱۳۷۳ و مصوبه شماره ۵۹۱۷۴/ت/۲۱۰۹۲ هیأت وزیران مورخ ۱۳۷۹/۲/۲۳ تقریباً در مورد تمامی کالاهای مشروط اجازه وزارت بازرگانی مورد نیاز است و وزارتخانه های دیگر نظیر صنایع، کشاورزی، معادن، دفاع، بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، نفت و مشابیه آن در موارد مختلف بایست اقدام به صدور مجوز ورود نمایند.

مجوزهایی که برای صادرات برقرار می شود، بیش از هر چیز به حمایت دولت از مصرف کنندگان داخلی اعم از واحدهای تولیدی صنعتی و کشاورزی و مصرف کنندگان عادی که کالا را مستقیماً برای رفع نیازهای روزمره استفاده می کنند مربوط می شود. در ایران علاوه بر وزارت بازرگانی که همچون مورد واردات بیشتر مجوزها را در اختیار دارد، وزارتخانه های صنایع، کشاورزی، معادن، بهداشت و درمان و آموزش پزشکی نیز مرجع صدور مجوزهای صادرات می باشند.

برای اخذ مجوز ورود کالاهای مشروط بر حسب اینکه مجوز ورود در وزارت های

مختلف صادر شود باید مراحل ذیل طی گردد:

- ۱- ارائه پیش فاکتور به وزارتخانه ذیربط
- ۲- ارائه کاتالوگ یا شرح جزئیات کالا و در مورد مواد شیمیایی ارائه بروشور
- ۳- ارائه نمونه در صورتی که برای صدور مجوز نیاز باشد
- ۴- تطبیق مشخصات کالا با ضوابط مورد نظر برای صدور مجوز که ممکن است:
 - در رابطه با ساخت یا عدم ساخت باشد که به محدودیت‌های متنوع صنعت یا صنف بستگی دارد.
 - در رابطه با رعایت سقف معینی از کالاهای وارداتی باشد به نحوی که برآوردهای رسمی انجام شده از تولید و مصرف داخلی سقف واردات را مشخص می‌نمایند.
- ۵- استعلام از واحدهای تولیدی در زمینه ساخت یا عدم ساخت.
- ۶- جمع‌آوری اطلاعات از واحدهای تولیدی در زمینه میزان تولید و غیره.

در صورتی که کالا در داخل ساخته شود، تعرفه را اداره تعیین ارزش تعرفه گمرک محاسبه می‌کند و به دلیل ساخت داخلی کالا تعرفه را نیز بالا حساب می‌کند.

در صورت بروز اختلاف در ساخت یا عدم ساخت کالا، موضوع در کمیسیون‌هایی که به موجب مقررات صادرات و واردات برای رفع اختلاف بین صاحب کالای مورد سفارش و واحد صدور مجوز وزارتخانه ذیربط تشکیل می‌شود، مطرح می‌گردد. علاوه بر مجوزها، گواهینامه‌هایی برای واردات و صادرات مطرح هستند که در مورد واردات عبارتند از:

 - گواهی استانداردهای اجباری برای برخی از اقلام (مانند مواد غذایی)
 - گواهی بهداشت (مانند اقلام بهداشتی، آرایشی، غذایی و دارو). اخذ این گواهی از بورکراسی پیچیده‌ای برخوردار است و بسیار طولانی و زمان‌بر می‌باشد. در این ارتباط گاه صدور مجوز به اخذ پاسخ آزمایشات مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی منوط می‌شود. اخیراً گواهی‌های مصرف کالای مربوطه در اروپا نیز خواسته می‌شود که بر مشکلات فوق می‌افزاید. این گواهی به EU-Sale معروف شده است و بر مبنای آن واردکننده باید با ارائه مدارک ثابت کند که این کالا در اروپا به مصرف می‌رسد.

- گواهی قرنطینه دامی و یا نباتی
- گواهی سازمان انرژی اتمی
- گواهی وزارت ارشاد اسلامی
- گواهی وزارت پست و تلگراف و تلفن
- گواهی وزارت نیرو
- سایر گواهی ها حسب مورد

برای صادرات نیز عیناً موارد فوق اعمال می شود. در خصوص واردات کالا الزامات

قانونی متعددی وجود دارد که عبارتند از:

- ۱- ثبت سفارش در وزارت بازرگانی
- ۲- بیمه کالا نزد شرکت های بیمه. غالباً تجار بیمه های ایرانی را اختیار می کنند.
- ۳- استفاده از وسایل حمل و نقل. استفاده از وسائل حمل و نقل ایرانی تخفیف هایی برای بازرگانان ایرانی را شامل می شود.
- ۴- واردات در مقابل صادرات
 - منحصرأ توسط صادر کننده
 - با ارز حاصل از صادرات صادر کنندگان که وارد کننده از آنها خریداری کرده است.
- ۵- واردات قبل از صادرات
- ۶- واردات از محل مبادلات مرزی
- ۷- واردات از محل پایاپای مرزی (پبله وری)
- ۸- واردات از محل ارز خدمات ایرانیان شاغل در خارج
- ۹- واردات از محل قراردادهای موسوم به بیع متقابل بصورت Truck System
- ۱۰- واردات در مقابل دریافت مزد بصورت ارز (بیشتر در مورد متخصصین)
- ۱۱- واردات بدون انتقال ارز (همواره در شمول موارد کالاها دچار تغییر است)
- ۱۲- سایر موارد

هر یک از موارد فوق الذکر می تواند بعنوان یک الزام قانونی مطرح باشد و

وارد کنندگان حسب مورد ملزم به رعایت آنها هستند. گرچه باید اذعان داشت که ضوابط فوق در اجرا مشکلات بیشتری را نیز ایجاد می‌نماید. برای مثال بسیار اتفاق می‌افتد که محموله وارداتی به گمرک می‌رسد و اداره گمرک نمونه‌هایی از آن را به آزمایشگاهها می‌فرستد و دریافت جواب چندین ماه به طول می‌انجامد و نهایتاً در صورت مثبت بودن جواب آزمایشگاه هزینه انبارداری نیز بر واردکننده تحمیل می‌گردد.

سیستم بانکی ایران در عرصه خدمات بانکی بین‌المللی فعال نیست و مشکلات عدیده‌ای از بابت عدم فعالیت در این زمینه‌ها و مشکلات ناشی از قانون بانکداری بدون ربا باعث وارد آمدن بار مالی و زمانی زیادی به تجار می‌شود. برای مثال سیستم بانکی در زمینه گشایش اعتبار برای کالای ترانزیت مشکل دارد و تاجر باید کالا را یکبار وارد نماید و مجدداً صادر نماید. این عمل موجب انجام تمام تشریفات واردات و صادرات برای آن کالا است. در این ارتباط بانکهای کشورهای حاشیه‌ای به سرعت اقدام به گشایش اعتبارات اسنادی می‌نمایند و منافع آن نیز عاید همان بانکها می‌شود. گاه حتی برای افتتاح اعتبارات اسنادی بانکهای مزبور منابع اعتباری نیز در اختیار بازرگان قرار می‌دهند تا پس از واردات و فروش کالا آن را پرداخت نماید. در سیستم بانکی ایران استفاده از این اعتبار بسیار مشکل است. اول واردکننده باید کالا را وارد کند و سپس آن را به بانک بفروشد. مجدداً آن را از بانک خریداری کند که بتواند از این طریق از تسهیلات واردات استفاده نماید.

در مورد صادرات نیز الزاماتی نظیر قیمت گذاری، پیمان ارزی و فروش ارز به نرخ تعیین شده به بانک مرکزی مطرح بوده که تدریجاً از بین رفته است. براساس قانون معافیت صادرات کالا و خدمات از پرداخت عوارض مصوب اسفند ۱۳۷۹ صادرات کالا و خدمات از پرداخت هرگونه عوارض معاف می‌باشند و هیچیک از وزارتخانه‌ها، سازمانها، نهادها، دستگاههای اجرایی، شهرداریها و شوراهای محلی، استانی و کشوری مجاز نیستند که از کالاها یا خدماتی که صادر می‌شوند عوارض اخذ نمایند یا مجوز اخذ آن را صادر کنند.

مقایسه الزامات قانونی مجوز ورود در ایران با موافقتنامه صدور مجوز ورود نشان می‌دهد که رویه‌های اداری ایران با مفاد این موافقتنامه فاصله زیادی دارد. اولاً دستگاه‌های زیادی در ایران در صدور مجوز ورود دخالت دارند و ثانیاً گواهینامه‌های متعددی در رابطه با

واردات برخی از کالاها مورد نیاز است و این خود تعداد دستگاه‌های اداری را بیشتر می‌کند، رعایت اصل سهولت که در موافقتنامه مورد تاکید قرار گرفته، را دچار مشکل می‌سازد. علاوه بر این مکانیزم صدور اتوماتیک مجوز ورود در رویه‌های اداری ایران وجود ندارد.

تغییرات مکرر در مقررات اداری مربوط به صدور مجوزهای ورود و عدم انتشار عمومی و بموقع این تغییرات و عدم اطلاع دولت‌ها و تجار خارجی از آنها نیز از دیگر موارد عدم تطابق رویه‌های صدور مجوز در ایران با مفاد موافقتنامه صدور مجوز دور اروگوئه می‌باشد. البته علیرغم این نقاط افتراق، باید متذکر شد که موافقتنامه مزبور، از جمله موافقتنامه‌هایی نیست که مستلزم تغییرات زیادی در رژیم تجاری ایران باشد.

موافقتنامه عمومی تجارت خدمات

با توجه به نقش خدمات در تجارت کالا و حجم قابل توجه تجارت خدمات از کل تجارت جهان، در حالیکه تا پیش از دور اروگوئه آزاد سازی تجاری صرفاً به کالا محدود می‌شد، نیاز به وجود یک چارچوب حقوقی منسجم در خصوص تجارت خدمات، منجر به طرح موضوع در مذاکرات دور اروگوئه گردید. حاصل این مذاکرات، موافقتنامه عمومی تجارت خدمات می‌باشد که از ژانویه سال ۱۹۹۵ به اجرا گذاشته شد.

موافقتنامه تجارت خدمات (GATS)، در برگیرنده اصول و قواعد چند جانبه‌ای برای تجارت خدمات با هدف آزاد سازی تدریجی آن و به عنوان وسیله‌ای برای رشد اقتصادی تمامی طرف‌های تجاری و توسعه کشورهای در حال توسعه می‌باشد. در این موافقتنامه از کشورها خواسته شده ضمن فراهم کردن تسهیلات لازم برای مشارکت بیشتر در تجارت بین المللی خدمات، ظرفیت داخلی بخش خدمات و کارآیی و رقابت پذیری آن را تقویت کنند.

موافقتنامه عمومی تجارت خدمات بین تعهدات و نظامات کلی که تمامی طرف‌ها با امضای موافقتنامه آنها را می‌پذیرند (که مهمترین آنها تعمیم شرط اصل دول کامله الوداد به بخش خدمات است) برای تعهدات خاص هر بخش در مورد دسترسی به بازار، رفتار ملی و دیگر تعهدات اضافی که موضوع مذاکرات معینی است و در جدول تعهدات قید می‌شود، تمایز قایل شده است. در واقع یکی از نکات بسیار مهم این موافقتنامه که مرهون تلاش کشورهای در

حال توسعه است، در همین تمایز تعهدات نهفته است. بدین معنی که پذیرش چارچوب موافقتنامه به عنوان قبول تعهدات کلی، به منزله اعطای امتیاز جهت دسترسی به بخش خدماتی خاص نمی‌باشد. بلکه قبول تعهدات در مورد هر بخش خدمات و اعطای امتیاز دسترسی دیگر اعضای گات به آن بخش موضوعی است که در مذاکرات مربوط به تنظیم جداول تعهدات هر کشور و به تناسب بخش‌ها و یا زیربخش‌هایی که آزاد سازی آنها با استراتژی‌های توسعه کشورها سازگاری دارد مورد بحث قرار می‌گیرد. در موافقتنامه ۴ شیوه عرضه خدمات پیش‌بینی شده است:

- ۱- عرضه از طریق مرزها، استفاده‌کننده، خدمات را از عرضه‌کننده‌ای که در کشور دیگری مستقر است دریافت می‌دارد.
- ۲- مصرف در خارج، استفاده‌کننده، خدمات را در خارج از کشور محل اقامت خود مصرف می‌کند.
- ۳- حضور تجاری، عرضه‌کننده خدمات، تسهیلات خدماتی خود را در کشور مصرف‌کننده خدمات تأسیس می‌کند.
- ۴- جابجایی اشخاص حقیقی، عرضه‌کننده خدمات به عنوان شخص حقیقی بطور موقت در کشور مصرف‌کننده خدمات حضور دارد.

همانطور که گفته شد، اصل دول کامله الوداد، جزء تعهدات کلی موافقتنامه تجارت خدمات است که تمامی اعضاء باید آن را در قبال یکدیگر رعایت نمایند. اصل استثنائات و معافیت‌های معینی نیز دارد. رعایت دیگر اصول گات نظیر رفتار ملی و دسترسی به بازار تنها در مورد بخش‌ها، زیربخش‌ها و شیوه‌های عرضه خدماتی قابل اعمال است که هر کشور در جداول تعهدات خود آنها را پذیرفته باشد. در موافقتنامه تجارت خدمات این حق برای کشورهای در حال توسعه پذیرفته شده که می‌توانند آزادسازی بخش‌های خدماتی خود را مشروط به انجام اقداماتی از سوی دیگر اعضاء (بویژه کشورهای پیشرفته) کنند که آنها را در تقویت بخش‌های خدماتیشان - مثلاً از طریق دسترسی به شبکه‌های اطلاعاتی و کانال‌های توزیع یا دسترسی به تکنولوژی - کمک نمایند.

بر مبنای این موافقتنامه خدمات به ۱۲ بخش و ۱۵۵ زیربخش تقسیم شده‌اند که از

مهمترین آنها می‌توان خدمات مالی شامل (بانک و بیمه)، مخابرات، حمل و نقل، ساختمان، گردشگری، خدمات بازرگانی و خدمات حرفه‌ای را نام برد. همچنین در این موافقتنامه به واسطه ماهیت متفاوت خدمات و کالا، چهار شیوه عرضه برای خدمات تعریف شده است که شامل موارد زیر است:

§ حضور تجاری عرضه کننده خدمات در کشور مصرف کننده

§ حضور مصرف کننده در کشور عرضه کننده

§ عبور خدمات از مرز

§ عبور موقت اشخاص حقیقی

ساختار موافقتنامه خدمات انعطاف پذیر است و کشورها می‌توانند بر اساس نتایج مذاکرات خود با سایر اعضا سازمان در برخی بخشها و شیوه‌های عرضه خدمات، تعهداتی را بپذیرند و مقررات داخلی خود را در آن بخشها با مفاد موافقتنامه سازگار نمایند. اصول این موافقتنامه شامل اصل دولتهای کامله الوداد، رفتار ملی و شفافیت می‌باشد.

بر اساس این موافقتنامه کشورها متعهد به آزادسازی تدریجی به منظور گسترش دسترسی به بازار خدمات گردیده اند که از طریق ادوار مذاکراتی متوالی صورت می‌گیرد. اولین دور مذاکرات آزادسازی تجارت خدمات از ژانویه سال ۲۰۰۰ آغاز گردیده است و در حال حاضر ادامه دارد. نتایج این مذاکرات در جداول تعهدات خاص هر کشور که جزء لاینفک موافقتنامه تلقی می‌گردد، گنجانده می‌شود.

با توجه به اهداف موافقتنامه عمومی گات راجع به تجارت خدمات در خصوص جابجایی اشخاص حقیقی نیز به منظور ایجاد توازن در منافع حاصل تصمیماتی اتخاذ گردیده است. به منظور تسهیل در دستیابی شرکت کنندگان به سطوح بالاتر خدمات، مذاکرات در مورد آزادسازی بیشتر، با توجه به ضمیمه موافقتنامه تجارت خدمات در خصوص جابجایی افراد، کشورهای عضو می‌توانند تعهداتی را در خصوص افراد عادی (نمایندگیهای عرضه کنندگان خدمات، مدیران اجرایی، متخصصان) اعمال کنند.

الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه تجارت خدمات

در ایران آنچه که به بخش صنعت در مجموعه فعالیتهای خدماتی مربوط می‌شود،

خدمات فنی و مهندسی است. در طبقه‌بندی‌های سازمان تجارت جهانی، این نوع خدمات، زیر بخش خدمات تجاری و در زمره خدمات مهندسی (Engineering Services) قرار دارند. بر طبق مفاد موافقتنامه خدمات و در قالب تعهدات خاص این موافقتنامه، دادن امتیاز در مورد خدمات فنی و مهندسی به این معنا است که این بخش در اقتصاد صنعتی ما به سطحی از توسعه رسیده که می‌تواند در مقابل صادرات خدمات مهندسی کشورهای دیگر، بویژه کشورهای پیشرفته رقابت کند. این امر مستلزم شناخت کامل و دقیق از وضعیت خدمات مهندسی در ایران، کیفیت این خدمات، توان رقابتی شرکت‌های فعال در این زمینه، میزان صادرات آنها و دیگر شاخص‌های مربوطه است. اگر چه اطلاعات اقتصادی جهت مقایسه و ارزیابی در این زمینه عملاً وجود ندارد. اما با توجه به جوان بودن این گونه خدمات در مجموعه فعالیت‌های مهندسی کشور می‌توان گفت که ایران هنوز تا رسیدن به مرحله رقابت پذیری در زمینه صدور خدمات مهندسی در بازارهای جهانی راه درازی در پیش رو دارد و لذا دادن امتیاز در این بخش، پتانسیل‌های اولیه این بخش خدماتی را دچار مشکل می‌سازد. اما از آنجا که از نظر اقتصادی، بهره‌وری صادرات این بخش به مراتب بیش از صادرات کالا است، می‌طلبند که در قالب حمایت‌های منطقی و جهت دار، زمینه‌های رشد و توسعه آن با هدف حضور در بازارهای بین‌المللی فراهم گردد. طبعاً چگونگی حضور در صحنه‌های بین‌المللی، مستلزم شناخت کافی از این بخش می‌باشد و باید توجه داشت که خدمات فنی و مهندسی تنها به فعالیت‌های صنعتی در محدوده وزارت صنایع و شرکت‌های تابعه منحصر نمی‌گردد، بلکه صنایع نفت و پتروشیمی و نیرو نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری

پیشرفت‌های سریع تکنولوژیک در سال‌های اخیر - بویژه در حیطه تکنولوژی‌های اطلاعاتی، علاوه بر ایجاد بازارهای جدید، فرآیندهای تولید و نوآوری را کاملاً متحول ساخته و ماهیت رقابت‌های بین‌المللی را دگرگون ساخته است. از سوی دیگر رشد تکنولوژیک برخی از کشورهای در حال توسعه، ضمن بالا بردن قدرت رقابتی و افزایش صادرات محصولات صنعتی آنها به بازارهای جهانی، موجب گردیده که مزیت‌های نسبی سنتی ممالک پیشرفته مورد تهدید

قرار گیرد. این تحولات و نیز جهانی شدن ماهیت رقابت‌های تجاری، سبب گردیده که کشورهای توسعه یافته برای حفظ قدرت رقابت و سهم خود در بازارهای بین‌المللی به استراتژی‌های دیگری روی آورند که اساس آنها بر حمایت از حقوق مالکیت معنوی یا حمایت از حیطه‌هایی استوار است که بر دانش و اطلاعات متکی می‌باشند.

بعبارت دیگر کشورهای پیشرفته بعلت ورود رقبای جدید به بازارهای جهانی (بوئژه کشورهای تازه صنعتی شده) و افزایش نگرانی آنها در از دست دادن تدریجی قدرت رقابتی خود در حیطه‌هایی که قبلاً در آنها از مزیت نسبی برخوردار بودند، درصدد برآمدند تا مالکیت معنوی را بعنوان اساس مزیت‌های نسبی جدید خود مطرح و آن را در قالب توافقات بین‌المللی قاعده‌مند سازند. این امر در سال‌های اخیر از اهمیت زیادی نزد ممالک توسعه یافته برخوردار شده و در برخی موارد موجب بروز تنش‌های تجاری نیز گردیده که حتی به اقدامات جبرانی از سوی این کشورها نیز منجر شده است.

بطور مثال آمریکا در قانون تجارت و تعرفه مصوب ۱۹۸۴ خود، اعطای ترجیحات تعرفه‌ای (در قالب GSP) به کشورهای در حال توسعه را، منوط به حمایت کافی و موثر این کشورها از حقوق مالکیت معنوی نموده است. بخش ۳۰۱ این قانون، رئیس جمهور آمریکا را مجاز دانسته که تجارت با کشورهایی که به رویه‌های تجاری ناموجه و غیرمنطقی مبادرت می‌ورزند، محدود نماید. این اقدامات محدود کننده تجاری در قانون تجارت مصوب ۱۹۸۸ آمریکا نیز به شکل حادثی دیده شده است. در این قانون به نمایندگی بازرگانی آمریکا اختیار داده شده که ضمن تهیه فهرستی از اسامی کشورهایی که ناقض حقوق مالکیت معنوی هستند، با اعلام یک ضرب الاجل تعیین شده، مجازات‌های تجاری بر علیه آنها اعمال نماید. اتحادیه اروپا نیز در معاملات تجاری خود با کشورهای در حال توسعه، موضوع حمایت از مالکیت معنوی را دنبال کرده و این اختیار را برای خود قائل است که در صورت نقض این حقوق، به اقدامات یکجانبه متوسل گردد.

موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (TRIPs) به عنوان یکی از مهمترین اسناد در دور اروگوئه پس از مذاکرات فراوان در تاریخ ۱۵ آوریل ۱۹۹۴ مورد توافق نهایی قرار گرفت. این موافقتنامه که هم چنین یکی از سه رکن اصلی موافقتنامه‌های سازمان

تجارت جهانی (موافقتنامه‌های مربوط به تجارت کالا، موافقتنامه مربوط به تجارت خدمات، موافقتنامه مربوط به حقوق مالکیت فکری) است، از اسناد غیر قابل تفکیک دور اروگوئه محسوب گردیده و از جامعترین و کاملترین موافقتنامه‌ها در خصوص حقوق مالکیت فکری به شمار می‌آید که تاکنون در سطح بین‌المللی وجود داشته است. از مهمترین ویژگیهای این موافقتنامه می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ۱- موافقتنامه TRIPs از نظر پوشش، انواع مختلف حقوق مالکیت فکری از قبیل حق نسخه برداری و حقوق جانبی (حقوق اجرا کنندگان، تولید کنندگان آثار صوتی، و سازمانهای پخش رادیو تلویزیونی)، علائم تجاری، علائم جغرافیایی، طرحهای صنعتی، حق اختراع، طرحهای ساخت مدارهای یکپارچه چیپها (Integrated Circuits) و اطلاعات افشاء نشده را شامل می‌گردد.
- ۲- موافقتنامه TRIPs ضمن تعیین استانداردهای حداقلی به برخی از کنوانسیونهای سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO) از قبیل کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی، کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری، کنوانسیون بین‌المللی حمایت از اجرا کنندگان و تولید کنندگان آثار صوتی و سازمانهای پخش رادیو تلویزیونی (کنوانسیون رم) و معاهده مالکیت فکری در خصوص طرحهای ساخت مدارهای یکپارچه (معاهده واشنگتن) اشاره نموده و مقررات ماهوی آنها را لازم الاجرا دانسته است.
- ۳- موافقتنامه TRIPs با تأکید بر مسأله اجرا به مواردی از قبیل رویه‌های اداری، مدنی و کیفری اشاره نموده و قواعدی را در خصوص اقدامات موقتی و تأمینی و رویه‌های خاصی را جهت اجرا در مرزها بیان می‌دارد.
- ۴- موافقتنامه TRIPs در خصوص حل و فصل دعاوی میان اعضای سازمان تجارت جهانی، رکن حل اختلاف را صالح در رسیدگی دانسته و برابر تفاهم نامه حل اختلاف، موضوع به رکن حل اختلاف ارجاع و در آنجا رای نهایی صادر خواهد شد. مقررات مربوط به حمایت از حق اختراعات، یکی از مهمترین جنبه‌های این موافقتنامه می‌باشد. طبق ماده ۲۷ موافقتنامه، تمامی اختراعات اعم از تولیدات یا مراحل پردازش در کلیه

زمینه‌های تکنولوژیک و بدون اعمال تبعیض بر حسب مکان اختراع و اینکه محصول وارداتی است یا تولید داخلی، باید مورد حمایت قرار گیرند. طبق این ماده هرگونه برخورد متفاوت با اختراعات براساس مکانی که اختراع در آنجا صورت گرفته غیرمجاز می‌باشد. البته این حمایت‌ها شامل اختراعاتی نمی‌گردد که بهره‌برداری تجاری از آنها به دلیل نظم عمومی و اخلاقی ممنوع شده باشد. اختراعاتی که برای زندگی انسان، حیوان و نبات و نیز محیط زیست مضر باشند مشمول حمایت قرار ندارند.

در زمینه کپی رایت و حقوق مربوطه، در موافقتنامه تصریح شده است که اعضاء باید مقررات اساسی کنوانسیون برن را (تجدید نظر شده در سال ۱۹۷۱) در زمینه حمایت از آثار ادبی و هنری بپذیرند. در این موافقتنامه، کپی رایت به برنامه‌های کامپیوتری نیز تعمیم داده شده و مقرر گردیده که این برنامه‌ها همچون آثار ادبی و هنری مورد حمایت قرار می‌گیرند. یکی دیگر از جنبه‌های این موافقتنامه که به قواعد موجود بین‌المللی در زمینه کپی رایت و حقوق مربوطه اضافه شده است، مقررات مربوط به حقوق اجاره صاحبان برنامه‌های کامپیوتری و ضبط موسیقی است. طبق این مقررات افراد مجازند که از اجاره آثار خود به عموم جلوگیری بعمل آورند. این اختیار به آثار سینمایی نیز تعلق می‌گیرند. علائم تجاری، نشانه‌های جغرافیایی، طرح‌های صنعتی، اسرار تجاری و دیگر اطلاعات افشاء نشده و طرح‌های ساخت مدارهای یکپارچه نیز از دیگر جنبه‌های مالکیت معنوی است که در موافقتنامه مزبور مقررات خاصی برای حمایت بین‌المللی از صاحبان آنها وضع گردیده است.

یکی از جنبه‌های مهم این موافقتنامه، پیش‌بینی مکانیسمی برای برخورد با کشورهای است که به تعهدات خود در زمینه حمایت از مالکیت معنوی عمل نمی‌نمایند. کشورهای پیشرفته بخاطر فقدان مکانیسم‌های اجرایی موثر در چارچوب کنوانسیون‌های سازمان جهانی مالکیت معنوی، تلاش کردند تا ضمانت‌های اجرایی لازم را در چارچوب گات در این موافقتنامه بگنجانند. طبق مواد متعدد این موافقتنامه (۲۰ ماده) - که در آنها نحوه حل و فصل دعاوی و ضمانت‌های اجرایی لازم مقرر گردیده - در صورتی که یکی از اعضاء سازمان جهانی تجارت اظهار دارد که عضو دیگر تعهدات خود را در چارچوب موافقتنامه نقض کرده، موضوع به رکن حل و فصل اختلاف سازمان تجارت جهانی ارجاع می‌گردد و در صورت

اثبات نقض تعهدات، شورای عمومی سازمان جهانی تجارت می‌تواند مجازات‌هایی را بر علیه کشور خاطی (که می‌تواند به متوقف کردن تجارت کالای تقلبی یا حتی نابودی آن در مرزها بیانجامد) اعمال نماید.

بطور کلی از آنجا که تکنولوژی‌های پیشرفته و دانش اطلاعات بکار رفته در این تکنولوژی‌ها اساس مزیت‌های نسبی و رقابتی کشورهای پیشرفته را تشکیل می‌دهد. قطعاً حمایت‌های پیش‌بینی شده در موافقتنامه حقوق مالکیت معنوی مرتبط با تجارت، بیشترین منافع را برای این کشورها بدنبال دارد. در مقابل کشورهای در حال توسعه که عموماً از این مزیت برخوردار نیستند، ضمن اینکه باید حق الاختراع (Royalty) بیشتری به خارجیان پردازند، برای محصولاتی که تحت لیسانس‌ها و مجوزها (Loyalty) ساخته می‌شوند نیز باید قیمت بالاتری پرداخت کنند. علاوه بر این اجرای تعهدات مترتب در موافقتنامه مزبور، مستلزم بهبود اساسی رویه‌های قضایی، اداری و اجرایی در این کشورها خواهد بود که ضرورتاً منابع انسانی و مادی قابل توجهی باید بدین منظور تخصیص یابد. البته از جمله منافع بلند مدت این موافقتنامه برای ممالک در حال توسعه، ضرورتی است که این کشورها را نیز مجبور می‌سازد تا ضمن تقویت پایه‌های علمی و تخصیص منابع قابل توجه به امر تحقیق و توسعه، مزیت‌های رقابتی خود را در تجارت بین‌الملل عمدتاً به حیطه‌هایی سوق دهند که اساس آنها را دانش و تکنولوژی تشکیل می‌دهد.

این موافقتنامه از جمله مواردی است که در آن منافع کشورهای توسعه‌یافته حفظ می‌شود و در مقابل منافع کشورهای در حال توسعه از این بابت در انتقال دانش و علم و تکنولوژی محدود می‌گردد.

الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه مالکیت حقوق فکری

اولین قانون راجع به مالکیت صنعتی در ایران قانون سال ۱۳۰۴ شمسی بود که از سال ۱۳۰۵ به مرحله اجرا درآمد و اداره ثبت علائم تحت نظر وزارت فلاحه و تجارت و فوائد عامه انجام وظیفه می‌کرد. علائم ثبت شده نیز در مجله‌ای بنام مجله فلاحه (که از اول شهریور ۱۳۰۷ منتشر می‌شد) به ترتیب شماره ثبت درج می‌گردیدند. اداره ثبت علائم در سال ۱۳۰۹ شمسی در وزارت اقتصاد ملی تمرکز یافت و اداره مذکور بنام اداره کل امور اقتصادی و دفتر علائم

تجاری و صنعتی درآمد و علائم ثبت شده در مجله‌ای بنام اقتصاد ملی درج می‌گردید. این امر تا تصویب قانون اول تیر ۱۳۱۰ ادامه داشت. با تصویب این قانون، قانون سال ۱۳۰۴ و آئین نامه اجرایی آن فسخ گردید. بدین ترتیب برای اولین بار ثبت اختراع به موجب قانون سال ۱۳۱۰ در ایران معمول و از حمایت مدنی و جزائی برخوردار گردید. ثبت علائم تجارتي و اختراعات و اعطای گواهینامه‌های مربوطه به وزارت دادگستری (عدلیه سابق) محول گردید. در اسفند ماه ۱۳۲۷، آئین نامه‌ای به تصویب رسید که به موجب ماده اول آن، برای ثبت شرکت‌های تجاری و علائم و اختراعات در تهران اداره‌ای بنام اداره ثبت شرکت‌ها و علائم تجارتي و اختراعات که جزء تشکیلات اداره کل ثبت اسناد و املاک بود تشکیل شد. آئیننامه ثبت شرکت‌ها در شهریور ۱۳۴۰ تصویب و نام اداره مذکور به اداره ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی تغییر یافت. با تصویب قانون اردیبهشت ۱۳۵۲ و تبدیل اداره کل ثبت اسناد و املاک به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، اداره ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی به اداره کل ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی تبدیل گردید.

در ماده یک قانون ثبت علائم تجارتي و اختراعات مصوب ۱۳۱۰، علامت تجارتي عبارت از هر قسم علامتی است اعم از نقش، تصویر، رقم، حرف، عبارت، مهر، لفاف و غیره که برای امتیاز و تشخیص محصول صنعتی، تجارتي یا فلاحتی اختیار می‌شود. بر طبق ماده ۲۶ این قانون هر قسم اختراع یا اکتشاف جدید در شعب مختلف صنعتی یا فلاحتی به کاشف یا مخترع آن حق انحصاری می‌دهد که بر طبق شرایط و در مدت مقرر در این قانون از اکتشاف یا اختراع خود استفاده نماید. مشروط بر اینکه اکتشاف یا اختراع مزبور مطابق مقررات این قانون در اداره ثبت اسناد تهران به ثبت رسیده باشد. نوشته‌ای که در این مورد اداره ثبت اسناد تهران می‌دهد، ورقه اختراع نامیده می‌شود.

ترتیبات بین‌المللی حمایت از مالکیت صنعتی، در قالب کنوانسیون بنام کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی در سال ۱۸۸۳ میلادی بوجود آمد. دولت ایران در اسفند ۱۳۳۷ به اتحادیه مذکور ملحق و در اجلاس ۳۱ اکتبر ۱۹۵۸ این کنوانسیون در شهر لیسبون، قرارداد تجدید نظر شده کنوانسیون پاریس به امضای نماینده دولت ایران رسید و در ۱۶ دسامبر ۱۹۵۹ الحاق رسمی ایران به اتحادیه پاریس قطعیت یافت و در حال حاضر مرجع

ملی طرف قرارداد، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور می‌باشد. سازمان جهانی مالکیت معنوی (WIPO) در ۱۴ ژوئیه ۱۹۶۷ در اصلاحیه استکهلم از کنوانسیون پاریس بوجود آمد. این سازمان به موجب قطعنامه دسامبر ۱۹۷۴ مجمع عمومی سازمان بعنوان شانزدهمین سازمان تخصصی سازمان ملل متحد شناخته شد و مسئولیت حمایت از مالکیت معنوی در سراسر جهان و از طریق همکاری بین دولت‌های عضو را به عهده دارد. مالکیت معنوی از دو رکن عمده تشکیل شده است:

- ۱- مالکیت صنعتی. عمدتاً در زمینه اختراعات، علائم تجارتي، طرح‌های صنعتی و نشانه‌های مبداء.
- ۲- حق تکثیر (کپی رایت). عمدتاً در زمینه آثار ادبی، موسیقی، هنری، عکاسی و سمعی و بصری.

تا تاریخ ۱۹ آوریل ۱۹۹۵، ۱۵۱ کشور عضو سازمان جهانی مالکیت معنوی بودند و علاوه بر این هفت کشور طرف قرارداد کنوانسیون‌هایی هستند که توسط WIPO مدیریت می‌شود لکن به عضویت این سازمان در نیامده‌اند. ایران از جمله این کشورها است که به کنوانسیون پاریس (مالکیت صنعتی) تجدید نظر شده در سال ۱۹۵۸ ملحق گردیده لکن هنوز اصلاحیه استکهلم مصوب ۱۹۶۷ را که به موجب آن WIPO ایجاد شد را نپذیرفته است. یکی از اقداماتی که ایران در خصوص عضویت در سازمان جهانی تجارت و پذیرش موافقتنامه‌های دور اروگوئه و منجمله موافقتنامه حقوق مالکیت معنوی باید انجام دهد، پذیرش اصلاحیه استکهلم به عنوان آخرین موافقتنامه بین‌المللی مالکیت صنعتی می‌باشد چرا که در متن موافقتنامه TRIPS این امر تصریح شده است. بدین صورت که در ماده ۲ این موافقتنامه آمده که در خصوص علائم تجاری، علائم جغرافیایی و طرح‌های صنعتی، اعضاء مواد ۱ تا ۱۲ و ۱۹ کنوانسیون پاریس (۱۹۶۷) را رعایت خواهند کرد.

بطور کلی در خصوص مقایسه قوانین مالکیت صنعتی در ایران و مفاد موافقتنامه حقوق مالکیت معنوی (TRIPS) باید متذکر شد که قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ و آئین نامه مصوب ۱۳۳۷ با مفاد کنوانسیون پاریس (۱۹۵۸) انطباق دارد. ولی اصلاحیه استکهلم (۱۹۶۷) هنوز مورد پذیرش ایران قرار نگرفته است که ایران نیز باید بدان ملحق گردد

و در این صورت حقوق مالکیت صنعتی و کپی رایت را بپذیرد. در خصوص ابعاد دیگر موافقتنامه TRIPs، با توجه به اینکه ایران عضو نظام بین‌المللی کپی رایت نیست، پذیرش تعهدات مندرج در موافقتنامه TRIPs الزاماً به معنای پذیرش کنوانسیون برن (۱۹۷۱) و تعهدات مربوط به کپی رایت است که این موضوع می‌تواند یکی از مسائل مهم در روند الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی باشد.

موافقتنامه‌های میان چند طرف

پس از ادوار اولیه مذاکرات تجاری در گات که عمدتاً حول کاهش تعرفه‌ها دور می‌زد کم‌کم مسائل دیگری همچون دامپینگ (فروش زیر قیمت) یا سوبسیدهای اعطایی دولت‌ها به تولیدات و صادراتشان، استانداردها و رویه‌های ارزش‌گذاری و مجوزدهی که به عنوان یک مانع ورود عمل می‌کردند از دور کندی به بعد و بخصوص در دور توکیو مطرح شدند و برای موضوعات مورد بحث مجموعه‌ای از قوانین و مقررات فراهم آمد. کم‌کم این مجموعه‌ها بصورت موافقتنامه‌هایی که تنها بین گروهی از اعضا مورد قبول بود شکل گرفت و «موافقتنامه‌های میان چند طرف (Plurilateral Agreements)» لقب گرفت. در زمان مذاکرات دور اروگوئه با توجه به اینکه «موافقتنامه‌های میان چند طرف»، برخلاف هدف اولیه گات که خواستار رویه‌ای یکسان و هماهنگ در برخورد با مسائل تجاری بین‌الملل بود، شیوه‌های رفتاری متفاوتی را در میان اعضا بوجود آورده بود، سعی شد که این موافقتنامه‌های میان چند طرف وضعیت عام و مورد توافق همه را پیدا کنند. بسیاری از این مجموعه قوانین و مقررات مورد توافق برخی اعضا نهایتاً بصورت موافقتنامه‌های مورد پذیرش همه اعضا گات و سپس سازمان تجارت جهانی درآمد.

در شروع تأسیس سازمان تجارت جهانی (در ژانویه ۱۹۹۵) هنوز چهار موافقتنامه بخشی یا مورد توافق میان چند طرف وجود داشت که نتوانسته بود مورد تصویب همه کشورهای عضو قرار گیرد. این موافقتنامه‌ها شامل موارد زیر بود:

- موافقتنامه مربوط به گوشت دام
- موافقتنامه مربوط به محصولات لبنی

- موافقتنامه تجارت هواپیماهای کشوری یا غیر نظامی (Civil aircraft)

- موافقتنامه خریدهای دولتی

این چهار «موافقتنامه بین چند طرف» در ضمیمه چهار موافقتنامه مراکش جا گرفتند و فقط از سوی اعضای امضاء کننده آن قابل اجرا بودند. در دسامبر سال ۱۹۹۷ دو مورد مربوط به گوشت دام و محصولات لبنی خاتمه یافتند ولی هنوز دو مورد دیگر پا برجاست. سعی شده است که کشورهایی که پس از ایجاد سازمان به آن پیوسته‌اند موافقتنامه‌های بین چند طرف را نیز بپذیرند تا با افزایش تعداد اعضای امضاء کننده به اجرای موافقتنامه‌های مذکور جنبه قانونی دهند. فشار وارد به اعضای جدید برای پذیرش این موافقتنامه‌ها و دیگر شرایط غیر معمول را اصطلاحاً تحمیل شرایط مازاد یا (+ WTO) می‌نامند.

موافقتنامه تجارت هواپیماهای غیر نظامی

موافقتنامه تجارت هواپیماهای غیر نظامی به همراه موافقتنامه خریدهای دولتی تنها موافقتنامه‌هایی هستند که پذیرش آنها اختیاری است لذا توسط تعداد کمتری از اعضا امضاء شده‌اند. تاکنون ۲۶ کشور، موافقتنامه فوق را امضاء نموده‌اند. امضاء کنندگان اولیه این قرار داد اکثراً تولید کنندگان اصلی هواپیماهای غیر نظامی بودند.

هدف اصلی این موافقتنامه تجارت آزاد هواپیماهای غیر نظامی و قطعات آن می‌باشد. تمامی امضاء کنندگان قرارداد عوارض واردات انواع هواپیما (به جز هواپیماهای نظامی) و کالاهای مربوط به آنها، شامل موتور هواپیما و اجزاء و قطعات هواپیما و هواپیماهای مدل و قطعات آنها را حذف نموده‌اند. از اهداف این موافقتنامه نظام مند نمودن یارانه‌های دولتی در تولید هواپیما می‌باشد. این موافقتنامه نظام حل و فصل اختلافات خاص خود را دارد^۱.

موافقتنامه خرید دولتی

حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد از تولید ناخالص داخلی کشورها به خریدهای کالا و خدمات دستگاههای دولتی به منظور تأمین نیازهای سازمانی آنها صورت می‌گیرد. این حجم از تجارت

^۱ نمایندگی تام الاختیار تجاری ایران. وزارت بازرگانی. <http://www.irtr.ir/>

بین‌الملل تا قبل از سال ۱۹۷۹ که «موافقتنامه خرید دولتی» در بین تعدادی از کشورهای متعهد گات به اجراء درآمد، از شمول تعهدات نظام تجاری چند جانبه، عمدتاً اصل «رفتار ملی» و «دولت کامله‌الوداد»، صراحتاً مستثنی شده بود. این مسأله باعث می‌شود تا دولتهای غیر عضو این موافقتنامه از آزادی عمل خود در این حوزه در جهت پیشبرد بهتر اهداف اقتصادی و سیاسی خود از جمله حمایت از تولید کنندگان داخلی بهره گیرند.

موافقتنامه خرید دولتی، مصوب در دور توکیو در ۱۹۷۹ که صرفاً خریدهای کالایی دستگاههای دولتی را شامل می‌شد، همزمان با مذاکرات دور اروگوئه به حوزه تجارت خدمات نیز گسترش یافت. با این وجود موافقتنامه خرید دولتی همچنان یک موافقتنامه «میان چند طرف» (Plurilateral) بشمار می‌رود، به این معنی که برخلاف موافقتنامه‌های چند جانبه (Multilateral) عضویت در آن برای اعضای سازمان تجارت جهانی اختیاری است. این مسأله باعث شده است تا فقط دو کشور در حال توسعه تا کنون به عضویت آن درآمده باشند.

هدف این موافقتنامه گشایش بازار خریدهای دولتی کشورهای عضو به روی شرکتهای تجاری یکدیگر از طریق تضمین شرایط رقابت عادلانه و حاکم ساختن ملاحظات صرفاً تجاری بر خریدهای دولتی می‌باشد. اعمال اصل رفتار ملی و شرط دولت کامله‌الوداد بر حوزه خریدهای دولتی از مهمترین تعهداتی است که کشورهای عضو این موافقتنامه در زمینه منع تبعیض می‌پذیرند. در این ارتباط کشورهای عضو موافقتنامه خرید دولتی مکلفند تا فهرستی از دستگاههای دولتی و همچنین کالاها و خدماتی که مایلند مقررات این موافقتنامه در ارتباط با آنها اجرا شود ارائه نمایند. علاوه بر تعهدات منع تبعیض مهمترین موضوع دیگر این موافقتنامه، تضمین شفافیت در خریدهای دولتی به منظور جلوگیری از هرگونه تقلب بوده است. در این ارتباط این موافقتنامه ضوابط دقیقی را جهت اجرای انواع مناقصات توسط نهادهای دولتی تنظیم نموده است که هدف از آنها تضمین اطلاع رسانی و شفافیت در مراحل مختلف خرید می‌باشد. هر چند طرفداران این موافقتنامه معتقدند آزادسازی خریدهای دولتی موجب کاهش هزینه‌های دولتها گشته و اقدامی در جهت مقابله با مشکلات مزمن کسری بودجه بشمار می‌آید، لیکن کشورهای در حال توسعه تاکنون استقبال چندانی از این موافقتنامه ننموده و غالب اعضای آن کشورهای توسعه یافته می‌باشند.

در این ارتباط اجلاس وزرای سنگاپور در سال ۱۹۹۶ به تأسیس یک گروه کاری متشکل از همه اعضای سازمان تجارت جهانی اقدام نمود که هدف از آن بررسی راه‌های تضمین شفافیت در خریدهای دولتی با هدف نهایی انعقاد یک موافقتنامه چند جانبه به منظور تضمین حداقل تعهدات در زمینه خریدهای دولتی برای همه اعضای سازمان می‌باشد. براساس تصمیم اجلاس وزرای دوحه، مذاکرات اصلی درباره موافقتنامه «شفافیت در خرید دولتی» در اجلاس وزرای سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۳ آغاز شد.^۱ این مبحث یکی از مسائل مورد بحث در دور دوحه است که در بخش مربوطه به آن اشاره خواهد شد.

سرفصل‌های آتی سازمان تجارت جهانی

سرفصل‌های زیر در اجلاس وزرای سازمان تجارت جهانی در سنگاپور به عنوان دستور کار گروه‌های کاری مشخص گردید:^۲

- ۱- تجارت الکترونیک شامل توزیع، بازاریابی، فروش یا تحویل کالاها و خدمات توسط ابزارهای الکترونیکی است. تجارت محصولات از طریق اینترنت مستلزم تغییراتی در قواعد تجارت کالاها و خدمات و در زمینه مالکیت فکری در سازمان تجارت جهانی است که در دست تدوین می‌باشد.
- ۲- تسهیل تجاری: شامل ایجاد نقطه تجاری در کشورها، بهبود اسناد مورد نیاز و رویه‌های گمرکی از جمله ترخیص کالا، استانداردها، بازرسی گمرکی از جمله ترخیص کالا، استانداردها، بازرسی گمرکی از جهت بهداشت حیوانی و نباتی و کنترل کیفیت است. از آنجا که سازمان تجارت جهانی بدنبال رفع موانع غیر تعرفه‌ای در تجارت است، موارد تسهیل تجاری را مورد توجه قرار می‌دهد.
- ۳- شفافیت در خریدهای دولتی مکمل موافقتنامه چند طرفه خرید دولتی است و محور آن ایجاد شفافیت در خریدهای دولتی می‌باشد. براین اساس، رویه‌های مناقصه باید باز باشد و به تمامی متقاضیان فرصت دهد. پس از امضای قرارداد نیز شفافیت وجود داشته

^۱ نمایندگی تام الاختیار تجاری ایران. وزارت بازرگانی. <http://www.irtr.ir/>

^۲ نمایندگی تام الاختیار تجاری ایران. وزارت بازرگانی. <http://www.irtr.ir/>

باشد، امکان چالش برای بازندگان مناقصه فراهم باشد. قوانین و رویه‌های خرید دولتی نیز در اختیار همگان باشد.

۴- تجارت و محیط زیست، به تدابیر زیست محیطی موثر بر تجارت می‌پردازد و شامل استفاده از روشهای تولید و فرآوری در مقررات زیست محیطی، الزامات بسته بندی، نصب برجسب زیست محیطی و مالیاتهای وضع شده برای اهداف زیست محیطی می‌باشد.

۵- تجارت و سرمایه‌گذاری، تجارت و سرمایه‌گذاری به بررسی ارتباط میان تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی (مستقیم FDI و پرتفوی FPI)^۱ می‌پردازد. قبل از آن موافقتنامه اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت در دور اروگوئه تصویب شده بود. گروه کاری تجارت و سرمایه‌گذاری (سنگاپور) به دنبال دستیابی به اصول چندجانبه در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی در چهارچوب سازمان تجارت جهانی است

۶- تجارت و سیاست رقابتی، سیاستها و قوانین حاکم بر رفتار ضد رقابتی شرکتهاست. وجود اقدامات تجاری ضد رقابتی مانند: محدودیتهای افقی، عمودی، سوءاستفاده از موقعیت برتر و ادغامها نیاز به قوانین رقابت ملی و موافقتنامه چند جانبه رقابت، باعث شمول رقابت در برنامه‌های کاری سازمان تجارت جهانی گردیده است

تجارت و محیط زیست

در دور اروگوئه هیچ موافقتنامه‌ای در ارتباط با تجارت و محیط زیست وجود ندارد ولی در بعضی از موافقتنامه‌ها اشاراتی به این موضوع شده است. از این میان می‌توان به مقدمه موافقتنامه تأسیس سازمان تجارت جهانی اشاره نمود که مقرر می‌دارد اعضا تصدیق می‌کنند که تلاشهای تجاری بین خود را با هدف توسعه پایدار و در پی حفظ و حراست از محیط زیست، تقویت نمایند. مسائل مبتلابه محیط زیست ناشی از فعالیت‌های تجاری از مواردی بوده که هم در گات و هم در سازمان تجارت جهانی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در سال ۱۹۹۵ به پیشنهاد وزرای شرکت کننده در اجلاس پایانی دور اروگوئه کمیته‌ای به نام کمیته تجارت و

^۱ Foreign Direct Investment (FDI).
Foreign Portfolio Investment (FPI).

محیط زیست (CTE) تشکیل گردید تا این موضوع را بررسی نماید. همچنین در چهارمین کنفرانس وزیران در نوامبر سال ۲۰۰۱ در دوحه توافق شد که موضوع تجارت و محیط زیست مورد مذاکره قرار گیرد تا رابطه بین مذاکرات تجاری چند جانبه و محیط زیست و آزادسازی کالاها و خدمات زیست محیطی مشخصاً تعریف گردد.

در سازمان تجارت جهانی فقط موضوعات تجاری مورد مذاکره قرار می‌گیرد و موضوعات زیست محیطی فقط زمانی مورد توجه قرار می‌گیرند که تأثیر بسزایی بر تجارت داشته باشند. در حال حاضر حدود ۲۰۰ موافقتنامه بین‌المللی خارج از سازمان تجارت جهانی وجود دارد که به موضوعات زیست محیطی مربوط می‌باشند که بر تجارت تأثیر دارند از این میان می‌توان به پروتکل مونترال درباره حمایت از لایه ازن و کنوانسیون بازل درباره حمل و نقل مواد زائد خطرناک از طریق مرزهای بین‌المللی اشاره نمود.

موافقتنامه پیشنهادی چندجانبه سرمایه‌گذاری و تجارت

رشد سرمایه‌گذاری و گرایش به آزادسازی یکجانبه محدودیتهای داخلی در امر سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته و تنوع ابزارهای سرمایه‌گذاری در سطح بین‌المللی، باعث شد که در سال ۱۹۹۱ سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) مطالعه خود پیرامون امکان تنظیم یک موافقتنامه چند جانبه سرمایه‌گذاری (MAI) را آغاز کند. براساس نتایج این مطالعه که در سال ۱۹۹۵ به شورای وزیران سازمان مذکور، شورا موافقت کرد که مذاکرات پیرامون این موافقتنامه را آغاز کند.

در سازمان تجارت جهانی اولین بار پیشنهاد موافقتنامه چند جانبه سرمایه‌گذاری در دور ارورگوئه در سال ۱۹۹۴ و از طرف کشورهای توسعه یافته مطرح شد. این پیشنهاد با مخالفت کشورهای در حال توسعه روبرو گردید. تلاشهای بعدی نهایتاً منجر به تشکیل یک گروه کاری در کنفرانس وزیران سنگاپور در سال ۱۹۹۶ شد که صرفاً ارتباط تجارت و سرمایه‌گذاری را بررسی می‌کند.

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی تصمیم گرفت تا مذاکرات پیرامون این موافقتنامه را ادامه داده تا بعد از پذیرش اعضای این سازمان، کشورهای غیر عضو نیز بتوانند در صورت

تمایل به آن ملحق شوند. اختلافات آمریکا، کانادا و اتحادیه اروپا بر سر پاره‌ای موضوعات از جمله چگونگی رفتار با مقوله فرهنگ و سازمانهای اقتصادی منطقه‌ای، وقوع بحران جنوب شرقی آسیا و عقب‌نشینی فرانسه از مذاکرات به علت انتقادهای شدید این کشور به رویه مذاکرات و مفاد موافقتنامه، همچنین موفقیت سازمانهای غیردولتی در بسیج مخالفت عمومی، باعث شد با وجود تمدید ضرب الاجل تعیین شده سازمان مذکور تا ۱۹۹۸ در تکمیل مذاکرات و دستیابی به نتیجه ناکام شود.

در حال حاضر مفاد این موافقتنامه به نوعی از طرف کشورهای مثل ژاپن، اتحادیه اروپا، کانادا و برخی کشورهای تازه صنعتی شده مثل کره جنوبی در گروه کاری تجارت و سرمایه گذاری مطرح می‌شود. علاوه بر این، در کنفرانس وزیران دوحه موافقت شد که مذاکرات سرمایه گذاری در نشست بعدی وزیران در مکزیک آغاز گردد. موافقتنامه چندجانبه سرمایه گذاری متضمن دسترسی آزاد سرمایه گذاران خارجی به تمام بخشهای داخلی کشورهای عضو به جز صنایع دفاعی و استثنائات محدودی است که در سطح چند جانبه و تحت شرایط خاص پذیرفته شده باشد. همچنین اصل رفتار ملی و دولت کامله‌الوداد، ممنوعیت اعمال الزامات اجرایی و لزوم اجرای تعهدات «توقف» و «واگشت» محدودیتها در این موافقتنامه تأکید شده است. رویه حل اختلاف، جبران خسارت، آزادی انتقالات مالی و سایر ضوابط مکمل نیز در این موافقتنامه پیش بینی شده است.^۱

تسهیل تجاری

هنوز تعریف ثابتی از تسهیل تجاری به عمل نیامده است. متداولترین تعریف «ساده سازی و هماهنگ سازی رویه‌های تجاری بین‌المللی» است که منظور از رویه‌های تجاری «فعالیتها، اقدامات و تشریفات مرتبط با جمع آوری، ارائه، تبادل و پردازش داده‌ها برای حرکت کالاها در عرصه تجارت بین‌الملل» می‌باشد. با این تعریف مجموعه وسیعی از فعالیتها از جمله رویه‌های واردات و صادرات (مانند قوانین گمرکی و صدور مجوز) تشریفات حمل و نقل، پرداختها، بیمه و دیگر اقدامات مالی در دایره شمول مفهوم تسهیل تجاری قرار می‌گیرند.

^۱ نمایندگی تام الاختیار تجاری ایران. وزارت بازرگانی. <http://www.irtr.ir/>

مؤلفه‌هایی از این تعریف هم اکنون در سازمان تجارت جهانی وجود دارد که می‌تواند مبنای شکل‌گیری موافقتنامه‌ای جدید و یا گسترش دایره شمول مواد و موافقتنامه‌های فعلی باشد.

ماده ۵ درباره آزادی ترانزیت، ماده ۷ درباره ارزشیابی گمرکی، ماده ۸ درباره عوارض و تشریفات مربوط به واردات و صادرات و ماده ۱۰ مربوط به انتشار و اجرای مقررات تجاری از گات و موافقتنامه‌های ارزش گذاری گمرکی، رویه‌های صدور مجوز ورود، بازرسی قبل از حمل، قواعد مبداء، موانع فنی فرا راه تجارت و موافقتنامه راجع به اعمال اقدامات بهداشتی و بهداشت نباتی زمینه‌هایی در سازمان تجارت جهانی هستند که هر کدام به نحوی به تسهیل تجاری می‌پردازند.

تسهیل تجاری در کنفرانس وزراء سنگاپور در دسامبر ۱۹۹۶ در دستور کار سازمان تجارت جهانی قرار گرفت. در بیانیه دور سنگاپور از شورای تجارت کالایی خواسته شده بود که فعالیت دیگر سازمانهای مرتبط با تجارت را در خصوص ساده سازی رویه‌های تجاری مورد بررسی قرار داده تا با قوانین سازمان تجارت جهانی تطبیق داده شود.

به دنبال این تصمیم دبیرخانه سازمان تجارت جهانی طی گزارشی ۱۵ سازمان مختلف که فعالیت آنها به نوعی به موضوع تسهیل تجاری مرتبط بود را نام برد و از آن میان می‌توان به آنکتاد (UNCTAD) یوان سی فکت (UNCEFACT) و سازمان جهانی گمرکات (WCO) اشاره نمود که فعالیت آنها در تسهیل تجاری بر سازمان‌های دیگر رجحان داشت.

کمیته تجارت کالایی در سازمان تجارت جهانی به منظور برآورد نظرات تجار بین‌المللی چندین همایش بین‌المللی با شرکت سازمانهایی مانند بانک جهانی، مرکز تجارت بین‌المللی و... از سال ۱۹۹۸ راه‌اندازی نمود. موارد زیر نکات حائز اهمیت در زمینه تجارت بین‌الملل و تسهیل تجاری و نتیجه همایش‌ها و دیگر بررسیهای تحلیلی کمیته فوق است:

- ۱- کاغذ بازی بیش از اندازه
- ۲- فقدان اتوماسیون و استفاده کم و ناصحیح از تکنولوژی اطلاعاتی
- ۳- شفاف و ثابت نبودن الزامات و مقررات صادرات و واردات
- ۴- مقررات بی‌دلیل و نامناسب خصوصاً فقدان نظام نظارتی
- ۵- قدیمی بودن و عدم همکاری بین گمرک و دیگر دواير دولتی که برای جریان

روبه تزايد تجارت، ايجاد مانع می نماید.

در حال حاضر کمیته تجارت کالایی عمده فعالیت خود را بر دریافت و تحلیل گزارشهای کشوری متمرکز نموده است. کشورهای در حال توسعه عمدتاً علیرغم موافقت با اصول تسهیل تجاری با قبول تعهدات بیشتر در قالب موافقتنامه جدید در قالب تسهیل تجاری با شروع مذاکرات مخالفت نموده اند.^۱

شفافیت خریدهای دولتی

موافقتنامه خرید دولتی یک موافقتنامه «میان چند طرف» (Plurilateral) می باشد که بر خلاف موافقتنامه های چند جانبه (Multilateral) سازمان تجارت جهانی، عضویت در آن برای اعضای این سازمان اختیاری است.

با توجه به سهم عمده خریدهای دولتی از در تجارت بین الملل، کشورهای توسعه یافته عضو این موافقتنامه بر آن شدند تا زمینه تعمیم حداقل تعهدات در زمینه خریدهای دولتی را به همه اعضای سازمان تجارت جهانی تعمیم دهند. در این ارتباط اجلاس وزرای سنگاپور (۱۹۹۶) تصمیم به ايجاد «گروه کاری شفافیت خریدهای دولتی» گرفت تا با انجام مطالعاتی در زمینه رویه های خرید دولتی مقدمات تدوین موافقتنامه چندجانبه ای را در این زمینه فراهم آورد. گروه کاری مزبور در مرحله اول به بررسی مقررات مربوط به شفافیت خریدهای دولتی در دیگر اسناد و موافقتنامه های بین المللی مرتبط از جمله «قانون نمونه» UNCITRAL دستورالعمل بانک جهانی در زمینه خریدهای دولتی و همچنین قوانین و رویه های ملی کشورها به منظور ترسیم اجزای اصلی موافقتنامه آتی در زمینه شفافیت در خریدهای دولتی پرداخت. تنوع نظرات و اصطکاک منافع کشورهای شرکت کننده در جلسات گروه کاری شفافیت به حدی بوده است که چشم انداز حصول اجماع در زمینه تدوین یک موافقتنامه آتی با ابهام مواجه شد. کشورهای شرکت کننده در گروه کاری همچنان بر سر بعضی از اصول کلی موافقتنامه آتی شفافیت در خریدهای دولتی از جمله ماهیت موافقتنامه؛ الزامی بودن و یا توصیه ای بودن قواعد و ضرورت وجود ساز و کارهای اجرایی مناسب نیز اختلاف نظرهای

^۱ نمایندگی تام الاختیار تجاری ایران. وزارت بازرگانی. <http://www.irtr.ir/>

جدی دارند. کشورهای در حال توسعه مخصوصاً نسبت به عدول گروه کاری از حوزه اختیارات خود در زمینه شفافیت در خریدهای دولتی و طرح قواعد متضمن دسترسی به بازار و هر نوع تحدید آزادی عمل دستگاه‌های دولتی خود در زمینه تصمیمات مربوط به خرید دولتی ابراز نگرانی کردند.

اجلاس وزرای دوحه با توجه به فضای موجود گروه کاری، بر این نکته تأکید نموده است که مذاکرات جاری شفافیت خریدهای دولتی محدود به جنبه‌های شفافیت بوده و متعرض اختیار کشورها در زمینه اعطای ترجیحات به محصولات و عرضه کنندگان داخلی خود در جریان خریدهای دولتی نخواهد شد. مطابق تصمیم اجلاس وزرای دوحه، مذاکرات اصلی موافقتنامه شفافیت خریدهای دولتی پس از اجلاس پنجم وزرای سازمان تجارت جهانی (کانکن، سپتامبر ۲۰۰۳) براساس تصمیم آن اجلاس در ارتباط با «دستورالعمل مذاکرات» که بر پایه اجماع نظرات کشورهای عضو اتخاذ خواهد شد، آغاز می‌گردد. در صورت حصول اجماع بر این موضوع انتظار می‌رود گروه کاری شفافیت خریدهای دولتی در مرحله دوم فعالیت خود ضمن ایجاد سازش بین دیدگاه‌های مختلف زمینه شکل‌گیری متن واحدی را با هدف تدوین موافقتنامه آتی شفافیت در خریدهای دولتی فراهم سازد.

منابع و مأخذ

- امیدبخش اسفندیار، بیژن بیدآباد، اکبر کمیجانی، رفعتی، حکیمیان و همکاران. بررسی آثار عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان جهانی تجارت بر بخش صنعت، سازمان مدیریت صنعتی، وزارت صنایع، دی ۱۳۷۵.
- امید بخش اسفندیار و مسعود طارم سری، آشنایی با موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) و بررسی تبعات الحاق ایران به آن، موسسه مطالعات پژوهشهای بازرگانی، آذر ۱۳۷۲.
- بیدآباد، بیژن. آثار کمی الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی در بخش صنعت، ۱۳۸۲، تهران.
- بیدآباد، بیژن. موانع غیرتعرفه‌ای در سازمان جهانی تجارت و حذف از بازرگانی خارجی ایران، ۱۳۸۱.
- بیدآباد، بیژن. مسائل سیاستگذارانه‌های کلان اقتصادی در ایران، مجموعه ۴۰ مقاله، منتشر شده در: <http://www.bidabad.com/>
- کمیجانی، اکبر (۱۳۷۴) تحلیلی پیرامون تجارت تجربه عملی پیوستن برخی از کشورها به سازمان تجارت جهانی و آثار اقتصادی الحاق ایران به آن. معاونت امور اقتصادی. وزارت امور اقتصادی و دارایی.
- محمد جواد ایروانی، مترجم (۱۳۸۱). تجارت در آینده. درآمدی بر سازمان تجارت جهانی. موسسه

مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.

- دبیرخانه آنکتاد (۱۳۸۱) چگونگی الحاق به سازمان تجارت جهانی. ترجمه: ابوالقاسم بینات، حامد روحانی، محمد حسن زارع احمدآبادی، علی زاهدطلبان، امیر هوشنگ فتحی زاده، موسی موسوی زونوز. نمایندگی تام الاختیار تجاری ایران.
- لایحه برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۸۸-۱۳۸۴. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
- یحیی فتحی (۱۳۸۱). وضعیت تجارت خارجی ایران در چارچوب مقررات سازمان تجارت جهانی. از سری مقالات پژوهشی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی ایران.
- خبرنامه رویدادها و تحولات سازمان تجارت جهانی (۱۳۸۳). سال هشتم شماره (۵۸) اردیبهشت.
- شیروودی عبدالحسین (۱۳۷۸) سازمان تجارت جهانی اهداف، مبانی و ساختار. مجله مجتمع آموزش عالی قم، سال اول شماره چهارم زمستان.
- شیروودی عبدالحسین (۱۳۷۹) سازمان تجارت جهانی و تأثیر آن بر مقررات داخلی. مجله مجتمع آموزش عالی قم، سال دوم شماره پنجم، بهار.
- الیاسی، حمید (۲۰۰۲). ایران و عضویت در سازمان تجارت جهانی بازرگانی با یک بحث انتقادی، JIRA April 2002. ترجمه خیرخواهان، اطلاعات سیاسی - اقتصادی ۱۷۸ - ۱۷۷.
- حقی، محمد علی، آشنایی با سازمان تجارت جهانی. نشریه صنایع نساجی ۲۳۵.
- سالواتوره. اقتصاد بین الملل.
- علی رشیدی (۱۳۷۴) طرز پیوستن به سازمان تجارت جهانی. نشریه اتاق بازرگانی شماره ۴. مه لقا اترک، شهیندخت خوارزمی و همکاران. بررسی آثار احتمالی پذیرش ایران در سازمان تجارت جهانی (WTO) بر سیستم بانکی کشور و ارائه پیشنهادات کلی جهت مذاکرات آتی ایران در این سازمان (مطالعه موردی بانکهای تجاری). مدیرساز، سال چهارم شماره ۴.
- بیژن تفرشیان (۱۳۸۰). ایران و سازمان تجارت جهانی، نشریه داخلی بانک ملی، سازمان اداره خارجه.
- خسرو عزیزی، ایران و سازمان تجارت جهانی، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی. شماره ۱۷۶-۱۷۵.
- تاملی بر بحثهای نوین مربوط به عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی روزنامه اطلاعات ۸۲/۴/۱۹.
- سعید شیرکوند (۱۳۷۹). پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی (الزامات، پیامدها و راه کارهای عملی). مجله دانش مدیریت سال سیزدهم شماره ۵۱ زمستان.
- لیلیا سرافراز. بررسی موانع قانونی پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی با نگرشی بر سیاستهای موجود. مجله سیاسی اقتصادی شماره ۱۷۸ - ۱۷۷.
- سازمان تجارت جهانی و ایران. ادیب، ۱۳۷۹. اصفهان.
- دیوید هلد و آنتونی سکگر، جهانی شدن و مخالفان آن. ترجمه عرفان ثابتی، انتشارات ققنوس.

- مجموعه مقالات همایش جهانی اقتصاد موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی دفتر نمایندگی تامالاختیار تجاری ایران.
- مجموعه مقالات اولین همایش سیاستهای بازرگانی و تجارت بین الملل موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- محتشم دولتشاهی، طهماسب. اقتصاد بین الملل چاپ اول سال ۱۳۷۱.
- رحیمی بروجردی، علیرضا، تجارت بین الملل (تئوریهها و سیاستها) چاپ اول بهار ۱۳۷۴.
- پور مقیم، سید جواد، تجارت بین الملل نظریهها و سیاستهای بازرگانی تابستان ۱۳۷۵.
- نوربخش، محمد، بررسی مزیت نسبی استان مازندران در امر صادرات محصولات، رساله کارشناسی ارشد ۱۳۷۵.
- فرزین، محمدرضا، بررسی ساختار حمایتی در برخی از صنایع ایران، دانشگاه علامه طباطبائی سال ۱۳۷۹.
- دومینیک سالواتوره، تجارت بین الملل ترجمه حمیدرضا ارباب چاپ اول فروردین ۱۳۷۶.
- دفتر نمایندگی تامالاختیار تجاری ایران. وابسته به وزارت بازرگانی ایران:
- <http://www.irtr.gov.ir/>
- سازمان تجارت جهانی <http://www.wto.org/>
- The Doha agenda, http://www.wto.org/English/thewto_e/whatis_e/tif_e/doha1_e.htm
- http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis/tif_e/agrm9_e.htm Understanding WTO agreement non-tariff barriers: red tape etc.
- http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis-e/tif-e/agrm4-e.htm Understanding the WTO: the agreements standards and safety, WTO Switzerland
- <http://www.peaceandjustice.org/issues/econojustice/gl.wto3.html> The world trade organization and its multilateral trade agreements (GATT, GATS, TRIPs, TRIMs, etc.) Keith Ferguson
- http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis-e/tif-e/agrm8-e.htm Understanding the WTO: the agreements: antidumping, subsidies, safeguards: contingencies, etc, WTO, Switzerland.
- <http://www.iransos.com/gozaresh/05.05/asle44.htm>
- <http://www.asle44.ir/>
- <http://www.mfa.gov.ir/cms/cms/paris/fa/EconomicPart/EconomicInformations/ImportExport>
- <http://www.tpo.ir/tpo2/final/moghadameh-final/moghadameh-%205.htm>
- http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/whatis_e.htm
- http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/tif_e/org6_e.htm
- <http://www.payam.co.ir/journal/farsi/Majaleh/34/4-34.htm>
- http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/whatis_e.htm
- <http://www.irtr.ir/wto/multilateral/index.htm>
- http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/whatis_e.htm
- <http://www.irtr.ir/wto/multilateral/index.htm>
- http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/whatis_e.htm
- <http://www.irtr.ir/wto/multilateral/index.htm>
- http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/whatis_e.htm
- <http://www.irtr.ir/wto/multilateral/index.htm>
- A Dixit, Norman (1985). Theory of international trade, Cambridge University Press.
- Walter Enders Harvey, E. Lapan, International Economic theory and policy, NJ: PHI, 1987.
- R.W. Jones., P.B. Kenen. Handbook of international Economics. Vol 1 Amsterdam North-

Holland. 1996.

- Suranovic, absolute and comparative advantage – 1999.
- Nelson Mandela, The great deceit
- Trebilock & Howse The Regulation of international trade (London, Routledge, 1995) P73-90
- Anderson, Strengthening the global trading system from GATT to WTO. Center of Economic Studies, University of Adelaide (1996) P.3-
- Thomas Dillon, The world Trade Organization: A New legal order for world trade. Michigan journal of international law (No. 16 1995) P. 32.